

کیمپان ورزشی

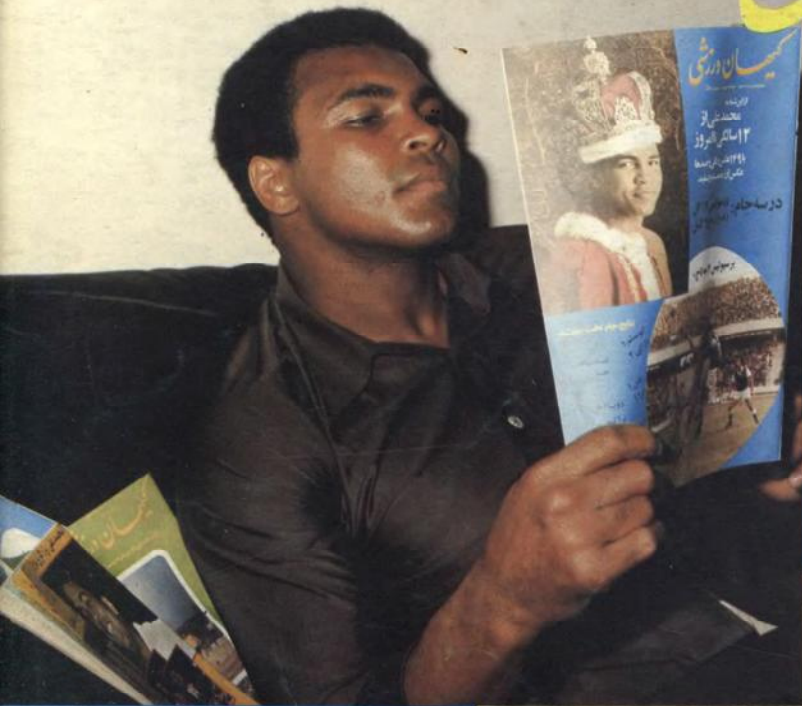
شماره ۱۱۴۷ - شنبه هشتم خرداد ۲۵۳۵ - بهار ۱۵ ریال

محمد علی به تهران میآید؟

درفوتبال ایران - برزیل
مهاجمان کوبنده بودند

برای فوتبال ایران
المپیک ۷۶ خوب شروع شده

پاس بسختی از
تهران جوان برد



نتایج جام پهلوی

۱ پاس

۰ تهران جوان

۲ برق

۳ تراکتورسازی

۴ صنعت نفت

۵ ملوان

۴ ماشین سازی

۵ گمک

۱ گیو

۲ خانبابانان

۳ ساکن. میخان

۱ ساکن

۱ ساکن

۲ ساکن

۲ ساکن



کیمپان جوانان

www.javanan56.com

ایران ۲

عکسها و اسلاید های اختصاصی ما
از مسابقه محمد علی - ریچارد دان
صفحات ۴۸، ۴۶، ۴۴

محمدعلی چتر باز انگلیسی را بزیر کشید

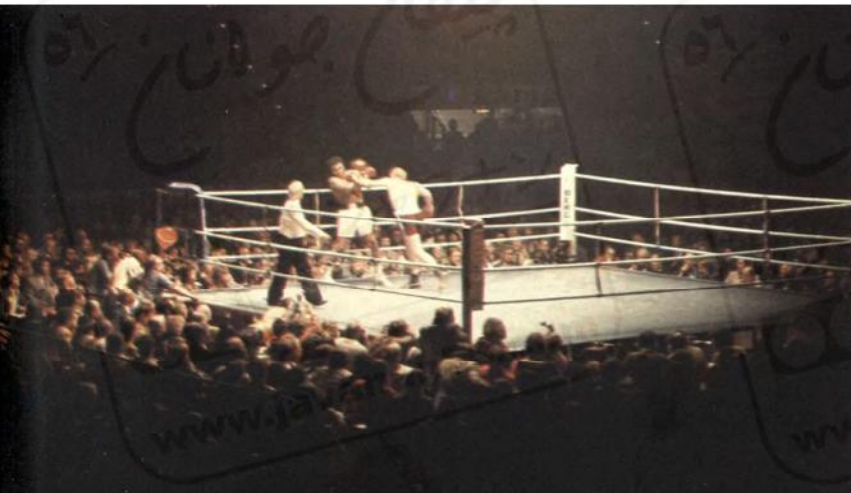
نورالله صرافیان همکار فعال ما در آلمان، این بار دست به تلاش دلپذیر دیگری زده و از مسابقه محمدعلی - ریچارد دان (سمشبه پیش درمیونج) اسلاید، عکس سیاه و سفید و مطلب تهیه کرده که اسلایدی از او را روی جلد دیدید و در این صفحه و صفحات ۴۴ و ۴۷ این شماره نیز مطلب جانب و عکسها و اسلایدهای دیگر خواهید دید.

جا دارد که یکبار دیگر دست صرافیان را صمیمانه بشاریم.

این غوغائی است که معمولاً بعد از هر مسابقه محمدعلی، روی صحنه درمی گیرد. خبرنگاران و عکاسان محمدعلی را در میان میان گرفته اند، برادرش (رحمن علی) آخرین نفر سمت راست با کت چهارخانه دیده می شود و عله زیادی هم با وجود سناحت شدید پلیس خود را به صحنه رسانده اند.

پیش از شروع مسابقه مراسم پرشکوهی برگزار شد. محمدعلی و همراهانش پشت پرچم آمریکا قرار گرفتند. روبروی آنها ریچارد دان و گروه او پشت پرچم انگلستان ایستادند و در گوشه بیطرف پرچم کشور میزبان (آلمان فدرال) برپا شد و این هنگامی است که سرود ملی انگلستان نواخته می شود.

ریچارد دان ۳۱ ساله مقاوم تر از آن بود که تصور می شد. او پنج دور در برابر ضربات سنگین محمدعلی مقاومت کرد و چندین بار هم به محمدعلی ضربه های محکم زد. مثل این صحنه از دور سوم که چتر باز معروف انگلیسی هوکی از دور به چانه قهرمان جهان حواله کرده است.



حضور شایسته

از ناظم گیلان پور

کمیته بین المللی المپیک در ۱۹۷۸ (دو سال بعد از المپیک مونترال و دو سال پیش از المپیک مسکو) تصمیم میگردد که برگزاری بازیهای المپیک ۱۹۸۴ را به تهران واگذار کند با به پایتختی دیگر. معمولاً کمیته بین المللی به کشورهای با بازیهای شش سال مهلت میدهد که در این مدت نسبتاً دراز فرصت داشته باشد خود را از هر جهت آماده کند.

در این دو المپیک که تا ۱۹۸۴ فاصله است، ما باستی به بهترین شکل حضور داشته باشیم. اگر الحاح برگزاری بازیهای ۱۹۸۴ نصیب ایران نشود، ما باید در ۱۹۸۴ و المپیک های پس از آن بازیهای شرکت کنیم و حضور داشته باشیم زیرا بهر حال تهران میزبان یکی از دوره های آینده نزدیک المپیک خواهد بود. بسیاری تصور می کنند که « حضور در المپیک » به این معنی است که باید ورزشکاران متعدد و اما ناآهنگان به شهرهای میزبان المپیک بفرستیم و اگر از دنیائی که باورن آید بر دو کورتین فرانسوی المپیکهای نوین را ساخت هنوز آتری و نشانی باقی بود، این عده حق داشتند انتظار فکر کنند. اما در دنیائی که سرنوشت همه چیز - حتی ورزشش - نه در جلسات رسمی و میدانی بلکه در سیمانی ها و بارها و بکته رشوه و زد و بند تعیین میشود، متأسفانه طرز فکر این عده خیلی کهنه می نماید. بنا بر این برای ما که میخواهیم امتیاز برگزاری یک دوره المپیک را بدست آوریم، « حضور شایسته » در همه رویداد های ورزشی بین المللی بسیار ضروری است.

« حضور شایسته » یعنی شرکت دادن کسانی در جلسات خارج از میدانها که ظاهر برآزنده و قابل قبول داشته باشند، خوش برخورد و خوش لباس و خوش صحبت باشند، رفتاری گرم داشته باشند و از هر نفوذ در قلب طرف صحبت، بهره برنده و موازی با آن زیر و بم های ورزش را خوب بشناسند و از نقطه ضعف طرف مطلع باشند و صاحب چشمانی خیلی باز و گوشهائی بسیار تیز باشند که خوب ببینند و خوبتر بشنوند و حتی دارای چنان دست و پستی و اجتماعی باشند و چنان بر اوضاع عمومی و سیاسی جهان اطلاع داشته باشند که بتوانند در سابقه با « عامل زمان » پیش افتند و زمینه مناسب برای تأمین خواستهائی خود را جلوتر فراهم نمایند. البته پیدا کردن چنین اشخاص با این مشخصات آسان نیست، اما بعضی کسانی هستند که اگر از یکی دولتست چندان تعبیری ندارند، در سایر جنبه ها با اندازه کافی قوی هستند و قابل عرضه به کنفرانسهای بین المللی میباشند.

متأسفانه مقامات ورزشی ایران در این سی ساله که از شرکت ما در بازیهای المپیک و رویداد های بین المللی میگذرد نه لفظ نسبت به مسئله حضور شایسته اغلب بی اعتناء بوده اند بلکه موارد عدیده دیده ام که حتی از « حضور شایسته » نمایندگان ایران جلوگیری کرده اند. مثال یکی دو تا نیست ولی شاید مهمترینش مربوط به شادروان سعید پختیار باشد که درست همان موقعی از ریاست فدراسیون ورزش برداری کنارش نهادند که نامزد حراز ریاست فدراسیون بین المللی وزنه برداری بود و این آقای شادول اتریشی که بعد از کلارنس جانسن امریکائی رئیس این فدراسیون شده از نظر بین المللی شاید یکدم مشخصات آن شادروان را ندارد.

اکنون در آستانه المپیک ۱۹۷۶ و د رزمانی که مملکت ما باید خود را بخوبی نشان دهد، با این دلیل مسئله « حضور شایسته » را مطرح میسازیم که از فدراسیونهای ورزشی ما دعوت شده است که در کنفرانس های مونترال حضور یابند و نامزدان خود را برای اعزاز مقامات بین المللی معرفی کنند. در مسابقات قضاوت کنند و از بعضی از آنها بنام دعوت شده است یعنی تا این حد مورد قبول و احترام فدراسیونهای بین المللی هستند. این اسباب خوشوقتی و آبروی دستگاه ورزشی ایرانست و در کنار این خوشوقتی و خوشبختی متأسفانه باید گفت که در ورزش ایران تعداد این گونه افراد از شمار انگشتان دست تجاوز نمیکند و چه السوسی دارد که اغلب جلویای همین تعداد کم نیز چنان سنگنهائی میاندازند که کنار دندش ابقدر هاسان نیست.

عالمی که سنگنهائی کلان را جلویای این عده می غلتاند و ایران را از حضور و شرکت در کنفرانس های بین المللی و داوری در مسابقات بزرگ محروم میکند از یک طرف مربوط به نحوه کار و انتخاب روسای فدراسیونهای ورزشی است و از طرف دیگر مربوط میشود به فدراسیونهای بین المللی که پذیرفتن نمایندگان و داوران ایران را منوط به تأیید فدراسیونهای ملی میکنند و چون رئیس فدراسیون که میاید اغلب با رئیس قلی و همه کسانی که با او بوده اند دشمن خوبی میشود. بهمین سادگی صندلی ایران را در مجامع بین المللی خالی می گذارند و البته اگر این صندلی بیش از یکی دو بار خالی بماند، نه لفظ آن صندلی به دیگری داده میشود بلکه خشم و کینه ای از بدقولی میماند. های ورزشی ایران را هم در دل نگاه میدارند که زدودن این یکی سالها وقت میخواهد. بسیاری از مقامات و مسئولان ورزشی مسلک ما متوجه این نکته نیستند که حضور شایسته در مجامع بین المللی و برخورداری از احترام اعضا آن چه نقش قاطعی میتواند در ورزش ایران بازی کند. آنها متوجه نیستند که نباید نظر شخصی آنها به زبان مملکت تمام شود. آنها کسانی هستند که همیشه از تعیضها و زد و بند ها در فدراسیون-

های بین المللی می نالند ولی هرگز نتوانسته اند با نخواستند اند فکر کنند که از چه راه میتوانند با آن مبارزه کنند.

چرا غرض ورزشی با فلان داور یا رئیس فدراسیون سابق باید باعث شود که ایران با یگانهی را در فدراسیون بین المللی از دست بدهد، با در آن فدراسیونی که میتواند نفوذ کند، کوتاه بینی را تا به آنجا برساند که دغوتنامه و فرم مخصوص آن را آن قدر پنهان کند تا کار از کار بگذرد؟ بعضی از روسای فدراسیونها در توجیه این کارهای خود دلیلی می آورند که هیچ ایرانی به تنگ آن تن نمیدهد. اینها ادعا می کنند که اگر تقی و تقی را به کنفرانس های بین المللی نفرستند آنها به خاطر دشمنی با فدراسیون، علیه مملکت خود اقدام خواهند کرد و من تصور نمیکنم که هیچ ایرانی به چنین زفالتی تن دهد و عنوان این مطلب از طرف مسئولان بگه بهانه متعفن بیشتر نیست.

مقاماتی که ایران در فدراسیونهای بین المللی اعزاز کرده به این آسانی ها بدست نیامده است. چقدر مملکت در این راه سرما به گذاری کرده باشد خوبست؟ خود نمایندگان ما چقدر از عمر، تجربه و سرمایه خود را در این راه گذاشته باشند خوبست؟ من در این جا میخواهم از یک نمونه بی صحبت کنم که خود ما سالیست ناظر آن هستیم و لفظ چون بقیه در صفحه ۴۲

شرح عکسهای روی جلد

در مجله این هفته:

صفحات ۵ و ۶: فوتبال ایران و برزیل
صفحات ۷ و ۸: فوتبال جام پهلوی
صفحه ۹: نقل و انتقالات بسکتبال
صفحه ۱۰: گفتگو با حشمت مهاجرانی
برای تیم ملی فوتبال
صفحه ۱۱: چهار دروازه بان خوب فوتبال ایران
صفحات ۱۲ و ۱۳: آلبوم جام تخت جمشید
صفحات ۱۴ و ۱۵: تاریخچه المپیکها
صفحه ۱۶: المپیک مونترال
صفحات ۱۸ و ۱۹: صحنه های رنگی جام تخت جمشید
صفحه ۲۰: سه چهره از فوتبال جوانان ایران
صفحه ۲۱: شریجی بانکوک (قسمت دوم)
صفحات ۲۲ و ۲۳: مطلبی از اردوی کشتی گریان
صفحه ۲۴: دست اسلامی دیگر خوب نمیشود.
صفحه ۲۵: فوتبال کاسل
صفحه ۲۸: مالزی در جام ملتها شرکت می کند.
صفحه ۲۹: تیم کاراته ایران
صفحات ۳۲ و ۳۳: گفتن زشما ...
صفحات ۳۴ و ۳۵: وزنه برداری
صفحه ۳۷: شوخیهای هفته
صفحه ۳۹: خبرهای کوتاه ورزشی
صفحات ۴۰ و ۴۱: دنباله مسابقات فوتبال جام پهلوی
صفحات ۴۲ و ۴۳: مطالبی در مورد تیم ملی فوتبال
صفحه ۴۴: فوتبال کشورهای اروپا
صفحه ۴۶: مسابقه محصلی با رجا بردان

●●●●●

محمد علی

به تهران میاید؟

محمد علی قهرمان شش تنزی حرفه ای جهان در دسته سنگین وزن، پس از سابقه هفته اخیرش با رجا بردان انگلیسی در سونیک به نورالدوله صرافیان خبرنگار کیهان گفت که روز شنبه ۱ ژوئیه (۱۹ تیر) به تهران میاید و مدت پنج روز در ایران خواهد ماند. محافل ورزشی ایران از این سفر خبری ندارند و ممکن است محصلی مانند یک توریست به تهران بیاید.

از اینکه کیهان ورزشی مدت نه ماهست از محصلی مرتباً عکسهای رنگی و سیاه و سفید و مطلب تهیه می کند قهرمان جهان خیلی خوشحال شد. عکسهای خود را در چند شماره بدقت نگاه کرد و به بردارش رحمن علی گفت: « بین ایرانیها چقدر مرا دوست دارند. افسوس که نمی توانم مطالبی را بخوانم » و این را که گفت من چند قسمت از نوشته ها را مختصراً برایش ترجمه کردم. در اینجا مشغول تماشای دو صفحه عکس رنگی از خود در شماره ۱۱۱۶ میباشید است.

●●●●●

پاس در برابر تهران جوان. همان تیمی نبود که با یک بازی زیا مرحله یک شانزدهم را از پرسپولیس برد و نتیجه ضعیف یک بر صفر پاس هم با توجیه به اشتباهات مداوم دروازه بان تهران جوان کوپای آن بود.

در اینجا حجت الله خوشبختانه مدافع تهران جوان زودتر از حبيب شریفی توب را سرزده است. در حالیکه فرهاد نوروزی هالیک تهران جوان (شماره ۹) هابون شاهرخی کاپیتن پاس (سرخ پوش سمت راست) و هوشنگی (سرخ پوش سمت چپ) ناظر صحنه هستند.

کیهان ورزشی

شماره ۱۴۴ - سال بیست و یکم
صاحب امتیاز: محمود مصطفی
سردبیر: کاظم گیلان پور
نشانی: خیابان فردوسی جنوبی
کوچه کیهان

تسلیمت به خاندان دیده بان

دوستان گرامی ما آلا بان هوشنگ و هابون دیده بان هفته پیش در مرگ مادر سوگوار شدند. خود را در غم خانواده دیده بان شریک میدانیم، همه با یانندگان و دوستان آن شادروان تسلیمت میگوئیم و بقای عمر توأم با سلامت همه آنها را از خداوند مسئلت می کنیم.

هیبت تحریریه کیهان ورزشی



ایران : خط حمله قوی خط میانی ضعیف خط دفاعی متوسط برزیل : خط حمله عالی خط میانی خوب خط دفاعی ضعیف

فوتبال تدارکاتی ماقبل المپیک

تیم ملی ایران (۲)

حسین راغفر - آندرانیک اسکندریان
۲ - سهام میرفرخانی ۴ (بیژن ذوالفقارنسب
۱۲ از نیمه دوم) ، پرویز قلیچ خانی ۵
(کاپیتان) ، حسن نایب آقا ۳ - حسن نظری
۵ ، علی پروین ۷ ، علیرضا عزیزی ۸ -
حسن روشن ۱۰ ، ناصر نورائی ۹ ، علیرضا
خوشبیدی ۱۱ (گازنیک شهیندری ۱۷ از
دقیقه ۷۰) .
ذخیره ها : مجید بهلول افشاری ،
بنجلی ، عابدیان ، یوسفی ، مایلی کهن ،
خجیری
سربی : حشمت مهاجرانی

تیم ملی برزیل (۲)

کارنوس ۱ - جونیر ۵ ، تکاوا ۳
ورزشگاه شهبانو فرج (جمعه ۷ خرداد
۲۵۳۵) - اولین مسابقه تدارکاتی تیم
ملی فوتبال ایران برای مسابقات جام ملت
های آسیا و فوتبال المپیک و اولین دیدار تیم
ملی تحت رهبری حشمت مهاجرانی تساوی
دو بر دو برابر تیم ملی فوتبال المپیک
برزیل بود.

حریف برزیلی نمائی از قدرت فوتبال
حرفه‌یی این کشور را با ابعاد محدودتر
دارا بود . قدرت دربیل زنی بازیکنان ، بازی
زیستی عالی ، گسترده شدن بازیکنان در زمین
و سرانجام بازی بدون توپ و جای عوض
کردن بی دربی آنان فوتبال عالی برزیل را
به یاد می‌آورد . همانگونه که در بیست
دقیقه اول مسابقه نفس فوتبال ما را گرفت و
یک گل زینا (در دقیقه ۱۵) با شلیکی از
فاصله ۲۵ متری توسط « اری ولتو » حاصل
این برتری بی چون و چرا بود . در جمع
سهاجمان برزیلی یک بازیکن هم به نام
فرناندو با شماره ۹ و قامتی تماشائی بازی
میکرد که در دربیل زنی قدرتی شگرف
داشت . بعد از او میوان از بازی عالی
اری ولتوانام برد .
در برابر قدرت گیج کننده خط حمله
برزیل و خط میانی کارساز این تیم ،

این گل اول ایران است که با ضربه علیرضا
عزیزی (سمت چپ به روی زمین افتاده) وارد
دروازه برزیل شده و مسابقه را متعادل
ساخته است. نورائی در روی خط گل و
خوشبیدی در وسط با نگرانی شاهد سه
نتیجه رسیدن هستند. کارنوس دروازه بان
بلند قامت به همراه جونیر - که او هم به
زمین افتاده و تکاوا (۳) با حسرت توپ را
مینگرند استقبال تماشاگران از این مسابقه
جلاب توجه بود.

پیش رفت و شلیک کرد دروازه بان راه
توپ را به طور ناقص بست و توپ جلوی پای
عزیزی افتاد تا گل مساوی را بزند. دو
دقیقه بعد روشن نمایش خود را تکرار کرد
ولی این بار به نورائی فرصت داد که
با وجود دخالت بی تأثیر یک مدافع گل
برتری ایران را هم بزند.

روشن ستاره مسابقه بود اما نورائی
و خوشبیدی نیز با ارائه یک بازی قابل
قبول آزمایش بسیار موفقی دادند. نورائی
در اولین بازی تیم ملی اش به مراتب
بالاتر از حد بلشگاهی ظاهر شد و خوشبیدی
چند بار با شلیک های خود ویا کنترل
توپ و پاس های بهجا نشانه‌یی از یک
مهاجم موفق داشت. او با قدرت بدنی
عالی تا لحظه‌یی که در زمین بود ضعیفی
بروز نداد.

برزیل در اواخر نیمه
اول موفق شد گل مساوی را
بزند . بعلا از اینکه راغفر (دروازه بان
جانشین حجازی) ، رامضربه سیمپورا بست
تسلیم ضربه دقیق و قوس دار آلبرتو شد .
در نیمه دوم شکل تیم ایران به مراتب

بتر شد و برتری نسبی نصیب ایران
گردید و حاصل آن چند بار خطر آفرینی برابر
دروازه برزیل بود و آسایش راغفر ، علت
اصلی این بهبودی از آمدن بیژن
ذوالفقارنسب بجای میرفرخانی و از حرکت
صحیح تر بازیکنان خط میانی سرچشمه گرفت.
ذوالفقارنسب به لطف سرعت و جنگندگی اش
کمتر فرصت هنر نمانسی و گریز به
سهاجمان برزیلی داد و قلیچ خانی با قرار
گرفتن بین حسن نایب آقا (که از ابتدا
بهترین مدافع بود) و ذوالفقارنسب
اطمینان بیشتری به بازی پیدا کرد و
فرصت یافت با قدرت دید و تکنیک
عالی اش کندی و کمبود سرعش را جبران
کند و به مراتب مؤثرتر از نیمه اول ظاهر

شود .
در این نیمه خوشبیدی دوباره به سختی
دروازه برزیل را تهدید به سقوط کرد .
نورائی هم یک فرصت خوب را از دست داد .
در بیست دقیقه آخر گازنیک به جای
خوشبیدی آمد و آزمایش شد . او در گوش
راست جای گرفت و روشن به چپ رفت .
با اینکه خط حمله آشنائی و قدرت گذشته را
نداشت معهداً دوبار دیگر خطر آفرین شد .
یک بار در دقیقه ۷۰ بود که ضربه روشن
توسط دروازه بان برگشت و توپ با ضربه
نظری به خارج رفت .

ضربه گازنیک هم نتوانست گل برتری
ایران را به دنبال داشته باشد اما توپی را
که روشن ساخته و نورائی در دهانه گل
پرده خند بود - وجود ضربه به ظاهر
درست گازنیک ، راهی خطا به کنار دروازه
داشت.
تیم ملی ایران در این بازی قصد داشت
با تمایل پروین به گوش راست بر قدرت خط
حمله بیفزاید اما از ابتدا این طرح بدرستی
پیاده نشد و اغلب در میانه میدان جنگ
های تن به تن به سود برزیلی ها بود .
تیم ایران در همان دقایق اول میرفت
یک گل را میزد اما عزیزی در زدند ضربه
تعلل کرد.

خطمیانی هم آن قلیچ خانی بزرگ را دیگر نداریم تا با بک پروین آمادو بازیکنی نظیر جباری، روزهای اوج را کامل کنیم. تنها نقطه روشن و قابل مقایسه همان خطحمله بود. معهذاً امید داریم در فرصت باقیمانده به قدرت آسانی دست یابیم و از پیروزی و موفقیت صحبت کنیم.

در پایان اشاره می‌داریم به داوری خوب محسن زمانی و کمک‌های او در این مسابقه تماشایی و پرتحرک، پرشدن کامل ورزشگاه زیبای شهپانو فرح که از هر جهت آماده این مسابقه شده بود و رضایت حشمت مهاجرانی از بازی تماشایی برابر برزیل و بی‌اسیبه بازیکنان.

برنامه مسابقات فوتبال

جام ملت‌های آسیا

جمعه ساعت ۷ بعد از ظهر،

ایران - عراق

با آمادگی شرکت مجدد تیم فوتبال مالزی در هفتمین دوره مسابقات فوتبال قهرمانی جام ملت‌های آسیا این مسابقه‌ها طبق برنامه اعلام شده در تهران و تبریز برگزار خواهد شد. براساس برنامه فدراسیون فوتبال تیم فوتبال عراق اولین حریف ایران است که روز جمعه چهاردهم خرداد در ورزشگاه آرپامهر بر زمین خواهد آمد. یکشنبه ۱۶ خرداد، عراق با یمن جنوبی مسابقه میدهد و سه‌شنبه ۱۸ خرداد ایران در برابر یمن قرار خواهد گرفت.

مسابقات تبریز از روز پنجشنبه ۱۳ خرداد شروع میگردد. در دیدار نخست کویت و کره شمالی و سپس چین و مالزی مسابقه خواهند داد. شنبه ۱۵ خرداد، کره با چین و کویت با مالزی مسابقه می‌دهد و روز دوشنبه ۱۷ خرداد چین در برابر کویت و کره مقابل مالزی تیم‌های اول و دوم گروه خود را معین خواهند کرد. مرحله نیمه‌نهایی این مسابقات روز جمعه ۲۱ خرداد بصورت شریذری برگزار میگردد و بالاخره دیدارهای نهایی ورده - پندی روز یکشنبه ۲۳ خرداد در ورزشگاه آرپامهر برگزار خواهند شد.

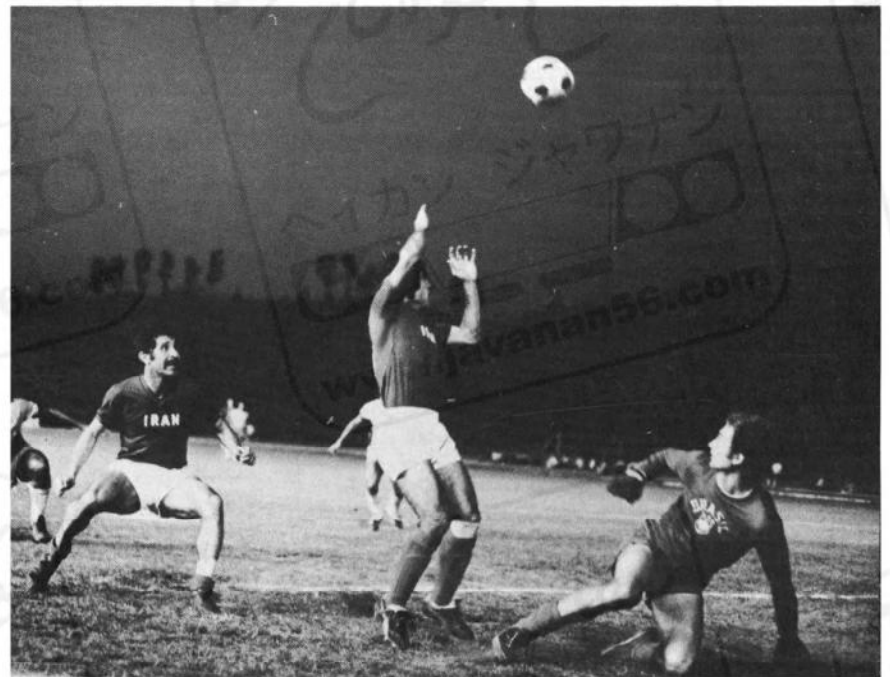
سری تیم فوتبال ملوان

در آلمان دوره می‌بیند

بهمن صالح‌نیا (سری تیم فوتبال ملوان) عازم آلمان غربی خواهد شد تا برای آشنایی با نحوه تمرینات تیم بایر مونیخ چند هفته‌یی در کنار این تیم باشد. صالح‌نیا دو سال پیش نیز در کلاس سری‌گری دتمار کرامر (سری بایر مونیخ) که در تهران تشکیل شد، شرکت کرده بود. هزینه این سفر به‌عهده خود صالح‌نیا است.

گروه گزارش فوتبال: آبدان، جلیل

صفری - تبریز، رسول خیرانی - شیراز، که پوریا و بهشتی - خرمشهر، مهدی امیدوار - بندر پهلوی، داریوش دریاچ - تهران، فریدون شیبانی، فرامرز لیواریجانی، داود الماسی، حسن شماعی‌زاده، محمد فریموساوی و د. اسداله‌الهی



لحظه‌یی بسیار خطرناک برای دروازه تیم برزیل و کارنوس دروازه‌بان (راست) این تیم در نیمه دوم به‌وجود آمده‌است. توپ بالای سر روشن ستاره تیم ایران قرار دارد و علیرضا خورشیدی درست چه سخت مصمم نشان میدهد.

بودن زوج قلیچ دست‌داد، اما بازم وجود آنان را نمیتوان جانشینان خوب کارگرم، کاشانی و حلوئی دانست، ضمن آنکه در

های سر تقریباً با حریف پای‌پای بود. غیبت بازیکنانی چون حجازی و قاسمپور در تیم حس میشد و باید اعتراف کرد که تیم از نظر یافتن شکل و شمایل دلخواه در حد نام خود فاصله داشت. حتی اگر با چهار سال پیش - که به المپیک رفتیم - تیم را مقایسه کنیم، قلیچ خسانسی و پروین را کمتر از گذشته خود و دیگران را کمتر از اسلاف خود میبینیم. دفاع میانی ذوالفقار نسب امیدی برای

جواب این خطر را برزیل بعد از احاطه کامل مسابقه در دقیقه ۱۳ داد اما در برابر ضربه فرنانو، راغفر پرواز و مهار جالبی کرد. پاس بلند پروین با کنترل و دریبل عالی خورشیدی همراه بود اما شوت خوب او از کنار دروازه گشت، این شوت را میتوان جرعه‌یی در برابر یورش‌های بی‌دری برزیل در بیست دقیقه اول دانست. تیم ایران با اینکه به مانند برزیل کمتر دست به بازی هوایی میزد اما در زدن ضربه -



پاس و تهران جوان هیچیک در حد انتظار نبودند

پاس (۱) ۱
۳۷ صادقی

تهران جوان

پاس: رضا قفل‌ساز - اسماعیل نوربخش
۱، ۲ محسن هوشنگی ۳، حسین کارزانی ۵،
همایون دین‌نورزاده ۶، محمد صادقی ۱۰،
همایون شاهرخی ۹، ایرج دانایی‌فرد ۲۲
(از دقیقه ۸۵ فرامرز عزنی ۲۴)، مائیس
نیسیان ۱۴، حسین فرکی ۲۱ (از نیمه دوم
حمود حقیقیان ۹)، حبیب شریفی ۱۸.
ذخیره‌ها: مصطفی شعبانی، مجید
حلوانی، پرویز قاسمی - مربی: حسن
جبیبی.

تهران جوان: اصغر عنایت - بهزاد
سرجانی ۲، منصور ضرابی ۵، حجت‌الله
خورشیدپناه، منوچهر افشارپور ۱۵،
اکبر اروجمصلی زاده ۱۶، فرهاد نوروزی
۹، محمد فراهانی ۹، یدالله نوری ۸ (از
۷ غلامرضا فتح آبادی ۱۹)، کابل
انجینی ۷ (از دقیقه ۷۰ داود تاجیکی
۱۰)، علی رحمانی ۱۱.

ذخیره‌ها: ابوالقاسم آینده‌کوشش،
نصیرالله سجادی، محمدعلی نعمت‌زاده،
سری: حسین فکری.

داوری: بهمن بهلولی با کمک
حسین عظیمی وحدت و محمود خوشخوان
تماشاگر: حدود ۳ هزار تن
درآمد: ۳۲۵۰ تومان.

پنجشنبه ۶ خرداد - ورزشگاه فرح -
دیداری از مرحله یک‌هشتم جام بهلولی.

دو تیم با پیروزی پربروز بزرگ به دیدار
هم آمیسه بودند. در یک‌شانزدهم پاس
پرسپولیس را شکست داده بود و تهران -
جوان هم تاج را. اما نه تاج و نه پاس
هیچیک نشانی از بازی ارائه شده در
مرحله یک‌شانزدهم را نداشتند.

پاس در یک‌شانزدهم ۲ بر صفر برنده
شده و این را به لطف یک بازی خوب
پلست آورده بود و در آن میدان چنان
ظاهر شده بود که حتی می‌توانست به
گل‌های بیشتری هم دست یابد. اما در
بیدان تهران جوان به سختی نتوانست
پیروزی یک بر صفر را چشم ببیند.

در مقابل، تهران جوانی قرار داشت
که با یک بازی پرتلاش و جمعی دیدار با

تهران جوان پایان یافت و در لحظات
آخر تنها خورشیدپناه مدافع میانی و
پوششی این تیم بود که روی نقطه
مرکزی ایستاده بود و بقیه یاران تیم
توپ را به میدان پاس کشانده بودند
ولی دویست‌تربند نوری امکان بهره‌گیری از
این یورش‌ها را از میان برد.

پاس در نیمه دوم با وارد کردن
حقیقیان به جای فرکی و قرارداد دانایی -
فرد در خط حمله شکلی بهتر گرفت. چرا
که دانایی فرد در خط میانی نیمه اول را
به بطالت گذرانده بود. دانایی فرد در
دقیقه ۳۳ می‌توانست با هجوم پا به توپ
خود، دویسین گل را به ثمر برساند. اما
بشت پای مدافعان حریف او را از پیشروی
بازداشت.

بهر حال پاس با تنها گل خود پیروزی

تاج را در یک شانزدهم به پناستی کشانده
به لطف درخشش دروازه‌بانش دوی پناستی
تاج را بی‌ثمر گذاشت و پیروز شد. اما این
تیم، پنجشنبه نه تنها آن بازی دلچسب و
جمعی خود را نداشت بلکه دروازه‌بانش
هم پر اشتباه ظاهر شد و با خروج‌های
بی‌سورد و اضافی بارها دروازه خود را با
خطر روبرو ساخت.

بازی در مجموع سست و بی‌تحرك
بود. در تیم تهران جوان نوری که تا
کنون در خط هافبک دیده شده بود در
گوش راست قرار گرفته بود و با عقب
کشیدن، آرایش ناموفق ۴ - ۲ - ۴ را
به نمایش می‌گذاشت و عدم قدرت
در رفت و برگشت‌ها بود که این آرایش
را ناموفق جلوه می‌داد.

در مقابل چنین تیمی، از پاس
انتظاری بیشتر از پیروزی ضعیف یک بر
صفر می‌رفت و پاس با کمی هوشیاری
می‌توانست به گل‌های بیشتر دست یابد،
در حالیکه یاران تیم و مخصوصاً هافبک‌ها
در هیچیک از دقایق مسابقه کوششی
برای شوت‌های پشت ۸ قدم نداشتند.

دقیقه ۱۱ پاس با سستی شریفی در
تعقیب توپی که برایش فرستاده شده بود،
یک موقعیت را از دست داد. و ۴ دقیقه بعد
این تهران جوان بود که با یک حرکت
جمعی و پاس‌دکیری از لنتی‌بها هوشنگی
و کارزانی (مدافعان پاس) خطری جدی
برای دروازه پاس بوجود آورد و آن
شوت رحمانی بود که به دیرک افقی دروازه
برخورد.

پاس در دقیقه ۳۷ به گل دست
یافت. اما در دقیقه ۴۱ هم بعد از یک
درگیری جلی دروازه تهران جوان، شوت
محکم و زمینی شریفی می‌توانست گل
باشد که دروازه‌بان تهران جوان با
عکس‌العملی سریع ناجی دروازه‌اش شد.
پاس گل خود را با سانتر خوب
مینسیان و ضربه صادقی پلست آورد اما
یاران تهران جوان با اعتراض به رای
داور این گل را قبول نداشتند و بهین دلیل
۵ دقیقه بازی را قطع کردند و داور
بی‌اعتنا به این اعتراض حتی زحمت
بیرون کشیدن کارت اخطار را برای تیم
معارضت به خود نداد.
نیمه اول با یورش جمعی یاران

این تنها بازی است که توپ در دیدار
پاس و تهران جوان وارد دروازه شد و آن را
صادقی (شماره ۱۰) به ثمر رساند و برای
همین حسین فرکی (۲۱) او را این چنین
در آغوش کشیده است. در حالیکه یاران
تهران جوان با قیافه‌های معترض به پاس‌ها
نگاه می‌کنند. آبا پاس با این پیروزی
ضعیف می‌تواند مرحله یک چهارم برابر
برنده هما و راه‌آهن که احتمالاً هما خواهد
بود، بیروزشود.

را صاحب شد و منتظر دیدار هما و
راه‌آهن است تا حریف خود را برای یک
یکچهارم بشناسد.

دومین دوره مسابقات فوتبال جام بهلولی

سه تهرانی و پنج شهرستانی برای تصاحب جام رقابت می‌کنند

بعد از ظهر پنجشنبه شش مسابقه از هشت مسابقه دومین دوره جام حذفی فوتبال
بهلولی انجام گرفت و شش تیم صعود کننده به دوره یک‌چهارم نهائی شناخته شدند.
این تیم‌ها عبارتند از پاس تهران، رستخیز، خرمنشهر، ملوان بندر بهلولی، تراکتورسازی
و ماشین‌سازی تبریز، و خانه جوانان سازی. در این میان حضور دو تیم تبریزی بسیار
جالب و برای این شهرستان افتخار است. دو مسابقه بین راه‌آهن - هما و شهاب‌سازارانی
به بعد مسکول شده که با انجام این دو بازی دو تهرانی دیگر به همراه پاس راهی مرحله
یک‌چهارم خواهند شد.

پیروزی تراکتورسازی در شیراز و برابر برق بود. این مغلوب در جام تخت جمشید
بازی می‌کند در حالیکه تیم الکترونیک یعنی تیم دوم شیراز دو هفته قبل بر تراکتور -
سازی غلبه کرده بود.

حالا ملوان با پیروزی جالبی که در آبادان به دست آورد به دیدار برنده شهاب -
دارانی خواهد رفت. امید ملوان به نیمه نهائی کم نیست.

رستخیز که به تنهایی از حیثیت فوتبال خوزستان دفاع می‌کند، با ماشین‌سازی
تبریز مسابقه می‌دهد. برای رستخیز از دسته دوم جام تخت جمشید امکان صعود به
دوره نیمه نهائی وجود دارد. اما ماشین‌سازی هم آسان باج نخواهد داد. پاس با چهره
انتقاد آمیز برابر تهران جوان نتوانست امید مسلم پیروزی بر برنده هما - راه‌آهن باشد.

سرانجام به دو تیم دیگر از دسته دوم جام تخت جمشید می‌رسیم که با یکدیگر
مسابقه می‌دهند. آنان تراکتورسازی و خانه جوانان سازی هستند که هر کدام به
نیمه نهائی بروند انتخابی برای دسته دومی خواهند بود.

نماینده دوم بند رپهلوی
سلوان را تنها گذاشت

خانه جوانان ساری (۰)

باضربه پنالتی ۴

(حسن شجاعی، مصطفی نشاءگران، ابوالقاسم علیزاده و محمد رضا فولادی)

گیو بند رپهلوی (۰)

پنالتی ۱

باضربه پنالتی محمد قدیر بحر

خانه جوانان: رحمت الله نورانی (۵۵)
(از دقیقه ۷ بهمن رحمان نیا) - کسری
مختاری (۳)، سیروس ملک محمدی (۱۶)
محمد رضا فولادی کاپیتن (۱۳)، حسین
رحمتی (۱۵) - محمدجعفر مهنماچی (۲)،
(از دقیقه ۶ عین الله میرچی (۱۷) و (از
دقیقه ۸۰ حسین مکاری (۱۰)، حسن
شجاعی (۷)، محمدعلی مرادی (۸) -
مصطفی نشاءگران (۹)، رحیم دست نشان
(۱۹) و ابوالقاسم علیزاده شمار (۱۱).
ذخیره‌ها: حسین طبری و عزیز اصلی.

مربی: عزیز اصلی. رنگ پیراهن سفید.
گیو بند رپهلوی: نصرالله طهماسبی
(۸۸) - هاشم باقرزاده (۲)، حسن منادی
کاپیتن (۴)، حسن گویا (۵)، محمد
قدیر بحر (۳) - عادل محمودوند (۶)،
عباس مشایخی (۸)، عباس دیوسازناز
(۲۱) - ابراهیم بسوی (۱۶)، عسکر
صابری (۷) و ناصر کهن قنبریان (۱۳) (از
دقیقه ۱۱ جهانگیر یزدانشناس (۲۰))
ذخیره‌ها: نادر مسافری، تقی گرجی نیا،
خسرو پشچی و فرهاد راحمی. مربی:

بقیه در صفحه ۴

اهوازیها در زمین باتلاقی تبریز
چهار بار تسلیم شدند

پنجشنبه ۶ خرداد ۵۳ شاهنشاهی

ورزشگاه رضا پهلوی تبریز مائین سازی در
دومین بازی خود از دیدارهای جام پهلوی
در برابر گمرک اهواز چهار گل بدست آورد و
راهی دوریک چهارم شد.

باران سیل آسای پیش از بازی و باتلاقی
شدن زمین مسابقه گرچه از کیفیت کار هر دو
تیم کاست لیکن این تیریهها بودند که
توانستند با آشنائی به شرایط جوی به سود
خود بهره برداری کنند و اهوازیها عملاً در
مقابله با زمین باتلاقی ورزشگاه رضا پهلوی
تبریز نتوانستند نمودند و نظاره گر بازی خوب
تبریز در زمین پر از آب شهرشان بودند.

اهوازیها در این روز نتوانستند بازی
واقعی خود را ارائه دهند و ضعف دفاعی این
تیم بیش از هر چیز جلب توجه میکرد، در
مقابل مائین سازی، با کوبندگی و سراپا
حمله ظاهر شد و به آنچه میخواست خیلی
زود دست یافت.

نخستین گل مائین سازی در دقیقه ۲۸
از کرنزی که بوسیله عباس اسدزاده بر روی
دروازه گمرک فرستاده شده بود با ضربه سر
حسن ربانی به ثمر رسید و بدنبال آن سعید
زرگر مهاجم خوب گمرک اهواز در روی خط
هیچده قدم صاحب توپ شد و پس از جا -
گذاردن دفاع مائین سازی با ضربه ای
سنگین دروازه تبریز را گشود. امنیت داور
این دیدار این گل را صحیح اعلام کرد و
توپرا به وسط میدان برد ولی اعتراض
تبریزیها داور مسابقه را به مشورت با
گمرک خود وادار کرد و نتیجه این مشورت

مائین سازی (۱)

حسن ربانی (۲۸)، سعید پهلوان افشاری
(۶۰) بیوک ولی پور (۷۲) و ولی حاتمی (۸۷)

گمرک اهواز

مائین سازی تبریز: محمد حبیب -
سعید پهلوان افشاری ۱، بهرام مقدم ۵،
مصطفی دورودیان ۱، سید کاظم علیخانی
۱، عباس اسدزاده ۶، رضا عباسی ۱،
حسن ربانی ۹ - احد زارعی ۲ (از دقیقه ۷۲
سعید باقری ۳)، ولی حاتمی ۲۸ و مهدی
حاج محمد ۱۱ (از دقیقه ۵۳ بیوک ولی پور
(۷)

ذخیره‌ها: رضا آذری ۲ - کیورث
پورفاضل ۳ و مجید و اجازی ۴
مربی: گارنیک مهربانیان

گمرک اهواز: غلامرضا سلیمی (از
دقیقه ۸ غلامرضا احمدی) - قاسم سوخته زاده
۲، علی جهادزاده ۴ (از دقیقه ۶۸ محمد
خاکسار ۱)، قاسم واقع ۵، احمد
آزاده کرده ۳ - ابراهیم فخرانی ۶ (از
دقیقه ۹ عزیز میشادی ۱۶)، عباس
یونسی ۸، غلامرضا حشمتی ۹ - شهریار
آقا شاهی ۷، تقی عالمشاه ۱ و سعید زرگر

۱۱
ذخیره‌ها: مسعود محتجوبی و عیسی
بنی اسد

مربی: غلام دهکردی
داور: ادوارد اسمیت با کمک بهرام
رضوی و محسن رعیت
تماشاگر: بیش از شش هزار تن

مائین سازی برای حذف گمرک اهواز
از زمین پر آب ورزشگاه تبریز باید ممنون
باشد. هرگاه اهوازیها در این شرایط سخت
صاحب توپ شدند آن را خیلی زود در میان
امواج باغشمال از دست دادند. در عکس
پار بهاجم اهوازی از مدافع مائین سازی
گنشته اما توپ را در استخر! باغشمال
کم کرده است.



در گروه بندی فوتبال المپیک تعادل برقرار است

حضور چهار اروپایی در چهار گروه موجب میشود تا در هر گروه یک اقبال برای قاره‌های دیگر باقی بماند و تیم ملی ما باید اقبال خود را در شهر اوتاوا و در برابر اروگوئه و نیجریه جستجو کند. با هر حسابی که ناظران بین‌المللی داشته باشند ایران را باید قدرت برتر آسیا بدانند چه در تمام زمینه‌های مسابقاتی سالهای اخیر فوتبال ایران در صدر قرار داشته است و بویژه بی‌دری دو نماینده دیگر آسیایی یعنی اسرائیل و جمهوری دموکراتیک کره را شکست داده است ولی این تنها یک تصور آساری است که مربوط به نتایج سالهای اخیر میشود در صورتیکه در دنیای فوتبال هرگز نتایج گذشته تعیین کننده سرنوشت آینده نیست و اقبالی که ایران می‌رود تا در اوتاوا جستجو کند محصول کارما در دیوال اخیر و حال حاضر تا روزهای دو دیدار در شهر اوتاوا میباشد و در این دیدگاه است که نگرانی موج می‌زند. این درست که نیجریه یک آفریقایی است و اروگوئه در زمینه آناوری هیچ ولی ما هم در حال حاضر چیز قابل توجهی که سزاوار عرضه بمیدان‌های بین‌المللی باشد نداریم. ما آشکارا از نقطه نظر تیم ملی مدت‌هاست در فراموشی بسر می‌بریم و بی‌حیاطی مداوم تیم ملی کمترین توجهی نکرده‌ایم. تنها توجه ما استخدام سربی گرانقیمتی بوده است که نشانه‌هایی از موفقیت بیست ندهاده است. آشکارا ما فاقد ستاره بزرگی هستیم که ببرد تعیین سرنوشت در صحنه بین‌المللی بخورد و تنها یک روش معلوم نیست در برابر قد و وزن‌های برتر همچنان ستاره باشد حتی صاحب یک مجموعه دلپایرو نیرومند نیستیم که بلطف قدرت بدنی امید برابری داشته باشیم. این سیاهی ناامید کننده فوتبال در آستانه بازیهای المپیک است

المپیک که باید بهترین میدان تجلی فوتبال آناورا باشد چه تجلی در میدان جام جهانی در شرایط کنونی برای ما غیرممکن است و نمونه بسیار کوچکی آنرا در بازیهای کان دیدیم که بین ۸ تیم به آخرین مقام رسیدیم.

در این سرنوشت المپیک، ما دوبار شکست خورده‌ایم و هربار نوعی خود موجب شکست شده‌ایم و در این سوینگ بار نیز اگر شکستی روی دهد خود در تحقق آن بی‌تقصیر نبوده‌ایم و نخستین و بزرگترین تقصیر این است که ما از مدت‌ها پیش برای این المپیک سازمانی بقول خود ساختیم که می‌بایست تا پایان المپیک دوام یابد ولی درست در حساس‌ترین موقع بمرآن پایان داده سازمان و فکر دیگری را بکار گرفتیم. شاید این تقصیر می‌توانست بسیار خوب باشد ولی نه در این موقع مخصوص و نه تا این درجه بی‌مقدمه و ابتدای مسابقه.

سازمانی که خلق کرده بودیم و گرانترین سازمان تیم ملی در عمر خویش بود، آنقدر بیکاره و بی‌فکر بود که نه تنها تیم ملی را — که وظیفه اصلی اش بود — بدست فراموشی سپرد بلکه نداشتند که ما باید در دو نوع مسابقه متفاوت و حساس که هر دو در سطح بین‌المللی می‌باشد بلافاصله شرکت کنیم و در این راه هیچ لستراتژی قابل قبولی فراهم نکرد و عملاً دست بهیچ کاری نزد.

با چنین گذشته نزدیکی بسوی آینده

بسیار نزدیکی می‌رویم که بزرگترین مشخصه اش عدم آشنائی با جمیع شرایط است و سازمانی که بسوی این آینده نزدیک می‌رود مطلقاً با آن گذشته نزدیک بیگانه بوده است و اینکه آشکارا کاری جز استفاده از شرایط موجود ندارد چه عملاً در خلق و پرورش سرمایه موجود کوچکترین نقشی نداشته است.

این هاراماسید انیم ولی ناظران بین‌المللی نمیدانند و حتی تا بابت فوتبال شوروی هم که ایران را یک قدرت درجه اول بشمار آورده است — در ردیف آن ناظران است که روی ارقام و نتایج گذشته حساب میکنند نه شرایط موجود.

ایستگاه آسیائی

از حال حاضر تا ۲۷ تیر مقابل اروگوئه را تا اوا زمان نسبتاً خوبی پیش پای ماست ولی این زمان خوب را دیدارهای جام ملت‌های آسیا بدو پاره میکند و اجازه نمیدهد تا یک روند درست و منظم تدارکاتی در اختیار تیم ملی قرار گیرد. چه جام ملت‌های آسیا با توجه و احاطه تماشاگر ایرانی شاید نتواند در ردیف یک برنامه تدارکاتی قرار گیرد و خود چون یک برنامه مستقل جلوه‌گر میشود. در یک برنامه مستقل تدارک، آمادگی، هیجان، سابقه و بعد فروکشی پیش می‌آید که همه در ذات مسابقات تونزومنتی است. و بعد از این فروکشی است که ایران باید بسوی مونترال بال کشد. یعنی یک ایستگاه در روند پیش‌رفت و یک وقفه در حرکت المپیک.

نتایج مسابقات باشگاهها وعدم اختلاف فاشی که بین اکثریت بازیکنان تیم‌ها پیش می‌خورد میتواند در زمانهای از استراتژی دو تیمی یا یک سازمان ۳ نفری دو همدنی بست دهد. در چنین دیدگاهی ممکن بود یک تیم برای جام آسیا و تیم دیگر برای بازیهای المپیک تدارک شود. در همین حال حاضر نیز وضع چنین است که میتوان در برابر هر تیم که بعنوان ملی انتخاب شود تیمی قرار داد که کمتر از آن نباشد. این وضع نخست دلیل قهرمانی باشگاهها و جنبه گسترشی آن پیش آمده و سپس دلیل عدم تداوم در حیات تیم ملی که امروزه هیچ تیمی و هیچ ترکیبی از این تیم را همگان بصورت تمام عیار تیم ملی نمی‌شناسند. و در چنین حالاتی است که میتوان دو تیم ملی را تدارک دید ویدو تونزومنت رسمی فرستاد

روشن تنها قطعه در رخشان بود

نخستین دیدار تدارکاتی تیم ملی در راه جام ملت‌های آسیا و بازیهای المپیک بدون اینکه عالی باشد امیدبخش بود. امید بخاطر افزایش قدرت و سرعت و رفع بازای از نواقص فردی و گروهی اگر برزیل بر اساس سابقه المپیک یکی از تیم‌های تشریفاتی باشد کار ما در این سرآغاز دلپذیر نبوده است. چه بار پیش که در سرنوشت شکست آمیز المپیک مونیخ، تنها همین حریف را شکست دادیم و این بار در خانه خود بزحمت مساوی رسیدیم. همیشه مساوی با حتی باخت دلیل برابری کمتری نیست ولی این مساوی دلیل برتری هم نبود چه بازیکنان ما با رضایت از تساوی بدفع وقت و دفاع برای حفظ نتیجه پرداخته بودند. این درست که تیم ملی ما از بازیهای بازیکنان بدلیل درگیری در جام پهلوی محروم بود ولی گفتیم تیم ما بدون اینکه عالی باشد امیدوار کننده بود و این بشرطی است که جرات تغییرات و اصلاحات را در حد معقول داشته باشیم چه متسلفانه آنچه در همین دیدار آزمایشی قابل تعویض بود ناهای بزرگی بود که در گذشته ضامن پیروزیهای بودند.

بسیاری دیدار بنگریم تا چگونگی‌ها را بهتر و آشکارتر مطالعه کنیم.

ده دقیقه پهراس

آغاز بازی را جرقه تیم ملی روشن کرد ولی این جرقه چنان کوتاه مدت بود که بلافاصله تیم ما را به تاریکی برد. در این ده دقیقه همه چیز در اختیار تیم جوان برزیل بود چنانکه ورزشگاه را دچار سکوتی سنگین نمود.

بازیهای این تاریکی را تکنیک حریف و عدم تسلط ما به حفظ توپ ریخت بازیکنان ما عملاً فاقد قدرت حفظ توپ — که لازمه ابراز وجود در میدان‌های بین‌المللی می‌باشد — بودند. این ضعف در نزد تمام بازیکنان و در نزد روش بازی ما وجود دارد و بخاطر آن است که چون دفاع با تحویل شود، به آسانی نمی‌توانیم از دام آن نجات یابیم در این لحظات تاریک تنها گام‌های خونسردی و حفظ توپ توسط قلیچ‌خانی رنگی به بازی ما می‌باشد و گرنه سراسر رنگ بریده بودیم.

این ده دقیقه تاریک را یک فرار روشن روی عملیات صرفاً انفرادی پایان برد و این در حقیقت تنها تجلی یک بازیکن ایرانی از آغاز تا دقیقه دهم بود.

در این ده دقیقه بسیاری از ضعف‌های ما که پاره‌ای همیشگی هستند آشکار شد از جمله این ضعف‌های همیشگی عدم آشنائی فوورارد‌های ما بویژه سنترفورواردها به اصول حفظ توپ و خیمه زدن روی آن در حال پشت بدروازه به حریف و سپردن توپ بدست هافبک‌های می‌باشد.

در سیستم‌های امروزی که معمولاً سنترفورواردها اسیر دو مدافع می‌باشند فرارهای ناگهانی و استفاده از پاس‌های عمقی با بلند نمیتواند مؤثر باشد، بلکه این حفظ توپ و ناامید کردن مدافعان است که می‌تواند میدان را بدست تیم خودی بدهد و بخاطر این ضعف بود که ما هرگاه جلوی

بقیه در صفحه ۴

کجا می‌رویم؟

در حال حاضر نمیدانیم که چه تدابیری برای زندگی تیم ملی در کانادا اتخاذ شده است و گمان بر این است که هنوز تدبیری اتخاذ نشده باشد زیرا تا هفته پیش مکان مسابقات معلوم نبود.

در گروه بندی و تقسیم بازیها تیم ملی ایران کم اقبال نبوده است و میتوان گفت که اقبالی در ردیف اسرائیل و جمهوری خلق کره دو نماینده دیگر آسیائی داشته است.

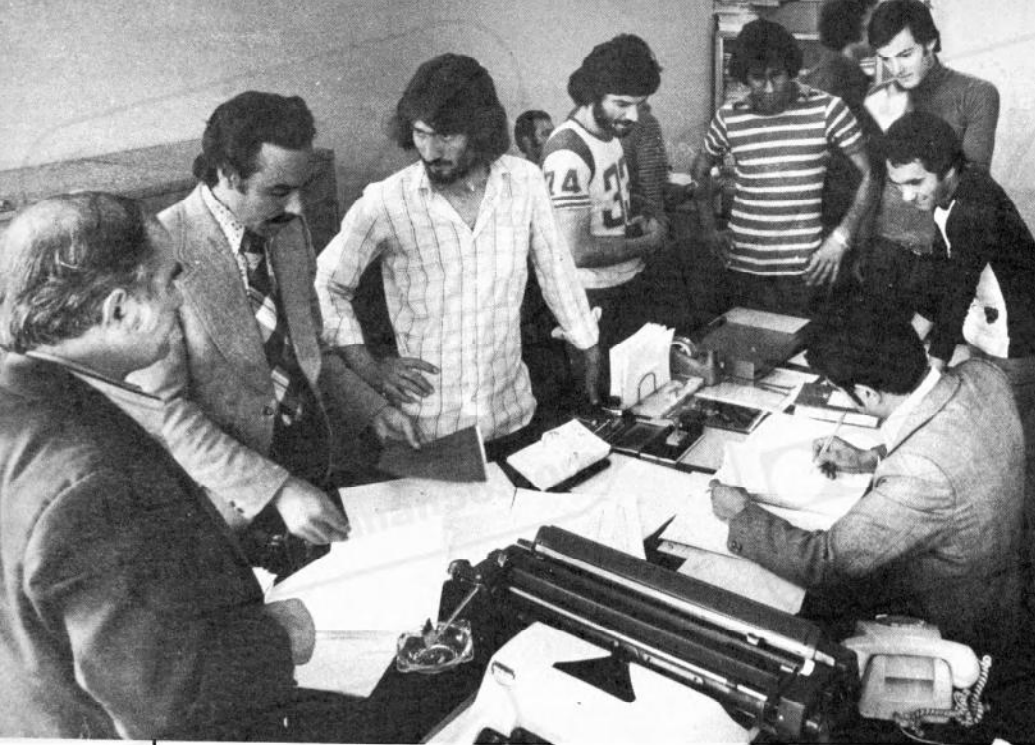
اسرائیل در گروه ب با فرانسه، مکزیک و گواتمالا روبرو می‌باشد که از این میانه فرانسه فاتح گروهی بوده است که در آن رومانی یعنی یک اروپائی شرقی زندگی کرده است و اگر بجای فرانسه رومانی هم می‌آمد باز یک قدرت بود. و بعلاوه مکزیک هم آسان نمی‌بازد زیرا برای مکزیک هم المپیک یک جولانگاه است.

جمهوری خلق کره در گروه «د» با شوروی که یک قدرت است روبرو می‌باشد و وضعی نظیر، به لهستان دارد. کانادا بهر حال صاحب خانه است و غنا نیز بهر حال یک قدرت آفریقائی است

که هرگز کمتر از نیجریه نبوده است. اگرما در گروه الف هم قرار می‌گرفتیم صاحب وضعی بهتر نبودیم زیرا آنجا هم جمهوری دموکراتیک آلمان ایستاده است. و بعلاوه همین برزیل بعد از یک گردش طولانی و کارآموزی بدست یک استراتژی درازمدت، اصولاً سابقا با ورود دواروبای غربی یعنی فرانسه و لهستان و قدرت اروپای شرقی که می‌توانست مثلاً مجارستان و چکسلواکی باشد غایب است. مجارستانی که شریتش را در دهمادیم و چکسلواکی که تیم ملی شوروی را هم شکست میدهد و این اتفاق خود یک اقبال برای آسیائی‌ها و آفریقائی‌ها و امریکائی‌ها است.

در بازار داغ نقل و انتقالات

۱۶۳ بسکتبالیست پیراهن عوض کردند



با پایان گرفتن آخرین مهلت بسکتبالیست‌ها برای تغییر دادن باشگاه‌های خود، چهارشنبه شب گذشته دفتر نقل و انتقالات فدراسیون بسکتبال ایران بسته شد و باشگاه‌های ایران بازیکنان خود را شناختند.

اسمال در کار نقل و انتقالات تهران بازار چانه زدن بر سر قیمت‌ها داغ بود بطوریکه برخی از باشگاه‌ها از پیشنهاد فرارادهایی بیش از چند برابر سال گذشته و پیش پرداخت‌های درخور توجه، سعی کردند که بازیکنان برجسته تهران را در اختیار بگیرند.

در میان این همه فعالیت و رفت و آمد، مسأله‌ای که بیش از هر چیز جلب توجه کرد موضوع پیوستن تیم دختران صنعت نفت به یک باشگاه جدید بود که تولید سرو صدای فراوان کرد. بازیکنان تیم صنعت نفت بعد از آنکه در مسابقات اخیر قهرمانی باشگاه‌های تهران به مقام اول دست یافتند تصمیم گرفتند باشگاه خود را تغییر دهند و عضویت باشگاهی را قبول کنند که بتواند امکانات بهتری را در اختیار آنان بگذارد.

نفتی‌ها بعد از این تصمیم ابتدا با باشگاه راه‌آهن وارد مذاکره شدند و بعد از آنکه با مسئولان این باشگاه بر سر امضاء یک قرارداد یک‌ساله به توافق‌هایی رسیدند، ناگهان از پیوستن به این باشگاه منصرف شدند و باشگاه تاج وارد صحنه شدند ولی هنوز ۴ ساعت از توافق شفاهی آنان با این باشگاه نگذشته بود که باشگاه پرسپولیس نظر آنان را به سوی خود جلب کرد و بدنبال یک نشست دو ساعته در این باشگاه بود که آنان مصمم شدند عضویت پرسپولیس را بپذیرند و بدنبال این تصمیم حتی چندتن از بازیکنان این تیم دو روز قبل از پایان مهلت نقل و انتقالات به مدراسیون رفتند و ضمن نوشتن استعفا خود از باشگاه صنعت نفت، عضویت

پرسپولیس را قبول کردند اما روز بعد در میان تعجب فراوان شنیده شد که «نفتی‌ها» از رفتن به پرسپولیس هم پشیمان شده و مصمم شدند پیراهن باشگاه افسر را بتن کنند.

این شایعه تا آخرین دقائق مهلت نقل و انتقالات به فوت خود باقی بود تا آنکه معلوم شد نفتی‌ها دو تاخه شده و بعضویت تیمهای افسر و شهریار تاج درآمدند.

چرا به تاج رفتیم

جلال شهیرزادی مربی تیم سابق صنعت نفت در مورد جنجالهای اخیر گفت: ما بسیار مایوس سل بسودیم که در باشگاه صنعت نفت بقی ما نیم ولی نم‌نظی وی‌مهری‌های برخی از مسؤولان این باشگاه چنین فرصتی را از ما گرفت و ما تصمیم گرفتیم به فکر باشگاه جدیدی باشیم.

راه‌آهن اولین باشگاهی بود که توجه ما را بخود جلب کرد اما بعد از ۲ روز رفت و آمد و دوندگی چون جواب قانع‌کننده‌ای از مسؤولان این باشگاه در مورد قبول یا رد پیشنهادهای خود دریافت نکردیم تاگزیر شدیم باشگاه دیگری را برای خود انتخاب نمائیم و در همین ایام بود که با باشگاه تاج وارد مذاکره شدیم.

تاج با امکانات خوبی که داشت میتوانست تمام احتیاجات ما را برآورده سازد اما فقط یک مشکل در راه پیوستن ما به این باشگاه وجود داشت و آن موضوع بازیکنان سابق این باشگاه بود که با رفتن ما به تاج از آنان پلاکتیف میشدند و موقعیتشان بخاطر می‌افتاد و همین سبب بود که ما در پیشنهادهای خود به تاج یادآور شدیم بشرطی به تاج خواهیم رفت که تمام باشگاه افسر در مسابقه‌های باشگاه‌های تهران شرکت کنیم. تاج به این پیشنهاد ما در آغاز جواب قاطعی نداد و چون مافکر می‌کردیم که

تاج هرگز حاضر نخواهد شد تیم ما با نام افسر در مسابقات شرکت کند، از آنجائیکه فرصت‌نیز برای نقل و انتقالات کم بود اجباراً با پرسپولیس وارد مذاکره شدیم و بدون انشاء هیچ‌گونه قراردادی بشرایطی قول دادیم که باین باشگاه بپیوندیم و عصر همانروز نیز چندتن از یاران ما به فدراسیون رفتند و عضویت پرسپولیس را قبول کردند اما فردای آن شب تاج بنا اطلاع داد که با کلیه پیشنهادهای ما موافقت کرده و ما میتوانیم بنام افسر یا هر باشگاه دیگری که وابسته به سازمان تاج است، در مسابقات شرکت کنیم. چون در این مورد ما قبلاً با اولیاء بازیکنان به توافق رسیده بودیم بلافاصله تصمیم نهائی را گرفتیم و بطور دسته‌جمعی به تیم افسر پیوستیم.

من قبول دارم که بخاطر بدقولی به باشگاه پرسپولیس گناهکار هستم، اما مطمئن باشم هر مربی دیگری که بجای من بود همین کاری را میکرد که من کردم. هدف من صرفاً فراهم آوردن امکانات بهتر برای پیشرفت بازیکنانم نباشد و خوشحالم که به هدف خود رسیده‌ام.

دخانیات آنها، دخانیاتی ماندند

شایعه انحلال تیم مردان دخانیات (نایب قهرمان مسابقه‌های بسکتبال سال گذشته باشگاه‌های تهران) که به دنبال یک شایعه کوچک میان رئیس این باشگاه با مربیان تیم بر سر میزان دریافت دستمزد بوجود آمده بود، از دیگر مسائل داغ و پرسروصدا می‌بود که در جریان نقل و انتقالات توجیه همه را بخود مشغول کرد تا جائیکه تاج گراگان برای بخدمت گرفتن مصطفی علی‌آبادی و حسین ستوده و برخی از باشگاه‌های تهران برای تصاحب رضا سلمعی و چندتن دیگر از بازیکنان با ارزش این تیم به فعالیت افتادند. اما چند روز بعد شنیده شد

بازار چانه زدن و رفت و آمد تا آخرین لحظات مهلت نقل و انتقالات داغ بود. در این عکس که در آخرین دقائق موعده نقل و انتقالات گرفته شده، گروهی از بسکتبالیستهای باشگاه‌های تهران را می‌بینید که برای دادن استعفا خود به فدراسیون بسکتبال مراجعه کرده‌اند.

که ندورت میان، رئیس باشگاه با مربی بر طرف شده و نگرانی مربوط به انحلال تیم این باشگاه از میان رفته است ولی با تمام این خوش بینی‌ها تا زمانیکه مهلت نقل و انتقالات پایان ترسیده بود، به دوستی مشخص نبود که آیا دخانیات در مسابقات سال جاری با تیم بسکتبال مردان خواهد داشت یا خیر.

دخانیات آنها اسمال با همان ترکیب سال گذشته در مسابقات حاضر خواهند شد با این تفاوت که فقط حسین سلمعی (عضو جدید پرسپولیس تهران) را در خدمت نخواهند داشت.

نبی زاده مدیر باشگاه دخانیات در مورد شایعاتی که پیش از پایان یافتن مهلت نقل و انتقالات در مورد انحلال تیم بسکتبال این باشگاه انتشار یافته بود گفت: «این شایعات کاملاً تکذیب میشود. سازمان بسکتبال دخانیات مدت ۸ سال است که در مسابقات مختلف شرکت کرده و همیشه مقامهای ارزنده‌ی کسب نموده است.

باشگاه دخانیات هرگز قصد انحلال هیچ تیمی از جمله بسکتبال را نداشته و در سال جاری هم تیم بسکتبال ما با تقویت نفرات جوان و با آمادگی کامل در کلیه مسابقات رسمی شرکت خواهد کرد.

رئیس باشگاه دخانیات افزود ما ضمن تشکر و قدردانی از برنامه‌های سازنده و ارزنده فدراسیون بسکتبال ایران پیش‌بینی کرده‌ایم که حتی تمساحی خارجی هم **لطفاً ورق بزنید**

گفت و گویی با مربی تیم ملی فوتبال درباره حرفان ایران در بازیهای المپیک

مهاجرانی: لهستان قهرمان المپیک خواهد شد

رشیدی را به تیم ملی دعوت می کنیم

تدارک دیدنتر و مراحل تر به میدان
بفرستد و بطور قطع آنان با دروی طولانیتری
برای مسابقات فوتبال آماده شده اند»

صحبته مهاجرانی به تیم آمریکای
جنوبی (اوروگوئه) رسید که در کانادا
دومین حریف ایران استم در مورد
اوروگوئه چنین شنیدیم:

«از او روگوتیال فوتبال حرفه ای اش
را بیشناخیم که صاحب
سطح بسیار توجیه و قدرت است.
اما تیمی که به کانادا میایازد آماتور است.
آنان تشکیل شده و برای ما ناشناخت است.
ما تنها میتوانیم با مقایسه با برزیل روی
اوروگوئه صحبت کنیم. بهترین معیار
برای ما همین برزیل است که چهار سال
پیش صفر بریک از تیم ایران در المپیک
شکست خورد و جمعه هم با آن یک دیدار
دوستانه خواهیم داشت (این مصاحبه قبل از
سابقه بود). ما میتوانیم با توجه به روش
نحوه فوتبال آمریکای جنوبی یعنی شایسته
فوتبال برزیل و اوروگوئه
روی حریف المپیک خود
حساب کنیم. بی تردید همانطور که تیم
ملی حرفه ای اوروگوئه از برزیل ضعیف تر
است، تیم آماتور آنان نیز باید حادتر در
یک ردیف و احتمالاً ضعیف تر باشد.»

مهاجرانی افزود:

ما برای مونترآل سعی میکنیم تیم خود
را کامل و آماده کنیم. کامل از نظر
یافتن بازیکنان مورد نیاز و هماهنگی با
دیگران. این خواسته فرصتی خواهد بود
برای همان بازیکنان واجد شرایطی که
شما فوتبال نویسندگان بارها به آنان اشاره
کرده اید.

در ضمن ما از حجازی و مظلومی در جام
ملت ها سود خواهیم برد زیرا حجازی
درگیر با عملیاتی است و مظلومی هم
از ناحیه کمر ناراحت است. بخت مظلومی
برای جام ملت ها پنجاه درصد خواهد بود
اما حجازی بطور قطع بازی نمیکند. مهبدا
حجازی و مظلومی برای کانادا آماده
خواهند شد.

به جای حجازی روی رشیدی، عسکر-
خانی و بوستانی حساب میکنیم. اگر رشیدی
طبق قول هائی که از او شنیده نخواهد در
تیم ملی بازی کند البته جای او را به دیگران
خواهیم داد.

بعد از مراسم قرعه کشی فوتبال
المپیک و جای گرفتن شانزدهم تیم صعود
کننده در چهار گروه مقدماتی، صحبت
کوتاهی داشتیم با محبت مهاجرانی مربی
جدید تیم ملی ایران. این صحبت بیشتر در
مورد حرفان ایران در مسابقات مقدماتی
بود که با شناخت نسبت به آنان میشد بخت
ایران را برای صعود به دور دوم یک چهارم
نهایی تجزیه و تحلیل کرد.

محبت مهاجرانی گفت که در گروه
تیم های لهستان، نجریره و اوروگوئه میتوان
به صعود ایران به یک چهارم نهائی امید
داشت و اگر چین شود موفقیت بزرگی برای
فوتبال ایران خواهد بود. مهاجرانی در
مورد هر یک از حرفان ایران گفت:

«ما روی لهستان بختی نداریم زیرا تیم
بسیار تیزرومندی است و با ستارگان جام جهانی
به المپیک خواهد آمد. لهستان با قدرتی
شناخته شده طی چهار سال گذشته به مقام
قهرمانی المپیک ۱۹۷۲ (المپیک قبلی) و مقام سوم جام جهانی ۱۹۷۴ رسیده است.
این تیم به خاطر قهرمانی در دوره قبل،
بدون شرکت در مسابقات مقدماتی به
مونترآل میایدون محترم که این بار هم
نه تنها سرگروه خواهد شد بلکه بخت ششامه
یک قهرمانی نیز خواهد بود.»

مهاجرانی در مورد تیم نجریره یعنی
اولین حریف ایران گفت:

«تاکنون فوتبال تیم ملی نجریره را
ندیده ام. اما اصغر شرفی کمک من، در
مسابقات ارتش های جهان تیم ارتش
نجریره را دیده و به خوبی میشناسد. تیم
ارتش نجریره که با ارتش ایران صفر
بر صفر مساوی کرد، همان تیم ملی این
کشور است و طبق گفته شرفی تیم نجریره
بسیار راحت و روان بازی میکند و باید روی
این تیم حساب کرد. خط حمله نجریره
بر قدرت، گلزن و پرتلاش است. اما خط
دفاعی اش قدرت و استحکام خط حمله را
ندارد. یعنی میتوان ادعا کرد که دفاع
ما از آنان نیرومندتر است. نجریره همچنان
با ارزش و خیلی خوبی دارد. این تیم
معتمد به تدارک بسیار قبل از مسابقه است.
مثلا برای همان مسابقات ارتش های
جهان در آلمان غربی، تیم نجریره مدت ها
در لندن اردو زد و زودتر از هر تیمی
به آلمان رفت. از این رو میتوان انتظار
داشت که در کانادا تیمی به مراتب

پراکنده به فدراسیون بسکتبال رفتند و از
باشگاههای قبلی خود استعفا کردند.

مehوش طباطبایی بازیکن سابق تیم
منحله آزمایش، پرویز فدائی مسعود طاعتی
زاده و اسدالله کبیریان سرشناس تیم
صنعت نفت محسن خلخالی، امیر ایلیایی
جلال کازرونی و جمشید قاسم
بسکتبالیست های با ارزش تیم پهلوی و
حسین ریاضیانی از دارایی تهران، از جمله
بازیکنان با ارزش و شناخته شده هستند
که بطور انفرادی به فدراسیون بسکتبال
ایران مراجعه نمودند و باشگاههای خود
را تغییر دادند

مehوش طباطبایی از آزمایش به ایرانا پرویز
فدائی، جمشید قاسمی، جلال کازرونی از
صنعت نفت و پهلوی به پاس، اسدالله کبیر
و مسعود طاعتی زاده از صنعت نفت به
پرسپولیس گرگان و راه آهن، محسن خلخالی
و امیر ایلیایی از پهلوی به پرسپولیس و
حسین ریاضیاتی از دارایی به ذوب آهن
اصفهان رفته اند.

ضمناً تیم سابق دختران آزمایش نیز
(زهره وحدتی، زهره شهسائی، مهلا
روحانی، زهره تقی پور و زینا افلاطون)
اسمال با نام تیم پرسپولیس در مسابقات
حضور خواهند داشت. ضمن آن که ناخبر
آچاک با بازیکن سابق تاج و ذوب آهن اصفهان
را نیز رد خدمت خواهند داشت.
در جریان نقل و انتقالات اسمال مجموعاً
۱۶۳ نفر باشگاه خود را تغییر دادند.

در میان استعفا دهندگان سه نفر به
اساسی غلامعلی رضایی مقدم از صنعت نفت
محمد ابراهیمیان از کارگران و احمد
حسن نیا از باشگاه دغانیات استعفا داده و
باشگاه خود را تعیین نکرده اند که به وضع
آنان کمیته فنی فدراسیون رسیدگی خواهد
کرد.

۲ تیم جوان بسکتبال در جام پهلوی شرکت می کنند

مهلت نامنویسی تیمها برای شرکت در
نخستین دوره مسابقات بسکتبال قهرمانی
جوانان تهران (جام پهلوی) پایان یافت و
جمعاً بیست تیم آمادگی خود را اعلام
کردند. این تیمها عبارتند از: ایرانا،
فردوسی، شهریار، پهلوان، پهلوان،
افسران، افسر، نیرو،
سیپان، آزارات الف، آزارات ب، آشور،
تهران جوان، شهپاز، ایران نوین، ایران ما،
شرف، فردوسی، البرز، ایزد فردوسی و
پرسپولیس.

قرعه کشی این مسابقات ساعت ۱۸ روز
دوشنبه دهم خرداد در دفتر فدراسیون
بسکتبال به عمل خواهد آمد.

فرخ آباد را تعالی بانه و فرزند
آرایین جلیلیا
مردانه
با جدیدترین متد و با ورزیده ترین
آرایشگران به زیبایی شمای افزاید
فرشاه سروکارم زینت خنجرین
سلفن ۳۳۱۲۴۱

بقیه از صفحه پیش

برای تیم بسکتبال این باشگاه ترتیب دهم
له البته این موضوع را با همکاری و
استفاده از کمکهای فدراسیون بسکتبال
بر مرحله اجرا درخواهیم آورد.
راه آهن صاحب بهترین تیم

تهران شد!

در تغییر و تحول های دیگر نخست باید
از پیوستن گروهی از بهترین بسکتبالیست-
های ایران به باشگاه راه آهن یاد کنیم که
میتوانند این باشگاه را از هم اکنون به
کسب عنوان قهرمانی باشگاههای ایران
امیدوار کنند.

این تیم که ایرج لاودی را بعنوان
مربی در کنار خود خواهد داشت بدون
شک یکی از بهترین تیمهای بسکتبال
تهران در سابقه های سال آینده باشگاهها
خواهد بود.
مفتربنی هاشمی با سابق تیم پهلوی
فرهاد هژیر بازیکن با ارزش تیم پاس
کرمانشاه به اضافه جعفر فرخانی، اسدالله
زینو لاودی، مجید لاوردی، احمد بیگی،
فرهاد نیکرانی، شاهرخ خورشاهی و علی
یار احمدی بازیکنان سابق تیم هافزادی
هستند که به اتفاق مسعود طاعتی زاده از
تیم سابق صنعت نفت وارد ورزش اسکندریان
در دوره آینده با پیراهن باشگاه راه آهن در
مسابقات باشگاههای تهران شرکت
خواهند کرد.

ایرانا در قسمت مردان هم

صاحب تیم شد

و اما علاوه بر پیوستن دسته جمعی تیم
هما به راه آهن چند نقل و انتقال دسته جمعی
دیگر نیز در قسمت مردان صورت گرفت که
ضمن یکی از آنها باشگاه ایرانا در گروه
مردان هم صاحب تیمی نسبتاً خوب و با
ارزش شد.

علی اسماعیلی، فرشید قاسمی، حمید
رضا مستون، حسین همایون فرمنش، شاپور
طاحونی و مجتبی روحانی بازیکنان سابق
تیم سازمان آب در کنار مصطفی نستان از
تیم پهلوی، اداورد توماسیان و سیون
بهرامیان از آزارات و انور آلویشا از ورزنده
تیمی را تشکیل داده اند که در مسابقات
سال آینده باشگاههای تهران با نام ایرانا
شرکت خواهد کرد.

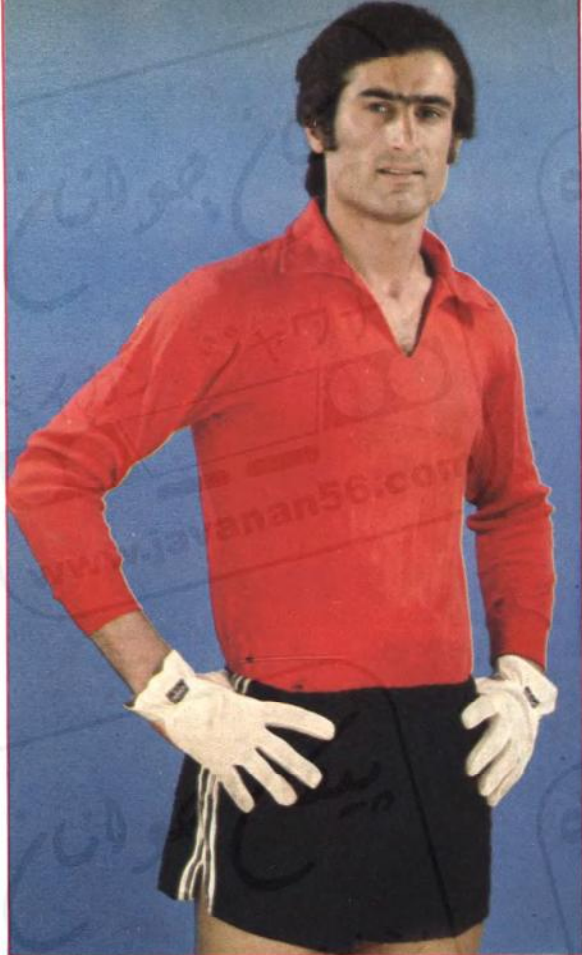
ایرانا در قسمت بانوان نیز صاحب یک
بازیکن جدید بنام نصرت السادات طباطبایی
شده است که میتواند نقشی مهم و کارساز
در این تیم داشته باشد.
شهباز باشگاه دیگری است که اسمال
با چهره جدیدی وارد مسابقات خواهد شد.
این تیم که از بازیکنان سابق ورزنده،
صدری و شهریهائی تشکیل یافته با ۳۳ عضو
جدید در قسمت مردان و ۶ عضو تازه در
قسمت زنان بالاترین رقم را در جریان نقل و
انتقالات در اختیار دارد.

پیوستن دسته جمعی تیم سابق دختران
سازمان آب به باشگاه فردوسی، تیم دختران
ایزد فردوسی به شام عزیز و تیم دختران
شام عزیز به آزارات از دیگر نقل و انتقالات
دسته جمعی چند روزه اخیر بود که جلب
توجه نمود.

نقل و انتقالات بزرگویی سروصدا

صرف نظر از تغیر و تحول های دسته
جمعی تعداد زیادی از بازیکنان صاحب
نام و برجسته تهران نیز هفته گذشته بطور

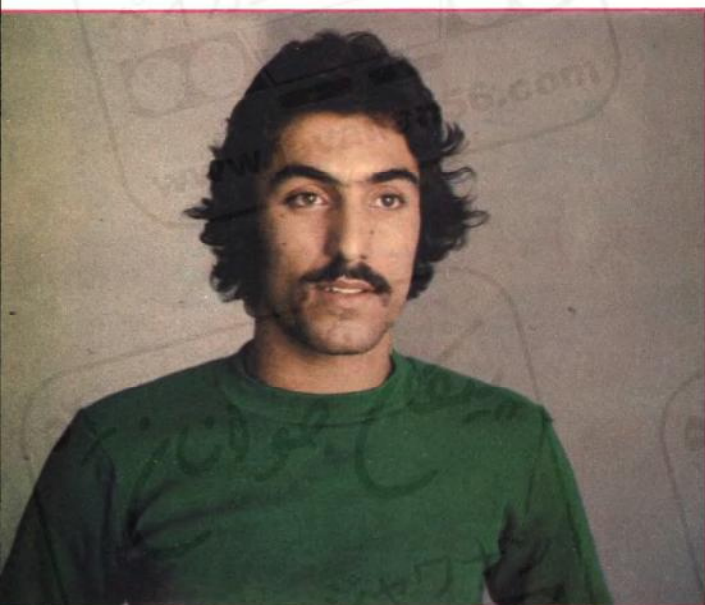
روز تجلی دروازه بانان



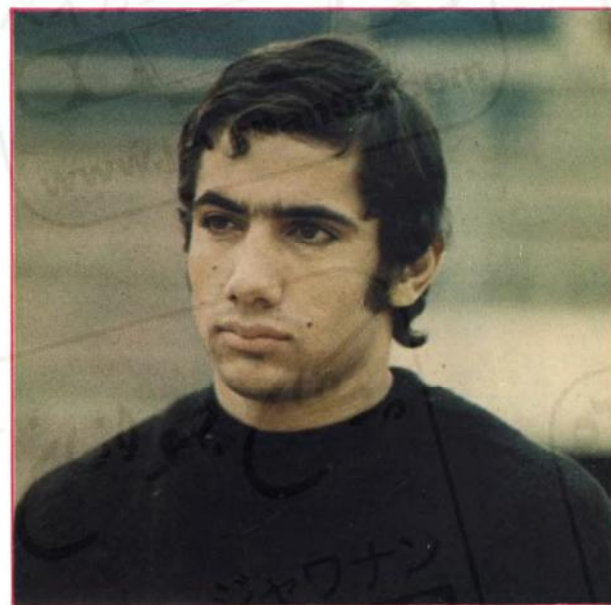
منصور رشیدی (تاج)



ناصر حجازی (شهباز)



حسین راغفر (ماشین سازی)



مهدی عسگرخانی (ابومسلم)

روز دهم جام تخت جمشید با هر گل و تجلی دروازه بانان همراه بود. شاید بتوان یکی از علل بزرگ کم بودن این روز را درخشش همین دروازه بانان دانست. ناصر حجازی در برابر تیم هاسلم نشدنی بود. رشیدی در برابر مهاجمان سریع برق هنر و قدرت خود را نشان داد. عسگرخانی در برابر نیرو بکه تنه چند بار با پداری کرد و علت اصلی تساوی در آواز شد و سرانجام راغفر در برابر سرشناس های پاس دروازه اش را با شجاعت از گزند محفوظ نگاه داشت.



↑ اگر داور پناحتی می‌گرفت...

پاسی‌ها در تبریز، در نیمه اول شانسهایی زیادی برای گل داشتند ولی راغفر دروازه بان ماشین سازی و ستاره میدان آنها را ناکام ساخت. داور سابقه نیز یک پناحتی را برای پاسی‌ها نادیده گرفت و تمم تهرانی فقط با یک امتیاز از تبریز بازگشت. دانانی فرد (۲۲) مهاجم پاس به جمع آن پنج نفر نگاه میکند. مینلسیان (سمت چپ که به زحمت دیده می‌شود)، علیخانی، پهلوان افشاری و حسین فرکی از پاس در جدال تصاحب توپ هستند.

مجموعه تصویب‌های
روز دهم مسابقات
فوتبال دوره چهارم
جام تخت جمشید



← بخیر گذشت!

رعنائی از بانک ملی به همراه دارابیدبان مدافع آراارات (پیراهن سفید) هر دو بزمین افتاده‌اند. این یک برخورد بین مدافع چپ آراارات و گوش راست بانک ملی است که ظاهراً بخیر گذشته است. ایستاده‌ها هر دو از خط میانی هستند ابوابیربان (چپ) و (حمید ناجی) راست نگاهشان به توپ دوخته شده.

← زمین خانه تکانی کرد،

دارایی گل زد!

در مسابقه ذوب آهن و دارائی وقتی مردان «لیادین» گل اول مسابقه را زدند، با روحیه مضاعف چند یورش خوب بطرف دروازه دارائی داشتند ولی چنان توفانی از گرد و خاک بلندشد که چشم‌ها بدرستی جانی را نمی‌دید. بازیکنان چشم به خانه تکانی زمین دوخته‌اند. در همین لحظات توفانی بود که دارائی گل سلووی را زد.





▲ آبادانی هایستوانستند از پرسپولیس شروع کنند

صنعت نفت بعد از ده هفته که از جام چهارم تخت جمشید میگذرد، هنوز لغت پیروزی را احساس نکرده است. آبادانی های می توانستند از پرسپولیس شروع کنند ولی این بار هم بغتت با آنها همراه نبود.

یک آبادانی (صفدر بنده) با ضربه ای بی نمرد روزه پرسپولیس را هدف قرار داده و چهار پرسپولیسی او را احاطه کرده اند. الله وردی (ه)، دستجردی، عزیزی و فاطمی مقدم نظاره گر هستند.

▶ آنها برای دفاع نمی آیند!

شیرازها بان فوتبال زیبا و جالبشان فوتبال دوستان تهرانی را مجذوب خویش ساخته اند. برق شیراز و تهران بفکر نتیجه و دفاع نیست. آنها بیشتر به دروازه مقابل چشم می دوزند.

محرمانعشری مهاجم تاج وحسین مکریمی هر دو در تلاش تصاحب توپی که در هواست هستند.

احمد رزینی (کاپیتن برق) مضطربانه ناظر صحنه است.



▶ دو ناصر روی روی هم!

هنوز هم امید شماره یک برای حفظ و حراست از دروازه تیم ملی است. در مسابقه شهباز و هما، ناصر حجازی چندبار یک تنه مهاجمان را ناکام ساخت. حال بعد از عبور از مدافعان خوب شهباز، رویرو شدن بسا سنگربان این تیم هم برای هر مهاجمی مشکل است. همانطور که ناصر نوادنی در نخستین دفاعی نیمه اول این چنین مغلوب جسارت حجازی شد و دروازه شهباز از خطر سقوط راهی یافت.



تاریخچه المپیک‌ها

« ۵ »



قهرمانان تاریخ ورزشها می نامیم. اما یک دوندۀ در نظر من از همه بزرگ تر است. او « هاز کله ماین » از فلاند است. او در فاصله کوتاه سه روز، غیر از مسابقات مقدماتی، مسابقه نهایی... ۵ متر، ۱ هزار متر و ۵ کیلومتر صحرانوردی را فتح کرد. حقیقت اینست که گاهی تنها یکی

کرد. ورزشگاهی که مسابقات دوومیدانی در آن انجام شد، مخصوص آن بازیها بنا شده بود و حقیقتاً چه از نظر تکنیک و چه از نظر زیبایی، هنوز هم یکی از بهترین میدانهای جهانی است. در آن بازیها، سردانی شرکت داشتند که من آنها را سنتنهای دوومیدانی و

کوکب و ناراحت است. تیم انگلستان در یک هتل دوستانه اقامت داشت که بر روی تپه‌ی مشرف به شهر واقع بود، در ساعت ۵ بعد از ظهر چراغ اتاقتها خاموش می شد و هر چند نفر در یک اتاق می خوابیدیم. غذایی که به ما داده می شد نیز چیزی جالب و کافی نبود. اما هیچکدام از این مشکلات در نظر ما اهمیتی نداشت. ما حوان بودیم، به اندازه کافی راحت و در نتیجه شکایتی نداشتیم که رهبران را به فکر اندازد.

هر گاه که از هتل بیرون می رفتیم، استکهلم را زیبا و بسیار پرجاذبه می یافتیم. شهر سمو از فضای سبز، چمن و گلهای رز با آب نماهای زیبا بود. بخاطر می آورم که روزهای استراحت به دیدن نقاط دیدنی شهر می رفتیم و با در پارک استکهلم - که چیزی کمتر از وسعت یک جنگل بزرگ نداشت - قدم می زدیم و شبها هر گاه که به دانستگی می رفتیم، با استقبال و لبخند گرم و دوستانه دختران زیبا روی سوئدی روبرو بودیم که البته در شرایط آن زمان، از روابط آزاد بگونه امروز خبری نبود. به نظر می رسید که همه درسوئد وظیفه دارند و با جان و دل می خواهند که در هر سوئدی به شرکت کنندگان کمک و محبت کنند. چون آن بازیها، بزرگترین موقعیت بین المللی بود که سوئدبها به دست آورده بودند تا کشورشان را به جهانیان معرفی کنند و همگان این نکته را خوب درک کرده بودند. دلیل دیگری نیز وجود داشت که بازیهای استکهلم را با شکوه، فراموش نشدنی و در تاریخ المپیکها زین کرد. و آن سخنان الهام بخش کوپرتون، در نظر انتحاحیه خود در پارلمان سوئد و در حضور ولیعهد آن کشور بود که آرمانهای المپیک را توصیف کرد و قاطعانه برهیز همگان را از هرگونه کار مایع با آرمانهای این نهضت انسانی خواستار شد که حقیقتاً بر همه تأثیر گذاشت و روح آن کلمات در تمام طول بازیها جاری بود و بد آنها عمل شد.

چهار سال پیش از آن، المپیک لندن با تمام شهرت و خوببایش، بازم افتاداتی به همراه داشت و به گروهی از مخالفان المپیک امکان ابراز وجود داد. اما المپیک استکهلم آنچه بود که حتی پیش از آنکه تمام شود، دهان تمام مخالفان المپیک را بست و در پایان نیز هیچ نوع انتقادی در هیچ جنبه‌ای به همراه نداشت. بطوری که سبب شد همگان نهضت المپیک را به عنوان یک فستیوال عالی بین المللی ورزش و دوستی ملتها بپذیرند. در المپیک استکهلم ۲۸ کشور شرکت داشتند و تعداد شرکت کنندگان ۳۸۸۰ تن بود البته این رقم شامل اجتماع و مسابقات ژیمناستیک ورزشکاران کشور های اسکاندیناوی نیز می باشد که حقیقتاً در نتیجه آن بود که ژیمناستیک به جهانیان شناسانده شد و در اندک مدتی گسترش و پذیرش جهانی به دست آورد. در بازیهای استکهلم نیز چون اغلب المپیکهای دیگر، دوومیدانی، شاه رشته بازیها بود و بیشترین توجه را به خود جلب

بارون بی برد و کوپرتون، در نظر اختتامیه المپیک پنجم، بازیهای استکهلم را با شکوه، زیبا و آرمانی توصیف کرد و آنها را هر نظر، منجلی کننده اوج آرزوهای خود برای نهضت جهانی المپیک خواند. این حقیقتی است که در تاریخ المپیکها، همگان به آن اعتقاد دارند.

بیرامون المپیک استکهلم، مطالب بسیاری نوشته شده است و نویسندگان فراوانی از دیدگاههای مختلف، جنبه های گوناگون پنجمین المپیک را توصیف و تقسیر کرده اند. اما در میان تمام نوشته ها، مقاله زبر به قلم (رت، هان فلیپ) جذابیت خاصی دارد. جان فلیپ نویسنده بی معروف، برنده جایزه صلح نوبل در سال ۱۹۵۹، در کتاب اقتصاد و حقوق، عضو پارلمان و سالها وزیر کابینه های انگلستان بوده است. او خود در المپیک استکهلم، آنورپ و پاریس به عنوان دوندۀ دوهای نیمه استقامت شرکت داشته و دو مدال نقره در دو المپیک استکهلم و آنورپ دریافت کرده و عضو بلا عوض کمیته ملی المپیک انگلستان است. او در مسوورد المپیک استکهلم چنین نوشته است: « من به عنوان شرکت کننده در المپیک استکهلم و دو المپیک بعد از آن و نیز به عنوان کسی که همیشه بازیهای المپیک را از نزدیک مورد توجه قرار داده ام، با توصیفات کوپرتون از المپیک استکهلم موافقم و آن دوره از بازیها را با شکوه، کم نظیر و از هر نظر آرمانی می دانم. برای من و برای اغلب ورزشکاران دیگر و بالطبع برای تمام دنیا، المپیک پنجم آشنائی با سوئد بود. پیاده شدن از کشتی در گوبنرک (یکی از شهرهای ساحلی سوئد) در یکی از روزهای زیبای تابستان، مسافرت با قطار از میان جنگلها و دریاچه ها و مواجه شدن با لبخندهای دوستانه و خوش آمد گویانه کشاورزان، اولین آشنائی ما با سوئد بود که قلبها مان را سراسر از شادی کرد. اما خود بازیها نیز به تنهایی شکوهی خاص داشت.



شرح عکسهای المپیک استکهلم

- ۱ کن مک آرتور، برنده دو ماراتون استکهلم از افریقای جنوبی
- ۲ گوستاف لیلی هولک از سوئد، برنده پنجگانه مدرن
- ۳ جیم توپ سرخپوست امریکایی یکی از کاسترین ورزشکاران دو میدانی برنده سدهای طلای پنجگانه و دهگانه المپیک استکهلم که بعداً گفته شد ۵ دلار پول گرفته است و مدالهاش را پس گرفتند!
- ۴ ته سردیت، برنده دو ۸۰۰ متر، ضمن مسابقه نیمه نهایی.
- ۵ آرنوله جکسن، دوندۀ بلندقد انگلیسی، برنده ۵۰۰ متر.
- ۶ هانس کله ماین (نفر کوتاه‌قد)، در لحظات آخر رقابت تاریخی خود با جین بوین از فرانسه در دو ۵۰۰ متر بازیهای استکهلم. کلمساین قهرمان ملی فنلاند است و با پیروزیهای او در استکهلم، غرور ملی فنلاند بیدار شد و به استقلال این کشور انجامید.
- ۷ فانی دوراک (راست) و ویلهلمینا دو ژن شناگر از استرالیا، برندگان طلا و قره ۱۰۰ متر اولین زمانی که در رشته‌شنای بازیهای المپیک شرکت کردند.



طی آنچه آغاز مسابقه، شانه به شانه پیش رفتند و در اندک مدتی از دیگران فاصله گرفتند. رقابت عظیم و شکوهمند آنها چنین بود که درست در دوازده و نیم دور ورزشگاه، هیچکدام حتی یک سانتیمتر از دیگری عقب نماند. هنگامی که زنگ دور پایان به صدا لطفاً ورق بزنید

شخصیت خوشحال و چهره خندان از فنلاند، و «جین بوین» دوندۀ خوش سیمای فرانسوی همراه با دیگر شرکت کنندگان در خط آغاز قرار گرفته تا نقطه اوج بازیها را رسم کنند، آنها که از همان ابتدا بطور مساوی در قلب تماشاگران قرار گرفته بودند، درست از لحظه شلیک

از مواد مسابقات دو میدانی، می‌تواند به تنهایی درخششی برای تمام مسابقات دو میدانی و فراموش نشدنی آنها ایجاد کند. این موضوع که در آتن و لندن، ضمن دو ماراتون تجلی کرده بود، در استکهلم، در مسابقه دو نهایی ۵۰۰ متر بوقوع پیوست. در این رشته، «کله ماین» با

بقیه از صلحه پیش

در آمد، نمایشگران برای خرید آنها بطور مساوی «هورا» می‌کشیدند و همچنان و انتباه در اوج بود. و آنها نیز همچنان شانه به شانه پیش می‌رفتند تا اینکه به خط مستقیم... استر آخر رسیدند و رقابت بزرگ در میان اوج همچنان تماشاگران آغاز شد، اما بازم تا چند متری خط پایان، هیچکدام نتوانست از دیگری پیشی گیرد و تنها این در لحظات آخر بود که «کله ماین» موفق شد با یکی دو سانتیمتر اختلاف مدال طلا را به خود و به فنلاند اختصاص دهد. به نظر من (شاید هم به خاطر احساساتی شخصی که نسبت به کله ماین دارم) این مسابقه، همچنان انگیزترین مسابقه دوویدانی تمام تاریخ بود.

این مسابقه و پیروزی «کله ماین» اهمیت تاریخی و غیر قابل انکار دیگری هم داشت و آن تأثیر عظیمی بود که در بیاداری احساسات ملی مردم فنلاند و بهم پیوستگی آنها برای آغاز مبارزات استقلال طلبانه داشت. و سرانجام به پیروزی انجامید.

بیاد می‌آورد که در لندن، تیمهای فنلاند اجازه حمل پرچم ملی خود را نداشتند. چه آنها در تحت سلطه حکومت تزاری روسیه بودند و وقتی که با پیشنهاد حمل پرچم روسیه یا زره بدون پرچم و برورسند، زره ولی «کله ماین» سرش را بعبادت استکھلم، هنگامی که بخاطر پیروزی «کله ماین» پرچم روسیه به احترام درآمد، بدن مشغول دست دادن و تبریک گفتن به او بود ولی «کله ماین» سرش را بعبادت تأسف تکان داد، به پرچم مهتز روسیه اشاره کرد و گفت: ترجیح می‌دادم پیروز شده بودم و این پرچم استعماری را در اینجا نمی‌دیدم.

البته من فکرمی کنم او اشتباهی می‌کرد، چه پرچم هر چه بود، پیروزی او به ملت فنلاند تعلق داشت و به تمام جهان.

بر روی محل «پیروزیهای «کله ماین» غرور ملی فنلاند را بیدار کرد، اتحاد و همبستگی آنها را باعث شد و نسیمی بود که بر پرچم مبارزات استقلال طلبانه آنها وزید و سرانجام به استقلال کامل آنها انجامید. همچنین در استکھلم ورزشکاران بزرگ دیگری هم وجود داشتند. رالف کرایچ که دوازده مرتبه... متر را فتح کرد. «تسردیت» دانش آموز آمریکایی که در ۸۰۰ متر رکوردی تازه بر پا کرد و آرونه جاکسون، دانشجوی آکسفورد که برای اولین بار در یک مسابقه بین‌المللی بزرگ شرکت می‌کرد و ۱۵۰۰ متر را برد.

همچنین مرد دیگری وجود داشت از سرخ - پوست های آمریکایی به اسم «جیم تورپ» که چون یک قهرمان افسانه بی بود و خصایل و شخصیتش، تأثیری بزرگ بر من داشت. او دو مدال طلای رشته پنجگانه و دهگانه را به دست آورد. آنهم در حالی که در چهار رشته پنجگانه اول شد و در دهگانه نیز... امتیاز از نفر دوم جلوگیری بود.

در مورد او، گفته پادشاه سوئد - که هنگام دادن جایزه اش - او را اعجاب - انگیز ترین ورزشکار دوویدانی جهان خواند، حقیقتاً صدق می‌کرد. کمیته بین‌المللی المپیک، بعدها دو مدال طلای او را از او باز گرفت. بدین دلیل

که گفته شد در یک مسابقه بسیار شرکت کرده و... دلار پول گرفته است! او هرگز نمی‌دانست که با این عمل، حرفه بی شناخته خواهد شد و حقیقتاً هم حرفه بی نبود.

بعد از دوویدانی، پرچم به ترین رشته بازیها، مسابقات فوتبال بود که همچون ژیمناستیک به لطف این بازیها، گسترش جهانی سریع پیدا کرد و یکی از زیر طرفدارترین رشته های ورزشی شد.

در مسابقات فوتبال استکھلم، ۲۰ تیم شرکت داشتند که دو تیم انگلستان و فنلاند، مسابقه نهایی را در برابر ۲۰ هزار تن تماشاگر برگزار کرده و انگلستان ۴ بر ۲ پیروز شد.

همانطور که گفته شد، ژیمناستیک نیز از رشته های پراهمیت این بازیها بود و گسترش جهانی خود را از این بازیها شروع کرد. در این رشته تیمهای زن و مرد سیزده ملت شرکت داشتند و با تخصصهای شگفت انگیز خود، حالت عالی هنری و ورزشی این رشته را به بهترین وجه ممکن به نمایش گذاشتند.

برای شنا نیز، بازیهای استکھلم، نقطه تحولی بود. شرکت ۱۸ تیم ملی و آغاز شرکت زنان در مسابقات شای المپیک، تا پیش از آن بی سابقه بود و از هر هفت راه پیشرفت‌های بعدی شای جهانی را هموار کرد.

در این رشته، مردان استرالیا و ژاپن، نشان دادند که شناگران پر قدرتی هستند و در آینده حرفهای بس بر برای گفتن دارند. در رشته شیرجه زنان، سوئدنیها با گرفتن ۷ مدال طلا از جمع هشت مدال، پیروزی بزرگی به دست آوردند.

در کشتی - که تنها رشته رنگی آن برگزار شد - ۱۷ کشور شرکت داشتند و فنلاندیها از بقیه پیشی گرفتند. واقعه جالب و عجیب این رشته، کشتی و ساعت دو کشتی گیر سوئدی «آندرس آلگرن» و فنلاندی «ایوار بوهلینگ» در دسته میان وزن بود که سرانجام هم هیچکدام بر دیگری فایق نیامد و در حالی که هر دو تقریباً بی حال بودند، کشتی آنها قطع شد و به هر دو المهای فخر اهدا گشت.

رشته تازه‌ی که در این المپیک به اجرا درآمد، ماده «پنجگانه مدرن» بود که از تراوشات فکری کوبرتون محسوب می‌شد و شامل رشته های تیراندازی، شنا (۳۰۰ متر)، شمشیر بازی، اسب سواری صحرا - نوردی و دو صحرا نوردی (۳۰۰۰ متر) بود. در این رشته نیز سوئدنیها اغلب مقامهای تک رشته ها و مقام های کلی را به دست آوردند.

در المپیک استکھلم، مسابقات دوچرخه سواری روی بیست انجام نگرفت، اما مسابقات روی جاده در مسابقات مختلف و با وسعت و استقبال خوبی انجام گرفت و سوئد و فرانسه، مدالها را بین خود تقسیم کردند.

در روز های پایان بازیها، همه ما از اینکه دیدیم ناگهان ورزشگاه بزرگ، یکشنبه برای مسابقات، پرش و نمایشهای با اسب آماده شله است دچار حیرت شدید و به کار کشتگی و سرعت عمل کمیته برگزار کننده آفرین گفتم. در مسابقات پرش با اسب، سوئدنیها چهار مدال طلا از پنج

مدال را به دست آوردند و سرانجام با پایان یافتن مسابقات اسب سواری، بازیهای المپیک پنجم نیز خاتمه یافت.

این دوره المپیک، حقیقتاً مجموعه تمام چیزهایی بود که کوبرتون می‌اندیشید در المپیک باید باشد. هیچ واقعه و بناگواوری در این بازیها اتفاق نیفتاد و هیچ ورزشکار و یا تیمی از ناعدالانه بودن قضاوتها شکایت نکرد.

در این المپیک، آنچه بود دوستی بین ورزشکاران بود، نزدیکی ملتها و شناخت و احترام به یکدیگر بود و محبت و مهمان - نوازی فراموش نشدنی عامه ملت سوئد. در هر ورزشگاه، هر استخر، هر میدان و هر رشته بی، روح و آرمناهای المپیک، درک درست آنها و علاقه به حفظ و اجرای آنها به چشم می‌خورد.

ورزشکاران شروع به شناختن یکدیگر و پایه گذاری دوستیها کردند و مقامات رسمی به یکدیگر نزدیک شده، بحث برپه گذاری قدراسیون های بین المللی رشته های مختلف را آغاز کردند و در نتیجه همین ملاقاتها و نزدیکیها بود که دیدیم رفته رفته در مدتی اندک، فدراسیون های بین المللی رشته های مختلف تشکیل شد و به نوعی دیگری در گسترش و

جهانگیری ورزش و حفظ مبانی آماتوری با کمیته بین المللی المپیک مهیم شدند. با بازیهای استکھلم، نه تنها بر ارزشهای عالی المپیک افزود و ورزش را در مسیر جهانگیر شدن قرارداد، بلکه شخصیت و شناسائی - تازه‌ی برای سوئد در میان ملت‌های دیگر ایجاد کرد و سرانجام با برگزاری بکجهشن شکوهندن اختتامیه، همراه با سخنان کوبرتون، که برلین پایتخت آلمان را به عنوان برگزار کننده دوره آینده بازیها اعلام کرد، پایان یافت. او برای آلمانها، در

برگزاری المپیک ششم - که حالا سیل دوستی ملتها بود - آرزوی موفقیت کرد و حقیقت این بود که آن مرد بزرگ، با درک موقعیت سیاسی آرزوی آلمان و اروپا و پیش بینی امکان شمله و رشدن یک جنگ بین المللی، برلین را برگزیده بود تا محل تجلی دوستیها باشد و شاید بدینوسیله بتواند از محسوسها جلوگیری کند و جهان را از جنگی خانمانسوز دور نگه دارد.»

المپیک ششم برلین (۱۹۱۶)

شعله های آتش جنگ زبانه کشید و بسط المپیک خاموش شد.

درست همزمان با اجتماع صلح ایزو و رقابتی دوستانه جوانان ملتها در زیر پرچم المپیک استکھلم، رقابتی خصمانه سیاسی و تضاد منافع و عقاید در بین کشورهای اروپایی رو به افزایش بود و در چشم انداز آینده اروپا و جهان، زبانه کشیدن شعله های یک جنگ بزرگ به دست آلمانها دیده

می‌شد. در این شرایط سه دواطلب حدی برای برگزاری دوره ششم بازیهای المپیک وجود داشت: بوداپست، الکساندریا (الکندریه) و برلین. با توجه به شرایط جنگی و حیات و حالت خاص «نظامی» جاری در آن کشور، اعضای کمیته بین المللی المپیک، از اوگذاری دوره آینده بازیها به برلین، پرهیز داشتند.

اما کوبرتون عقیده داشت که علیرغم سیاست جنگی و حاکمیت حکومت آلمان، عامه ملت خواهان جنگ نیستند و صلح برایشان گرامی است. پس این تنها حکومت آلمان و رهبر آنها «قبصر» است که خواستار قدرت نظامی و ایده‌های «برتری جوانه» برای آلمان است. بنابراین، همانطور که «المپیک» برای سوئد و مردم آن یک شخصیت تازه بین المللی و شناخت و احترام ایجاد کرد، اگر برای آلمان نیز چنین حالتی ایجاد کند، احتمال دارد که عطش ایده های برتری جوانه جنگی قیصر را کاهش دهد و مهماندار نمایندگان صلح ملت‌های جهان بودن، باعث خواهد شد که به میزان زیادی از احساسات خصمانه آنها کاسته شود.

با این اندیشه‌ها، او از برلین پشتیبانی کرد و با نفوذی که داشت، پذیرش برلین را به عنوان برگزار کننده دوره ششم بازیهای المپیک به کمیته بین المللی قبولاند.

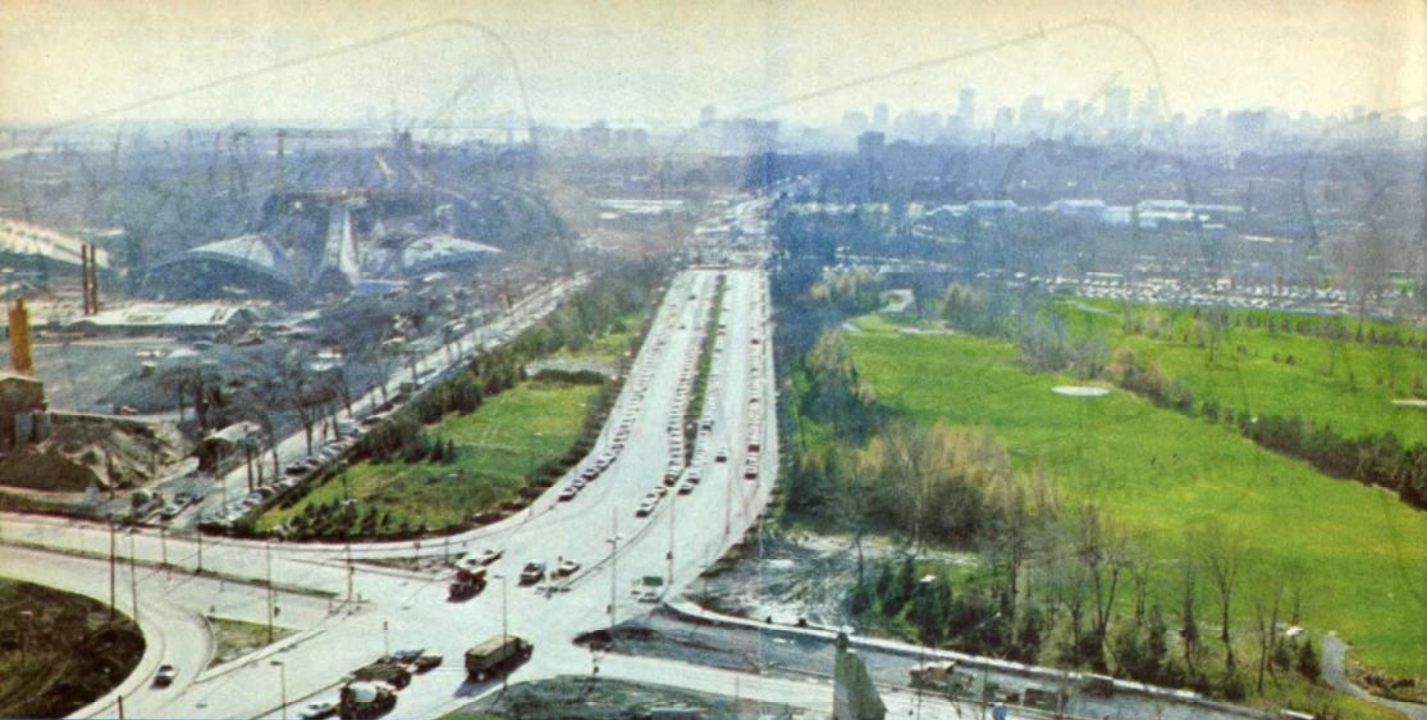
اما همانطور که می‌دانیم، جنگ جهانی اول، همانند جنگ جهانی دوم، نتیجه یک سلسله مسائل مرتبط اقتصادی و سیاسی بود و انتظار اینکه بازیهای المپیک بتواند از بروز آن جلوگیری کند، آرزویی بود محال. در نتیجه علیرغم اندیشه‌های کوبرتون، اروپا هر لحظه به جنگ نزدیکتر شد و هر چه زمان به تاریخ برگزاری بازیها نزدیکتر می‌شد، این نکته نیز بیشتر آشکار می‌شد که برلین هرگز در آن شرایط قادر به برگزاری بازیهای ۱۹۱۶ نخواهد بود. با اینکه کوبرتون همچنان در برابر فشار و تقاضاهای تغییر محل المپیک و برگزاری آن در جایی دیگر، بخصوص در آمریکا با فشاری نشان داد و عقیده داشت که انجام نشدن بازیها، بهتر از تغییر محل آن خواهد بود. او عقیده داشت که پذیرش تغییر محل بازیها، بدعتی خواهد شد که برای آینده نهضت المپیک خطرناک خواهد بود.

همچنین او در برابر فشارهایی که برای اخراج نمایندگان آلمان از کمیته‌های بین المللی ورزش وجود داشت، مخالفت کرد و می‌گفت مسائیل سیاسی؟ نباید در روابط ورزشی تأثیری داشته باشد. البته او که در سال ۱۹۱۵ مرکز کمیته بین المللی المپیک را به کشور بی طرف سوئیس (شهر لوزان) منتقل کرده بود حتی تا اوایل سال ۱۹۱۶ نیز عقیده داشت که سرانجام بازیها در تاریخ خود برگزار خواهد شد. ولی بالاخره شعله های آتش جنگ جهانی اول زبانه کشید و لاجرم در آن شرایط، اجزای بسیاری نهضت صلح - المپیک وجود نداشت.

غذای آماده میهمانی - عالی و ارزان

۱) نوع غذای خوب. انواع سالاد، دسرها، خوشمزه، با سلفارشات تزئینی.

تحويل و پذیرایی در منزل - تلفن ۳۳۴۳۶۶



این تاژترین (نه آخرین) عکس از پارک المپیک سوئرال است. چنانکه درست چپ عکس می بینید پایه های دکل غول پیکر ورزشگاه تا نیمه رسیده است و در کنار این دکل شیخ ورزشگاه اصلی زیر صد هاجر انتقال بلند دیده میشود. خیابان بهنی که در عکس می بینید ورتا دور پارک المپیک میگردد و در چند نقطه آن برای عبور اتوبوسها و پیاده ها و ورود آنها به پارک پل های هوایی زده شده است.

جای دوندگان، تیراندازان و شمشیر بازان در مونتREAL

دوویدانی

سابقه این طبیعی ترین رشته مسابقات بازیهای المپیک به سالهای اولیه خلفت بشر میرسد. اما هنوز خدا بان ورزشگاههای المپیک فیرسانان دوویدانی هستند. دوویدانی مدت هشت قرن یعنی از زمان تئودوز کبیر در سال ۳۳۰ م بعد از میلاد در تاریکی بسر برد تا آنکه در قرن هفتم کیومر فاتیح مجدد آذربایجان رونق به آن بخشید. از آن بعد دوویدانی مثل وجدان ورزش شده است و پیوسته احساس بازیهای المپیک جای پرافتخاری به آن بخشیده است و از هر المپیک تا المپیک دیگر بر سواد دوویدانی افزوده شده است.

محل و تاریخ مسابقات

ورزشگاه اصلی المپیک

جسیده به دهکده المپیک

مسابقات مقدماتی و نهائی: از اول تا نهم مرداد.



تیراندازی

رشته جنگی، ورزشی و شکار در ظاهر آب و هوا می نماید اما در واقع از تیراندازی مختصات بک ورزشکار بنام معنی ورزشه را میخواهد مخصوصاً قدرت تمرکز، تسلط و استقامت.

از سال ۱۸۸۶ تیراندازی دارای فدراسیون و مقررات بدون بوده و در تمام دوره های بازیهای المپیک نیز اجراء شده است. در تیراندازی امروزه مواد زیر کتانه شده است: تیراندازی با تانچ (آزاد)، تیراندازی با تفنگ کالیبر خفیف، تیراندازی سریع با تانچ، تیراندازی به کیتوس مصنوعی (اسکت) و تراب و تیراندازی به هدف متحرک.

محل و تاریخ مسابقات

ورزشگاه تیراندازی المپیک در آکادمی

۴۵/۴ کیلومتری دهکده المپیک

مقدماتی و نهائی: ۲۷ تیر تا دوم مرداد.



این تاکت، شکل کلی ورزشگاه اصلی المپیک و دکل آنرا نشان میدهد. از یک طرف تمام بخشهای اداری بازیها در این دکل قرار گرفته و از سوی دیگر با کابل های قوی و مستند بوشش روی ورزشگاه را نگاه میدارد.



شمشیربازی

دو هزار سال پیش از میلاد مسیح اشراف چینی شمشیربازی میکردند. در مصر و بعد از آن در یونان و روم قدیم برای این هنر نیمه جنگی - نیمه ورزشی ارزش فراوان قائل بودند. در قرن شانزدهم شارل نهم پادشاه فرانسه اولین آکادمی ورزشهای رزمی را در فرانسه دایر کرد. در قرن بعد آنجلو استاد ورزشهای رزمی یک نوع شیوه شمشیربازی ورزشی ابداع کرد. آنرا بدسته های سایر انده و فلوره تقسیم کرد و مقررات آنرا نوشت که هنوز این سه رشته و بسیاری از مقرراتی که او نوشته همچنان پا برجاست.

محل و تاریخ مسابقات

ورزشگاه زمستانی دانشگاه سوئرال

۴/۵ کیلومتری دهکده المپیک

مسابقات مقدماتی و حذفی از ۴ تیر تا ۲ مرداد



تنها تاج و بانک پیرو شدند

راغفر و دفاع ماشین سازی

پاس را نگاه داشتند



هادی آهنگران یکی از بزرگان روز دهم جام تخت جمشید بود. آهنگران جوان در جدال با جانملکی با تجربه که اینجا با خطا به او تاخته — اکثراً موفق بود. برقی گرچه یک بر صفر مغلوب تاج شد اما با چهره‌تفا جمی اس روز موفق داشت.

آارات با یک بازی بد حق پیروزی را به بانک سلی داد، اما با این حال اگر از یکی دو موقعیت خود استفاده می کرد شاید با خوش اقبالی یک امتیاز مسابقه را بدست می آورد و این هم صحنه ایست که در پی یک کرنر مقابل دروازه بانک سلی بوجود آمده که غلامعباس شریفی (پیراهن زرد) دروازه بان بانک سلی کوشید با کمک حبیب زین نام (پیراهن آبی) نوسیان (پیراهن سفید) را از سرزدن محروم کند — دوسفید پوش کنارخاچیکیان (سمت راست) و اسبریان دو هافبک آارات هستند.



ماشین سازی به لطف درخشش راغفور و فاع خوش پاس تهران را در تبریز متوقف کرد و بارها نیز دروازه حریف صاحب نام را به خطر انداخت. اینجا حبیب شریفی مهاجم سرخ پوش پاس در محاصره مصطفی درودیان (۱۲) و مجید و اجاری بدافعستان ماشین سازی قرار گرفته است.



دردار بانکملی
و آزارات در مجموع
دبدری بست و
ضعیف بود که گاه
ضعف هر دو تیم
بوجب بروز
صحنه‌هایی خشونت
آمیز می‌شد. همچون
این صحنه که
شیرعلی روشن
(هافبک بانک ملی با
بیراهن آبی) و زبرابر
بیرنگیان برای
کسب یک توپ
در حضور داور این
چنین به هم پیچیده‌اند.



گروه فرهنگی دکتر هشترودی

برای کلاسهای کتکوری عمومی فشرده که از روز ۵شنبه بیستم خرداد ماه صبحها تشکیل میشود همه روزه بعد از ظهرها از ساعت ۹ تا ۱۱ شب نام مینماید.

محل ثبت نام: میدان کاخ دبیرستان دکتر هشترودی تلفن ۶۴۸۲۱۸ - ۸۹۳۵۹۵

اینجا سعید مژدهی مهاجم تیم تاج هتروش را در برشی تماشایی نشان داده و توپ را به سوی دروازه برق کوبیده است. غلامحسین بیروانی (۴) و جمشید سانی (راست) از برق رو بروی توپ مژدهی هستند و از دور کارو کاپیتان تاج به نتیجه کارمژدهی نگاه میکنند.



مجید بشکار، بهترین مهاجم ایران / خادم پیر، اگر جنگنده بود...

عبدالرزاق خادم پیر در نوک حمله جوانان ایران همه چیز داشت جز جنگندگی او در زدن ضربه های سر، دربیل وکل زنی مهارتی عالی دارد اما بازیکنی توفانی نیست. بعبارت دیگر خونسردی بیش از حد از خود نشان میدهد. خادم پیر با اندام کشیده و سوزنوش بی تردید در آینده از خصلت جنگندگی و حرفه بی گری نیز برخوردار خواهد شد و چهره یک نوک حمله کامل به خود خواهد گرفت. برای تیم ملی، سال- های آینده به خادم پیر امید بسیار میتوان داشت.

بشکار فقط یک گل زد اما همان یکی زیباترین و حساس ترین گل بود. کلی که باعث پیروزی سه بر دو بر تابند و صعود به دوره نهائی شد. بشکار از مهاجمان جوان و کامل فوتبال ایران است. او از قدرت عالی حفظ توپ برخوردار میباشد اما گاهی به تکروی میل میکند. بشکار بازیکنی است از قهرمانان سال پیش بود و بعد از بانکوک به تیم ملی هم راه یافت.



غلام پیروانی مدافع جسور و شجاع شیرازی از همان آغاز بازی با پای لنگان و مصدوم قدم به مسابقات گذاشت اما بسا اینکه در قالب دفاع قرار داشت و بسا فشاری که در هر مسابقه به او میآید، تا صبح روز بعد از درد سینالید معهذاً با تعصب در هر مسابقه آنچه داشت رو کرد و یکی از بهترین ها بود. تعصب و پایداری او را باید الگو قرار داد.

پیروانی، الگوی تعصب و پایداری



جمهوری خلق کرده یگران تیم اما تور گذشته نیست

تساوی دو بر دو با تیم میزبان بدست آمد. تیم جوانان کره در مسابقه نیمه نهایی صفر بر یک مغلوب جوانان عراق شد.

اسال جمهوری خلق کره قط باهاندزه بازیکن قدم به بانکوک گذاشت و از همان ابتدا حال و هوای آنان با گذشته بی نه چندان فرق کرده تیمی خشن، جنجالی و حتی مکار شده بود و از روح آماتوری و سادگی ناشانی نداشت.

اولین مسابقه آنان با تیم جوانان ژاپن بود و از قضا ژاپن هم به مثل ایران تاکنون از جمهوری خلق کره شکست نداشته است و این سنت در بانکوک نیز با وجود حذف ناچواندرانه ژاپن حفظ شد. مسابقه جمهوری خلق کره و ژاپن یک بر یک مساوی بود اما نمایش عالی کره بی ها - که هرگز تکرار نشد - ایران و عراق (فهرمانان مشترک سال قبل) را به فکر فرو برد زیرا وجود این مدعی کاسا محسوس بود. این بار هم کره تمام کننده نداشت اما «کیم جای وون» با شماره ۱۱ یک مهاجم توانایی بود و به لطف انعطاف بدن هر دفاعی را به هم می ریخت.

جمهوری خلق کره چهره ژست و غیرورزشی خود را در مسابقه دوم ور کرد. این مسابقه در برابر تیم تایلند (میزبان) بود. تایلند در اولین مسابقه بدون گل با ژاپن مساوی کرده بود و شکست از جمهوری خلق کره به معنی حذف آنان و دواع با فروش بلیت بسیار برای روزهای بعد بود. جمهوری خلق کره در برابر حریف ضعیف تر یک گل آسان زد و بعد بازی را به حریف داد تا گل تساوی زده شود. این گل هر سه تیم را در شرایط مساوی قرارداد و با اینکه باستی قرعه کشی برای تعیین

برای اولین بار بود که پرچم دو کره در برابر هم قرار گرفت. اینجا ورزشگاه ناسیونال (ملی) بانکوک است و دو پسر بچه تایلندی پرچم جمهوری خلق کره و جمهوری کره را کنار یکدیگر قرار دادند.

عراق «آبه استانکوویچ» مربی کاردان یوگسلاوی را نیز به همراه داشت که سه خوبی تیم را رهبری میکرد. عراق بدون هاباروسوم (ملی پوش چندساله اش) سه دیدار جمهوری خلق کره رفت و با حملات سخت آغاز جهره نهاجمی کسرها با این بست مواجه ساخت. حاصل این برتری گل بسیار زیبایی کاظم وعل کاپیتان ملی پوش و بازیکن کاسل عراقی در دقیقه ۱۸ بود. وعل گرچه کمی تنبل و کم کار بینموند، اما از نظر فن بازی چیزی کم نداشت و به بهترین وجه مهاجمان تیمش را حرکت میداد. بعد از گل وعل تیم عراق مرتکب خطای بزرگ «تاکنیکی» شد و با کشیدن به عقب به حریف فرصت حمله و میدان گیری داد. هجوم کره بی ها با فریاد تشویق تماشاگران همراه بود که همواره کره شمالی را حمایت میکردند به ویژه در برابر ایران و عراق که تیم های نیرومند غرب آسیا بودند و عنوان قهرمانی داشتند. سرانجام کره گل تساوی را در همان نیمه اول زد اما این گل به لطف داور بود زیرا توپ خارج شده از زمین از چشم داور ظاهرأ پوشیده ماند و بازیکن خط حمله کره توپ را بدون گل فرستاد راجع به داورهای بسیار ضعیف و جنجال های متعاقب آن، در گزارش هایم بسیار نوشتم و در فرصتی مناسب در همین سلسله مطالب به مسائل داورهای در مسابقات بانکوک نیز خواهم پرداخت.

مسابقه عراق و جمهوری خلق کره با حوادث بسیار برای هر دو دروازه بعد از دقیقه درصافه ۳۶

دو تیم صعود کننده صورت می گرفت، تایلندیها ژستی تباری را کاسل کردند و بی توجه به تیمهای دیگر، تصمیم به تکرار مسابقات گروه سه تیمی خود گرفتند و سه روز به برنامه مسابقات افزودند. ضمناً از تکرار این مسابقات کیسه بی بزرگتر برای پول حاصل از فروش بلیت برای خود دوختند. با تباری جمهوری خلق کره و تایلند، حق مسلم صعود ژاپن خورده شد و مطبوعات تایلندی به شدت این تباری ناچواندرانه دور از اصول ورزش آن هم در سطح جوانان را محکوم کردند. ژاپن ابتداء تصمیم به ترک مسابقات گرفت اما بعد تغییر عقیده داد. در مسابقات تکراری، ژاپن با پیروزی یک بر صفر بر کره شگفتی بزرگی آفرید و بار دیگر امید بسیار به صعود پیدا کرد اما شکست صفر بر سه و بازم دور از انتظار در برابر تایلند اسیدها را باز گرفت و بعد از شکست صفر بر دو تایلند از کره، با فاتح موقعیتی مساوی پیدا کرد و ژاپن از مسابقات بیرون رفت اما این افتخار را با خود به خانه برد که با تیمی به راستی پاک و جوان تنها تیم پیروز بر جمهوری خلق کره در ایسن مسابقات شد.

برای تعیین سرگروه بین تایلند و جمهوری خلق کره قرعه کشی شد و تایلند برنده شد.

جمهوری خلق کره در مسابقه یکت چهارم نهایی در برابر عراق قرار گرفت نه تا این روزها نمایشی خوب بعد از پیروزی پنج بر صفر بر سری لانکا و هنگ کنگ و دو بر صفر بر برمه به این مرحله آمده بود.

عراق تیمی کاسل بود و با استفاده از بازیکنان بزرگسال بیشتر به ایران می اندیشید تا دیگر تیم ها. وضع جنول هم طوری بود که عراقی ها با قاطمیت میکنند که حریف بزرگ را ایران است و به مانند سال پیش در کویت باز دو تیم ایران و عراق به دوره نهایی خواهند رسید. این بار تیم جوانان

فرق سوخته سرایی باجر اثقال

صنعتکاران:

تمرین کشتی را شوخی نگیرید

فیلابی:

مدال طلا یا نقره سوخته سرایی را تضمین میکنم!

روحي به صنعتکاران کلک زد!



قهرمانان طراز اول خود — پزشک سوظف دارند که در موقع ضروری فوراً به کمک ورزشکاران مجروح و مصدوم می شتابند ولی ما هنوز نتوانسته ایم حتی در آستانه بازیهای المپیک یک پزشک متخصص روزی یک الی دو ساعت در اختیار کشتی گران ملی بپوش خود قرار دهیم. به همین دلیل است که آمار کشتی گران آسیب دیده و مجروح در اردوی آمادگی ایران قابل مقایسه با اردوی تدارکاتی حرفیان نیست و لاف از این بات با صاحب مقام اول هستیم!

وقتی پزشک در سر کلاس تمرین کشتی گران نباشد، سر برمی تیم ملی (محمد علی صنعتکاران) مجبور است نقش پزشک را هم اجرا کند. در اینجا صنعتکاران را می بینید که از کار اصلی خود دست کشیده و آمده است تا انگشت رمضان خدر را زخم بندی کند. مسئله پزشک در ورزش ایران هنوز حل نشده است و نظیر این صحنه ها را فراوانی می بینیم در حالیکه اکثر کشورها در سر کلاس تمرین ورزشکاران — مخصوص

آموزشی فدراسیون کشتی ایران مطابقت دهد و از آمادگی داخله و بدنی خارج شود «بطور یقین او را از تیم کنار خواهیم گذاشت.»

اگر صنعتکاران چشمش به من نمی افتاد مثل مسلسل حرفهایش را ادامه میداد ولی وقتی متوجه شد که من در یکی دو متری او ایستاده ام، فتاحی را به حال خود رها کرد و بسرانغم آمد. پس از خوش و بش و احوال پرسی، از وضع کشتی گران پرسیدم.

گفت: «والله ما که بکوب داریم کار

تالار تمرین کشتی امجدیه: «در کلاس تمرین با هیچکس شوخی ندارم. باید جدی و مصمم باشید و از تمام نیروی بدنی خویش برای زور آزمایی استفاده کنید. کسی که در تمرین کشتی «شل ول» باشد و با یک پوف به پل برود، نمی تواند در مسابقه خودش را کنترل کند. چون این بی اعتنائی و خوش افتی ها در تمرین، به صورت عادت در می آید و این عادت بسیار زیان بخش است.»

این ها را محمد علی صنعتکاران ایرسرمربی تیم ملی کشتی آزاد ایران به حبیب فتاحی می گفت. فتاحی که تازه از گرد راه رسیده بود و می خواست وارد اتاق رختکن شود، با سرعت روپوشد. چون یکی از دوستان فتاحی همراهش بود او سعی می کرد هر چه زودتر از زیر شلاق انتقاد سرمربی رهایی یابد. اما صنعت به این زودی هاول کن معامله نبود.

فتاحی گفت: «آقا، من فقط یک جلسه کم کاری کردم آن هم به خاطر شرایط نامطلوب بدتم بود. تازه چه لشکالی دارد که در تمرین به پل بروم یا ضربه فنی شوم؟ مگر منظور از تمرین این نیست که مرور فن کنیم و معایب خویش را برطرف سازیم ولی در مسابقه که این طور نیست خودتان یکماه پیش شاهد بودید که همه را اقدام کردم...»

فتاحی همینطور ادامه میداد که صنعت حرفش را قطع کرد و گفت: «برای من کلاس تمرین با ارزشتر از نتیجه مسابقه است. چون ممکن است شما پس از پیروزی در مسابقه ها به علل مختلف کیفیت خوب خود را از دست بدهید و به قول معروف «افت» کنید. پس در کلاس تمرین است که موقعیت شما برای من روشن میشود و اگر شما در این آژانسگاه جواب

قبولی نگیرید، من به نوبه خود با اعزاز شما به المپیک مخالفت خواهم کرد. البته این مسئله مربوط به تمام کشتی گران است. برای من همه یکسان هستید. حتی اگر یکی از کشتی گران موفق و پرامید ما در المپیک، نتواند خود را با برنامه های

سید عباسی در حالیکه با مشت محکم به عضله شکم خود می کوبید گفت: «بیس، این بدن یک مقال گوشت اضافی ندارد، هوش عضله است و قدرت. هر یک از حرفیان برای شکست خوردن عجله دارند و نمی توانند تا روز یا زدهم خرداد صبر کنند، بیایند و تشک تا همین الان بحسابشان برس!»

ظاهر امر نشان میداد که محمدعلی خان کشتی ایران ساخته تر از یکماه پیش است! بدنش تراشیده شده و شکل گرفته، و نفسش جاق تر از دیدار های قبلی است. آخرین کلامش این بود: «این دفعه همه را می کشم!» او این جمله را با عصبانیت گفت و راهی اتاق رختکن شد.

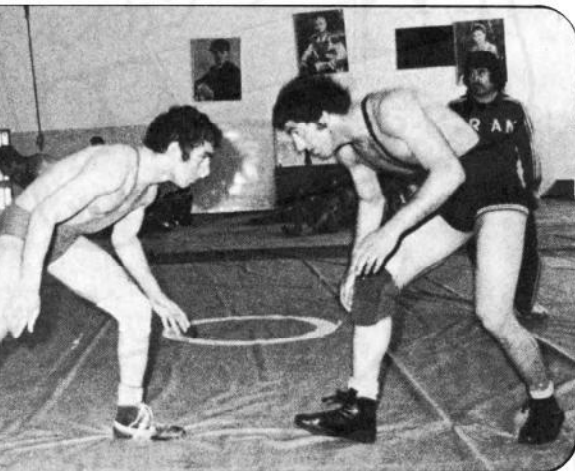
عکس سید را در حال تمرین با ابراهیم ظفرنوازی نشان میدهد.

می کنیم. بچه ها از نظر آمادگی بدنی وضع خوبی دارند. فقط چند تن بعلت آسیب دیدگی نمی توانند تمرین جدی و داخله بکنند.

غلامرضا خلج در بیمارستان بستری است. جها نادر عبدالباقر و حمید علی دوستی ز کورد آسیب دیدگی را شکسته اند.

کلک روحی

از غایبان اردو پرسیدم. گفت:



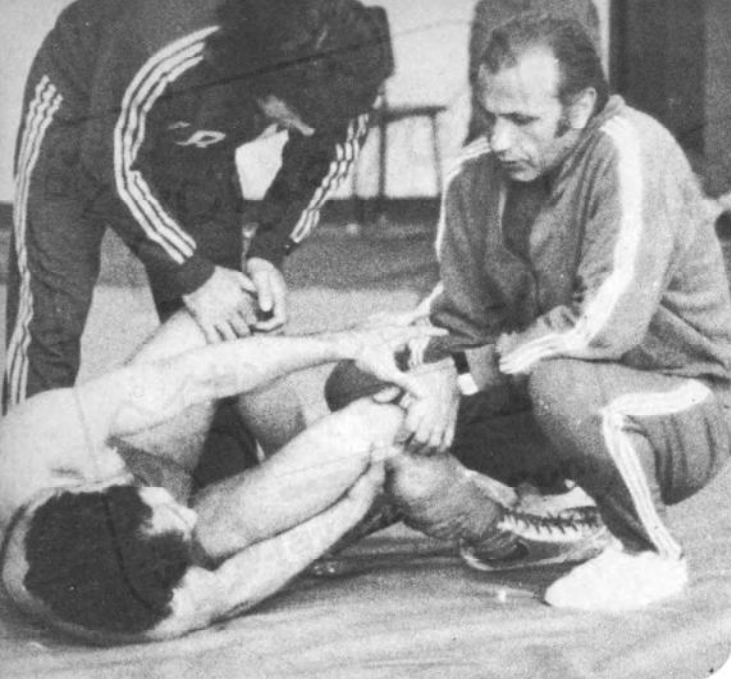
است. خدر جواب داد: «از خود شما!» سرمربی تیم ملی قدرتی فکر کرد و گفت: «نسه چیتین چی مزی نیست.»

خدر گفت: «آقا بشما گفته بود که خانم و بچه هایش را با هواپیما به اصفهان می برد و خود بازمی گردد.» در این هنگام صنعت انگشت به دندان گرفت و بسا تعجب گفت: «دیدی چه کلکی بمن زد؟» و بعد اضاها کرد: «روحی

«از وزن اول آغاز کنیم: کرامت زرنیک هنوز از شیراز به اردو نیامده و امروز نیز جزو غایبان است. در وزن ۵۰ کیلو غایب نداریم.»

در اینجا بود که حرفش را قطع کردم و گفتم پس سبحان روحی کجا است؟

صنعت گفت: «روحی همینجا باید باشد.» رمضان خدر که در کنار ما ایستاده بود، گفت: «نه آقا روحی رفته اصفهان.» صنعت با تعجب گفت: «از کی اجازه گرفته



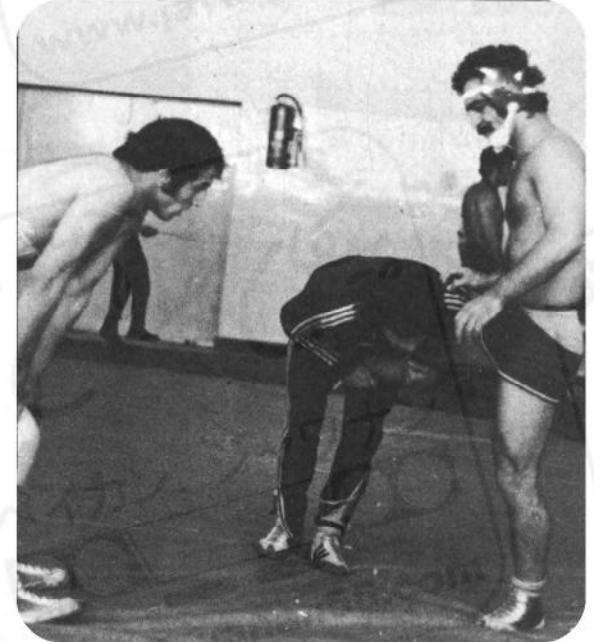
نیز من آمد و گفت زن و بچه هایم از ما زندران به تهران آمده اند. اجازه بدهید بروم آنها را به فرودگاه برسانم. منم به او اجازه دادم ولی حالا می بینم که خود او سراز اصفهان درآورده است! وقتی او به اردو باز کرد حتماً خواهد گفت: من برای رفتن بسه اصفهان اجازه گرفته بودم از این کلک ها بچه ها زیاد می زنند هر چند ما دستشان را خوانده ایم ولی می بینید که باز هم در دست می خوریم! ...»

از صنعتکاران خواستم اسامی بقیه غایبان را بگویند و اینطور ادامه داد:

در ۵۷ کیلو بچی سردانی و رحیم شریتی از روزه اولی به اردو نیامده اند.

در ۶۲ کیلو غایب نداریم.

در ۶۴ کیلو: از محمود قشنگ و حسین محبی دو کشتی گیر مشهومی و کرمانشاهی نیز از روز گشایش اردو تا کنون خبری



را دید او را از ادامه تمرین با محمد رضانی منع کرد و رضایی بجای جهاندار مقابل نوایی استاد و دکتر توکل نیز در کوشه می به تمرین حرکات بدنی پرداخت و بقول معروف عرق خود را در آورد.

در عکس جوادی بعنوان دستیار دکتر توکل انجام وظیفه می کند.

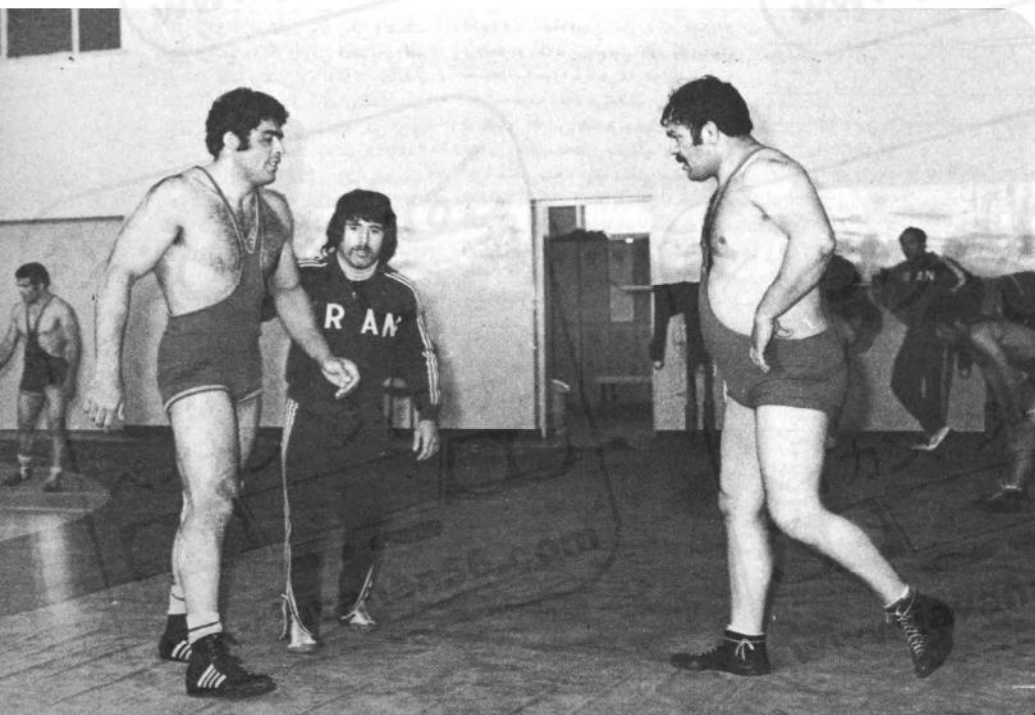
آفتقدر محو تمرین کشتی گیران شده بودم که وقتی دکتر محمد توکل رئیس فدراسیون کشتی ایران با لباس گرم وارد تالار شد متوجه نشدم. ولی وقتی صدای ناله جهاندار عبدالباقر بلند شد بکمربند دیدم که دکتر توکل خودش را توسط تشک رساند و بکمک کشتی گیر مصدوم شافت. دکتر توکل پس از آنکه وضع جهاندار

در عکس جوادی را می بینید که یک خم محمد رضا نوایی را بچنگ آورده و در صدد «بیانکوب» کردن آنست.

این ساده ترین و بی خطر ترین فن روی یک خم گیری است که اگر بدقت اجرا شود دست کم برای مجری آن یک استیاز ارمان دارد.

در سمت چپ عکس جهاندار عبدالباقر با کتکجای تمام، جوادی را زیر نظر دارد.

ابراهیم جوادی سرب تیم ملی کشتی آزاد ایران طرز «خم گیری» را به جهاندار عبدالباقر یاد می دهد. البته جهاندار و امثال او با این فن و فنون دیگر آشنایی دارند. ولی در اجزای هر فن به ریزه کاریهایی بر می خوریم که دانستن آن ضروری است. چون هر یک از این ریزه کاریها در مواقع بخصوص می تواند بسیار مفید و کارساز باشد و هر کشتی گیر که به این مسئله بی توجه باشد کامل نیست.



اسکندر رخا پس از یک تمرین سخت و فشرده با رضا سوخته سرایی، نفس زنان کنارم نشست و گفت این سوخته بداد می کند. بی انصاف درست مثل جراتال است! تنها فرقی که بین سوخته و جراتال وجود دارد این است که هرگاه جراتال یک شمی سنگین را بلند می کند به سروصدای افتد، اما سوخته وقتی زبرد و خم می گیرد و حریفان سه رقی (صد کیلو بیالا) را بلند می کند اصلا صدایش در نمی آید. خیلی راحت!

اسکندر سپس اضافه کرد: «سوخته خیلی آماده و سر حال است اگر به خواست خدا تا المپیک مونترال آسیب نبیند و مریض نشود، بطور قطع روی سکوی قهرمانی خواهد رفت. این را من تمهید می کنم. یعنی نه برای مدال برنز، بلکه به مدال طلا و نقره فکر می کنم.

در عکس جوادی، سوخته سرایی را به تحرك بیشتر تشویق می کند. دست در پشت سوخته سرایی نهاده و او را به وسط تشک هدایت می کند. در سمت راست عکس اسکندر رقیلابی آماده زور آزمایی است.

دست اسلامی دیگر خوب نمیشود

کاظم گیلان پور

انسان بال یک مرغ راهم به این آسانی نمیدود که بازوی این قهرمان را دریدند



دست راست اسلامی
به این حال مانده
..... و از این مقدار
بالا تر نمیرود.



و قهرمانی برایش مطرح نیست. فقط ششماه یک دوره فیزیوتراپی را برای او تجویز کرده اند که اگر روسای اداره اش اجازه بدهند و فدراسیون هم هزینه اش را بپذیرد، اینجا بماند و این دوره را بگذراند دستش خوب نمیشود به گریه افتاد و همه را سخت متاثر کرد. پروفیسور مارکوت هم برلستی انسان ستودنی است او برای ما مدت ها صحبت کرد و از حال و احوال و وضع بیمه اسلامی پرسید و به اطلاع او رسید که قهرمان کشتی ایران بهزین شخص رئیس فدراسیون کشتی ایران برای معالجه به مونیخ اعزام شده و این نظر تحسین حاضران را جلب کرد.

عباسی البته دنباله صحبت را رها نکرد و بعد از شش ماهی تعریف از نجابت و اخلاق و رفتار اسلامی، بحث را بجای های دیگر کشاند که اگر عمری باقی بود قسمتهای جانب آن را هم ببینیم.

شوند و تبادل نظر شد و متأسفانه نظری که دادند موجب تأسف شد و دلم را پر درد کرد زیرا هرگونه معالجه را بی نتیجه اعلام کردند.

من باز هم عجز و لایه کردم آنها صورت جلسه و پرونده اسلامی را نزد پروفیسور مارکوت رئیس بخش جراحی مغز و اعصاب دانشگاه مونیخ فرستادند و این استاد بزرگوار ما را به دانشگاه دعوت کرد و مدتی از وقت گرانهای خود را با ما داد. در این دیدار دکتر محمد دیلمقانی پزشک ایرانی رشته کالبدشکافی نیز همراه ما بود که کمک زیادی بنا کرد.

دکتر مارکوت پس از مطالعه دقیق پرونده به پروفیسور لشیانز ماسوریت داده بود که از دست اسلامی آزمایش دقیقی بعمل آورد و بعد از رسیدن گزارش او در دفتر کار خود با دعوت از چهار استاد دیگر، یک جلسه مشاوره پزشکی مجدد تشکیل داده حضور داشت و خلاصه مطالبی که بما

گفت اینست که عمل جراحی روی این دست شتابزده بود و متأسفانه فیلمهای راد یوگرافی هم خوب تهیه نشده که نوع آسیب دیدگی واقعی را مشخص سازد و فقط یک قطعه آن تا اندازه ای خوبست. این جراحی در واقع یک ریسک بزرگ بوده و نه تنها به قشر پلگوسوس پراخیالیس، بلکه به سه عصب اولتاریس، و رادیالیس و مدیانوس - که اعصاب اصلی دست و انگشت و کف دست هستند - صدمه رسیده است. اگر یکی از این اعصاب صدمه دیده بود میشد آنرا به دو عصب دیگر پیوند زد و چسباند اما چون هر سه صدمه دیده اند دیگر کاری از دست کسی بر نمی آید و باید منتظر گشادشت زبسان

شد، شاید با تمرین های سبک و مستمر بهبود مختصری حاصل گردد. پروفیسور مارکوت با لهجه خیلی محکم اینطور ختم کرد: «باین ترتیب من بهیچ پزشک جراح اجازه عمل مجدد نمیدم». عباسی دستش را روی پیشانی اش - گذارد و آهسته زمزمه میکند: «متأسفانه دیگر دست اسلامی خوب نمیشود و دیگر کشتی گرفتن بصورت شرکت در مسابقات

یوگسلاوی و بلغارستان و ترکیه و بعد از آن در کمرک بازرگان بر او آن گذرد که برسد ها و هزارها گذشته تا آنجا که بعضی آنها را در آخر خط ندیده ایم. اما معلوم شد که آقا را از طرف فدراسیون کشتی ایران فرستاده اند نزد عباسی که در مونیخ دستش را معالجه کند.

در حدود ۲ ماه پیش دست راست اسلامی ضمن تمرین آسیب می بیند و به استخوان ترقوه راست (کلاویکول) او صدمه می وارد میشود و خلاصه پنج ماه بعد دست او را در تهران عمل میکنند و در جریان عمل جراحی اعصاب دستش لطمه می بیند و حالا که دستش بحال نیمه فلج در آمده فرستاده اند مونیخ تا پزشکان آلمانی معجز کنند!

عباسی از جریان اسلامی خیلی ناراحت است و در حالیه که از خشم کف بر سر ران آورده نرسد یاد میزند:

«آخه، چرا باید عمل کنی؟ چرا باید با آینده این آدمها این جور بازی کنی؟ نه جلسه ای، نه مشورتی، نه مراقبتی همین جور چاقو دست میگیرن و میافتن بچون بنده های خدا»

بعد اضافه میکند: «آقا اینجا بردیم بیش بهترین پروفیسورها بنام دکتر بوخیون. او که یک استاد بزرگست تشخیص اولیه را داد اما روی آن صحنه نگذاشت بلکه سوکول به نظر چند کاشناس دیگر کرد مثل پروفیسور یوه لشتیل استاد رشته اعصاب در دانشگاه مونیخ. او هم حاضر نشد به تهائی تصمیمی بگیرد و یک مشاوره پزشکی با شرکت پنج پروفیسور و یک دکتر ترتیب داد که ریاست جلسه را پروفیسور بوخیون، بعهده داشت.» - خوب نتیجه چی شد؟

* هیچی آقا این جلسه بدنبال یک دوره آزمایش های مقدماتی مثل آزمایش خون، تهیه مخنی مغز، تهیه مخنی عضلات و اعصاب تشکیل شد (عباسی اصطلاحات آلمانی این آزمایش ها را هم با یک ته لهجه تیریزی چاشنی صحبت هایش میکرد که مخلص فارسی آنها را هم درست نمیفهم چه رسد به آلمانی!) عباسی ادامه میدهد:

* آقا در تهران که عمل کردند کدام یک از این آزمایش ها را کردند. مکه دست و پای انسان، بال و لنگ مرغست که انسان همینجوری بیفتد به جوشن؟ آخه با این یک قهرمان مسلکته.

- بالاخره تصمیم گرفته اند عمل کنند؟
* در آن جلسه مشورتی یکساعت گفت و

این رحیم عباسی هم دریائی است، راستش نمیدانم چه جور دریائی، اما اینقدر میدانم که اگر کمی غفلت کنی غرق میشوی. ماشاءالله عاشق رلستین ورزش است و بسا وجدستی که از او گذشته و گرفتاریهای فراوان شغلی که دارد. همین که کسی را پیدا میکند که میتواند با او صحبت کند کار و کسب را کنار میکذارد، درستی مغزهای شما را بیک قهوه ترک میهمان میکند و آنقدر میگوید و میگوید که تو هر کار لازم و هر چه وعده ملاقات داری، باید فراموش کنی مگر اینکه پیش از موجود جذب شدن، حرکت شدیدی بخود بدهی و برهی. خوب هم میگوید و راست و عمیق هم می گوید، ماشاءالله مغزش معدن سابقه و اطلاعات راجع ب ورزش است و معلوم میشود آن پرونده های متعددی که فکر میکنی مربوط به تجارت و کسب و کارش هست مربوط ب ورزش است چون هر چند قبیله مثل ببر میجهد و یکی از آنها را میاورد و تند تند ورق میزند و برکی بعنوان مدرک رو میسکند و تو فکر میکنی که آنهمه چیزها که می بینی بقول معروف دکور است تجارتنی در کار نیست صادرات - واردات الکترو پارس بهانه است و هر چه هست ورزش است!

در چند سفر که به مونیخ کرده بودم نتوانسته بودم به شماره ۱۳ خیابان کوتاه بروم و این عشاق با کباب و ورزش را ملاقات کنم، در حالی که همه ورزشکاران جوانان و غیر ورزشکارانی که به این شهر رفته اند، لااقل برای خرید تلویزیون رنگی و ضبط - صوت و زراد بود و دیگر وسائل الکتریکی هم که شده حتما چندین بار به او سر زده اند و اغلب از صحبت ها و کارهای هیجانی جوانمردانه اش تعریف میکنند. من برای این چیزها نزدش نرفته بودم چون شکر خدا از چند سال پیش یک تلویزیون سیاهوسفید برای بچه ها دارم و همان مارا پس و شاید هم زیاد. زیرا خوب آموزی کمتر دارد و بد آموزی بیشتر که بدآزوبنیا و واقعیت های زندگی میدانند و دیدن آنها را مواجه با این واقعیت ها و میدانن چرا برای مواجهه بسا واقعیت های خوب اینقدر ساجت نمیشود؟ بهرحال از این بحث بگذریم رفته بودم این همکار قدیمی و فعال را ببینم.

با کمال تعجب علی اصغر اسلامی را در مغزهایش دیدم که حالتی فکور و دردم داشت.

اول بحث با کار او شروع شد. فکر کردم آنجا آمده که تلویزیونی بخرد و بنزی و به سمت ایران بدال گاز را فشار دهد تا در راه

حادثه بازگشت

کوواکس ریمز پیروزی تیم خود را در دیدار رفت روی بایر مونیخ گفته بود و اینکه به شرح جریانات مربوط به دیدار بازگشت این تیم آلمانی می‌پردازد.

بعد از پیروزی... در دیدار رفت، دیدار برگشت جنبه تشریفاتی یافته بود ولی این تشریفات همراه با حادثه‌شد که یوهان کروئف بدید آورد و گفتنی است.

یوهان پیش از حرکت بسوی مونیخ آسیب دیده بود و مشخص پزشک شخصی خود بر آن شد تا آزا کس را در سفر مونیخ همراهی نکند و ما را از این فکر خود بویسبه تلقین در فرودگاه مونیخ هنگام پرواز آگاه نمود. آتش خشم رهبران در قبال تصمیم کروئف چنان شعله کشید که میخواستند ولو برای عبرت سایرین در همان فرودگاه جلسه ترتیب داده بازینک خاطی را بشدت تنبیه کنند. بازینکان نیز که از سوی بهترین بازخویش بی‌مهری دیده احساس تنهایی میکردند خشمگین بودند و هنگامیکه میرفت تا جلسه زیر پرچم خشم تشکیل شود من گفتم هر نوع تصمیمی که اتخاذ شود در این حالت بخصوص درست نیست بویزه آنکه مهم حاضر نیست تا از خود دفاع کند و ما نیز هنوز چگونگی را نمیدانیم بهتر است تا بازگشت صبر کنیم بعد از مطالعه شرایط و شنیدن دلایل کروئف تصمیم بگیریم. گفته من آتش خشم را فرو نشاند و مسافره آرامی آغاز شد.

در بازگشت کروئف جلسه هیئت مدیره آمد و گفت: دیدار در مونیخ تشریفاتی بیش نبود اگر من به مونیخ سفر میکردم و ناچار میشدم با یک آمپول روانه میدان شوم مسلماً شما تا فینال دیگر مرا سالم نمی‌یافتید. نظرات پزشک خصوصی او نیز مورد تأیید پزشک باشگاه قرار گرفت و همگان کروئف را محق دانستند و هیچ تنبیهی برای او در نظر نگرفتند.

از دیدار بازگشت به بایر مونیخ خاطرات زیادی ندارم جز آنکه ما ۲ بر یک باختیم و بایر مونیخ را حذف کردیم.

این مسابقه‌ای بود که در آن تکنیک و دیگر اصول بازی تحت تأثیر احساسات آلمانی‌ها قرار گرفته بود و بازیکنان فقط میخواستند آزا کس را شکست دهند و در این راه نتیجه برای آنان مهم نبود.

رئیس باشگاه بایر مونیخ بایزینکان وعده کرده بود که در برابر پیروزی بهر یک ۵ هزار تومان خواهد داد در حالیکه پاداش بازیکنان آزا کس در مجموع دو مسابقه برای بایر مونیخ ۱۲ هزار تومان بود.

نبرد در دو وجه

۳ روز پیش از دیدار بازگشت با بایر مونیخ مسابقات دیداری سخت در پیش داشتیم که این می‌توانست به قیمت از دست رفتن عنوان قهرمانی باشگاهها باشد. حریف ما، رقیب بزرگ ما فاینورد بود. یکشنبه با فاینورد در دیدار سر نوشت قهرمانی باشگاهها و چهارشنبه با بایر مونیخ در دیدار جام باشگاههای اروپا یعنی یک هفته و دوسر نوشت بزرگ.

و آزا کس در هر دو وجه پیروز گشت. اتفاقاً پیش از دیدار با رئسال سادرسد در نیمه نهایی جام باشگاههای اروپا نیز دو دیدار دشوار در قهرمانی باشگاههای هلند داشتیم که با ثنوتت و لاهه صورت میگرفت و شکست در این دوسابقه با برتری را در میدان رقابت داد. بدلی پست فاینورد می‌سپرد و شکست در برابر رئال ما را از حضور جام باشگاههای اروپا محروم میکرد. در هلند مانند انگلستان و آلمان و برعکس فرانسه و ایتالیا و اسپانیا به نماینده خویش در جام باشگاههای اروپا رجم نمیکند و هرگز برنامه قهرمانی باشگاهها را بغاظر جام باشگاههای اروپا بر هم نمی‌زنند و چنین بود که آزا کس مجبور بود یکشنبه با حریف بزرگ داخلی و چهارشنبه با حریف بزرگ خارجی دیدار کند.

دیدار رفت با رئال مادرید در استرداد بدون مانعی

تا دقیقه ۸۵ جریان یافت و ۲ بر صفر به سود ما بود تا آنکه بازی بد ما در ۵ دقیقه آخر به رئال مکار اجازه داد تا پیروزی ۲ بر صفر ما را به ۲ بر یک مبدل کند و تمام نگرانی‌های دنیا را روانه اردوی ما سازد: یک گل در خانه حریف دو گل حساب میشود و اگر رئال در خانه خود یک بر صفر هم پیروز میشد حساب ما بایک میشد.

همه می‌گفتند ما در مادرید بایک گل برتری چه خواهیم کرد؟ وضعیت روحی چنان بود که بازیکنان را نیز تا امید ساخته بود. درست مانند پیش از سفر به لیسبون و لندن برای ملاقات بنفیکا و ارسنال. ما میرقیم تا پیش از رسیدن به مادرید شکست بخوریم و این بدترین شرایط روحی برای یک تیم است.

جنگ روانی

مادرید بزرگ، رئال بزرگ و ورزشگاه سانتیاگو برنا بوهم انگیز است. توشه راه ما در این سفر یک گل کویک و پانچ ما محرومیت بیت کی‌زر از دیدار با رئال مادرید بود.

سرعتی که در اتخاذ تصمیم برای محرومیت کی‌زر از سوی اتحادیه فوتبال اروپا بکار رفت نگران کننده بود. و این تصور را پیش می‌آورد که آیا خبرهای دیگری نخواهد شد؟

کار عظیم من پیروزی در جنگ روانی بود و کار کوچک حل چند مسئله تاکتیکی.

در زمینه کار روانی چندان کوشیدم تا اینکه دانستم آزا کس دستکم پیش از مسابقه تیاخته است و در مورد حل مسائل تاکتیکی کار روی دیوار دفاعی در برابر ضربه‌های آزاد وقت زیادی گرفت.

مسئله مهم دیگر بازی میان میدان رئال مادرید بود که می‌بایست این بازی را نابودی می‌کردیم. هافبکهای رئال روان وحیله‌گرد بودند ولی شعاع عملشان بزرگ نبود و به پاس‌های کوتاه و بی‌دری در شعاع کوچک اقدام میکردند. ما برای مسموم ساختن این بازی برعکس رئال عمل کردیم. بعضی آنکه صاحب توپ میشدیم خط میانی ما در چهار گوشه زمین پراکنده میشد و پاسهای بلند و حرکت طولانی با توپ موجب پراکنده‌گی هافبک‌های مادریدی میشد و چون اینان پراکنده میشدند، دیگر نمی‌توانستند روی عادت خویش عمل کنند و حداکثر ارزش‌های خویش را بروز دهند.

مسئله آرایش نیز مطرح بود. آزا کس عادت دارد بهنگام دیدارهای بزرگ خارجی تمام بازیکنان خویش را نه بازی نمی‌کنند و آسیب دیده‌اند، همراه بر دو کی‌زر محروم شده‌ما با تمام خشم آنجا بود.

روزنامه‌ها نصیحت کرده بودند که بجای کی‌زر از شیلبر بازینک نیرومند اطریشی خویش استفاده کنم ولی من ارتولدسورن جوان را برتر دانستم.

زمانیکه پرسیدند: چگونه بازیکنی به این جوانی و ظریفی را در تیم جای میدهی؟ گفتم من با استفاده از ارتولدسورن در میدان رئال ۲ بازیکن خواهم داشت. زیرگردسورن برادر بزرگش پیش از وجود خویش خواهد کوشید و هوشوف دوست گریز پیش از معمول خود خواهد بود. بنابراین، اضافه تلاش این دو، برای آزا کس یک بازیکن اضافی خواهد ساخت.

نصیحت پیش از دیدار

پیش از مسابقه به بازیکنان گفتم: شما بدرستی وسزوارانه رئال مادرید را بزرگ تشخیص داده و ارزش فراوان برای آن قائل شده‌اید. این تیم در خانه خویش حیثیتی بی‌پایان دارد. پس شما باید رفتاری در این سطح داشته باشید. هلیونهورا پیش‌بینی کرده‌وبه روزنامه‌ها گفته است که پیروزی از آن رئال مادرید است. به او نشان دهید که شما لایق حضور و بازی در ورزشگاه



دومین جام اروپا برای استافان کوواکس که در واقع سومین جام برای آزا کس است. آزا کس از بلگراد برمیگردد. کوواکس و تیمش در این مسابقه جوئوس را شکست دادند و در میان استقبال پرشور هلندی‌ها به آستردام بازگشتند.

معروف و عظیمی هستند که به آن کام نهاده‌اید.

آزا کس بدون کی‌زر و با وجود موهن کوچک چنان باوقار و بزرگ بازی کرد که ورزشگاه بزرگ را به تحسین و تأیید وادار کرد. من در جریان بازی هرگز نگران نشدم و پیروزی ۱ بر صفر آزا کس را طبیعی‌ترین نتیجه این دیدار دانستم.

فینال در بلگراد

عبور از سه بایر مونیخ رئال مادرید را پیش آورد و عبور از این یکی آزا کس را با جوئوس قهرمان ایتالیا روبرو ساخت که این تیم هم از بزرگان و سخت کوشان است.

ما این اقبال را داشتیم که در برابر جوئوس از تمام سرمایه خویش استفاده می‌کردیم و بصورت کامل روانه میدان بلگراد می‌شدیم. اطلاعات من از بازی جوئوس کامل بود زیرا پیش از حرکت بسوی فینال یک سری جوان تروک که آمده بود تا چند روز در آستردام باشد مرا ملاقات کرد. او پیش از رسیدن به آستردام شاهد دیدار نیمه‌نهایی بین جوئوس و داری کانتی بوده است. او برای من یک گزارش مدلل از دیدار نیمه‌نهایی جوئوس آورده بود که آترا عالی دانسته و بعنوان پایه اصلی اطلاعات خود حفظ کردم - این گزارش شامل قیافه انسانی بازی هر دو تیم نیز بود. سپس «هنگروت» را بمناسبت درگیری‌ام با دوسابقه قهرمانی باشگاهها به ایتالیا فرستادم و انجام خود در آخرین فرصت به رم سفر کردم تا شاهد آخرین دیدار قهرمانی باشگاههای ایتالیا باشم و جوئوس را در برابر رم تماشا کنم که در آخرین دقیقه بازی دروازه میزبان را می‌گشاید و درعین حال قهرمان تازه ایتالیا می‌شود.

دربازگشت به آستردام تمام اطلاعات را با یکدیگر درآمیختم و یک تصویر دقیق از حریف خویش برداختم که در آن همه چیز بروشنی دیده میشد. سپس با همراهی تیم ارتش هلند بیک آزاباش دست زدم. در این آزاباش از تیم ارتش هلند خواسته تا درست همان بقیه در صفحه ۳۴

این هم صحنه‌یی از آخرین مسابقات فصل به پایان رسیده فوتبال انگلستان است. دیویدوب (چپ) از کونینز بارک زنجرز باضربه سرتوپ را به درون دروازه منچستر سیتی زده و تیمش را به پیروزی رسانده است. جو کوریگان دروازه‌بان سیتی مغلوب نشان می‌دهد.

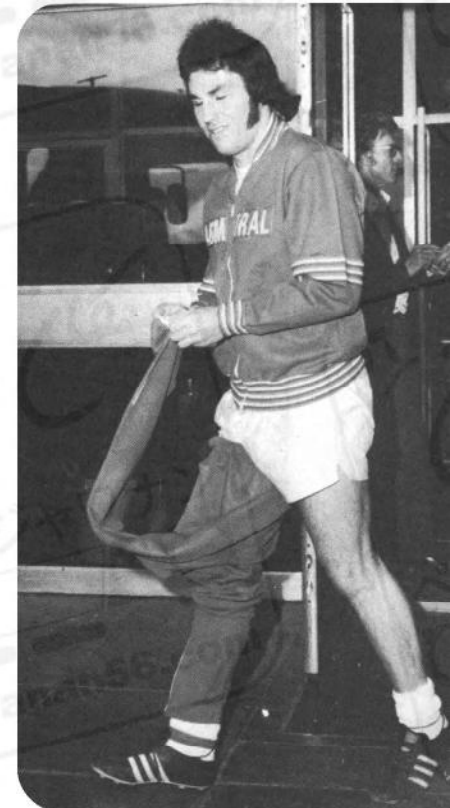
فوتبال مصور



↑ امیلین هیوز کاپیتن تیم لیورپول انگلستان جام قهرمانی یوفا را برسر دست گرفته است. جام یوفا تنها جام اروپایی است که در دوره نهائی آن نیز بطور رفت و برگشت انجام میشود ولیورپول با دو پیروزی بر تیم بروکسل بلژیک به این جام دست یافت.



جری فرانسیس کاپیتن تیم ملی انگلستان، در حال ترک هتل پست‌هاوس در فرودگاه هیترو لندن است تا به تمرین قبل از حرکت به آمریکا برسد. او تیمش به آمریکا رفتند تا در جام «دوستان سال استقلال» آمریکا شرکت کنند.

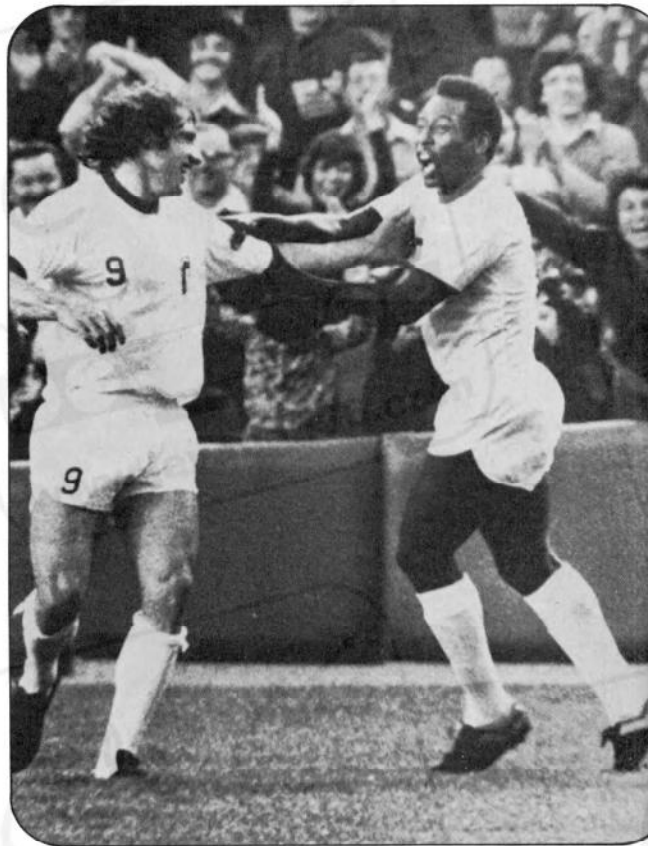


↑ دان گیونز مهاجم تیم کونینز بارک زنجرز در حالت تعقیب به عقب برگشته است ولی نمیتواند پاس. به عقب برای دروازه‌بان منچستر سیتی را توسط مایک اویل (راست) در بین راه برآید.



➔ این دو ستارگان دیروز فوتبال و عضو امروز تیم مجموعه ستارگان آمریکا هستند که در جام دویستمین سال استقلال آمریکا برابر برزیل ، ایتالیا ، انگلستان بازی میکنند . سمت راست همانی است که همه میشناسید ، پدله سلطان فوتبال برزیل و سمت چپی را بی تردید با تاش آشنائی کاسل دارید . او جنوویو کینالیا غول فوتبال ایتالیا است .

این صحنه بی از مسابقه برگشت دو تیم لیورپول و بروکسل در ورزشگاه المپیا بروکسل است . کوین کیکان (راست) بازیکن برکزیفه فوتبال سال بریتانیا با این شلیک جالب گل اول تیمش را به ثمر رساند . دیوار دفاعی تیم حریف مشکلی را حل نکرد .



➔ در مسابقات فوتبال جام کشورهای بریتانیائی تیم ملی انگلستان دو بر یک تیم ملی ویلز را در خاک حریف شکست داد اما شکست با همین نتیجه برابر اسکاتلند ، پیروز را فهرمان و انگلستان را دوم کرد . در این تصویر ری کلینس دروازه بان تیم ملی انگلستان ، ضربه آرفون گرینتیس بازیکن تیم ملی ویلز را مهار کرده است .

➔ کوردون هیل گلزن جوان تیم منچستر یونایتد توپ را به سمت گل زده و دروازه بان میدلزبرو ، پلات را مغلوب کرده است اما کراکس (راست) مدافع تیم میدلزبرو در حال آمدن به سمت توپ و لمس آن بادست است تا یک پنالتی به منچستر یونایتد بدهد . یونایتد در این مسابقه سه بر صفر پیروز شد .

عروسی - ضیافت برادران رسولی

(کمترین های معروف) آماده برای برگزاری

جشن عروسی و هرگونه ضیافت ۶۴۵۴۲۶

مالزی در جام ملت ها

شرکت میکند

کوالا لاسپور، خبرگزاری فرانسه -
خبرگزاری ملی برنابا (مالزی) گزارش داد که مالزی در مرحله نهایی جام فویتال ملت های آسیا در تهران شرکت خواهد کرد.

خبرگزاری اعلام کرد که این تصمیم توسط شورای اتحادیه فوتبال مالزی (فام) طی یک جلسه اخذ شد و تصمیم قبلی کمیته اضطراری فام را که دوشنبه ۲۷ اردیبهشت گرفت بی تاثیر ساخت.

در جلسه اضطراری که توسط هارون ادریس نائب رئیس فام و دیگر اعضا تشکیل گردید تصمیم بر عدم شرکت مالزی گرفته شد در حالیکه حمزه ابوصلاح و معاونش تونکو احمد رسالدهین خارج از مالزی به سر میبردند.

کمیته اضطراری احساس کرد که بهتر است مالزی در جام ملت ها شرکت نکند زیرا بعد از سفر تیم ملی به کشورهای چین و جمهوری دموکراتیک خلق کره اکثر بازیکنان مصدوم شدند.

حمزه ابوصلاح بعد از جلسه سه ساعت و نیمه شورا گفت:
«برای ما مطرح نیست که در جام چه خواهیم کرد بلکه مهم شرکت است»
اوافزود:

«جام ملت ها یکی از وقایع مهم سازمان یافته توسط کنفدراسیون فوتبال آسیا است و ما نمی توانیم به عنوان یک عضو پایه گذار باید از کنفدراسیون فوتبال آسیا حمایت کنیم. من بیل ندارم شاهد مرگ هفتصد تن در دوره جام ملت های آسیا بهمانند جام باشگاه های این قاره باشیم.»
اتحادیه فوتبال مالزی تصمیم اخیر خود را به سرعت به کنفدراسیون فوتبال ایران تلگراف کرد.

گالیز با چشم بسته

عنوانش را حفظ کرد

زوهانسورک - ویکتور گالیز قهرمان نیم سنگین اتحادیه مشت زنی جهان از آرژانتین با حالت نیمه کورو درمالی که خون از شکاف ابرویش سرریخت، به نحو حماسه - گونه ای در آخرین نایب های مسابقه رنجی کیتس سیاه آمریکائی را از پای درآورد و عنوان قهرمانی اش را حفظ کرد.

این پنجمین دفاع موفقیت آمیز گالیز بود و در عین حال، سخت ترین آنها. زیرا از دور سوم با وضعی که برای او پیش آمده بود، کارش ساخته به نظر می رسید.

دراثر برخورد سر دو مشت زن ابروی راست مشت زن جسور و شجاع آرژانتینی شکافته شد و خون به طرف قاضی ها و روزنامه نگاران اطراف صحنه پاشید.

روبرتو دوران همچنان قهرمان ماند

پنسیلوانیا - روبرتو دوران مشت زن بانامائی و قهرمان سبک وزن اتحادیه مشت زنی جهان در دور چهاردهم برتری از روبرتو دوران از برلین را شکست داد. این اولین شکست حرفه ای روبرتو بود.

تنگنور



از تمام داوطلبان امتحان تست توسط ماشینهای I.B.M. بعمل خواهد آمد

داوطلبان ازهرنقطه ایران میتوانند مبلغ ۱۵۰۰ ریال را بحساب جاری ۳۳۳ بانک صادرات مقابل دانشگاه تهران وارز و فیش بانکی را همراه یک قطعه عکس و قیوبین گروه انتخابی و آدرس و مشخصات کامل خود جهت تشکیل پرونده به پست سفارشی به نشانی مرکز سازمان،

خیابان شاهرضا مقابل دانشگاه تهران ساختمان ظرو فچی شماره ۲۷۸ ارسال دارند.

یکان با سابقه ترین مرکز آموزش مکاتبه ای در ایران



در مسابقات
بین المللی تهران،

کاراته بازان ایرانی سه مدال گرفتند

اتحاد ، شاهپور علی آبادی ، منوچهر
اصلانیان ، کبرپور بهرامی ، علی خاویاری ،
علی زنگنه ، علی احسانی ، محی و علی
بهرینی . نشسته از راست : محمدطباطبائی ،
مرتضی البرزی ، رامین بهنام ، اکبر محمدی ،
شهرام معصومی ، محمد هراتی ، بهرام
تبرانی و محمد توحیدی .

استاد از راست : فرهاد و ارسته (رئیس
فدراسیون کاراته ایران) ، فرخ مشفق ،
جمشید سلمی ، یوسف شیرزاد ، هوشنگ

برگزار شد با درخششی چشمگیر شگفتی
آفرینند و صاحب یک مدال طلا و دو مدال
برنزی شدند .

تیم کاراته ایران در مسابقه های
بین المللی کاراته تهران - کد با شرکت
۱۳ کشور اروپائی در ورزشگاه آزادی



«انجمن موتورسواران ایران» وابسته به سازمان تربیت بدنی ایران اولین مسابقه رسمی موتو سیکلت رانی «کراس» را برگزار مینماید .

اولین مسابقه رسمی موتو سیکلت رانی کراس در سه کلاس ۱۲۵ - ۲۵۰ و ۴۰۰ در محل استادیوم موتورسواری واقع در تپه های شمالی شهران (کوی کن) در روز جمعه چهاردهم خردادماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی در ساعت ۹ صبح برگزار میشود .

شرکت کنندگان می توانند جهت ثبت نام تا پایان وقت اداری روز پنجشنبه ششم خردادماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی به دفتر مشترک فدراسیون ها واقع در خیابان سپهبدزاهدی دفتر انجمن موتورسواران ایران مراجعه نمایند . تلفن ۴۸ داخلی ۳-۸۲۹۲۳۱

مدارک مورد نیاز :

- ۱- دو قطعه عکس ۴ × ۶
 - ۲- یک برگ فتوکپی شناسنامه
 - ۳- رضایت ولی در صورت صغرسن
- ضمناً پیست مسابقه در روز های شنبه هشتم خرداد لغایت چهارشنبه دوازدهم خردادماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی جهت آشنائی و تمرین شرکت کنندگان زیر نظر مربیان و مسئولان مربوط آماده می باشد :

دفتر مشترک فدراسیونها واقع در خیابان سپهبد زاهدی
دفتر انجمن موتورسواران ایران

فروش بلیط : در محل استادیوم

باشگاه ورزشی - به قهوه خانه تبدیل شد!

بخش عباس آباد شهسوار ساها یک باشگاه ورزشی داشت که کشتی گران خوبی تربیت میکرد و رزنی نبود که مسابقات برای جوانان علاقمند به کشتی انجام نگیرد ولی تقریباً دو سال است که این باشگاه به قهوه خانه تبدیل شده است و کشتی گران کوچک و بزرگ ناپدید شده اند و گروه کمی که باقی مانده اند در قهوه خانه بخش با دودقلبان سر می کنند و کشتی را فراموش کرده اند.

تعطیل باشگاه کار درستی نبود و با اینکه این تغییر و تبدیل ضربه بزرگی به ورزش کشتی ما زده است، اما به اعتقاد من هنوز هم دیر نیست و شهرداری بخش می تواند در راه ساختن یک باشگاه ورزشی بکوشد. بحدائقه زمین برای ایجاد باشگاه فراوان است و تنها با کمی همت و تسویحه میتوان به انجام این امر خیر کمک کرد و بیش از این اجازه نداد که جوانان شاداب بخش به بیراهه بروند.

عباس آباد شهسوار - غفار عباس پور

«اصغر مولر» جای دیگران را گرفته

پرویز قلیچ خانی نیرو و آن بازیکن معروف محلات تبریز را که گارنیک ویبانی بدنیاش هستند فراموش کنید. حالا در فوتبال فسا یک کردوسر دیگر پیدا شده که تنها شباهتی که با مولر دارد ران های کلفت و کله گرد است ولی چون او را اصغر مولر صدا میکنند باد به غیغب انداخته و خود را اوقا گلزن بزرگ میدانند. اما در زمین فوتبال تنها زمانی میتواند گل بزند که هیچکس نباشد و دوتیم برای استراحت به رختکن رفته باشند!

منظور من از ذکر این مطلب گفتن این واقعیت است که در شهرستانها سربازان دیمی بازیکنان را روی حقایق انتخاب میکنند و هر کس با رتی قوی تر است و با دید سری را دید بلافاصله در آرایش تیم جا بگیرد و چنین است که فوتبال هیچگاه در شهرهای کوچک رونق پیدا نمی کند. نمونه اش همین اصغر مولر کذافی فوتبال فسا است که چند سال است در نوک حمله تیم منتخب شهر جای جوانان زنده را گرفته و کسی نیست باو بگوید پس کلهای تو کجاست که مانی بیتم؟!

فسا به ما میماند! ما هم بلدیم گل بخوریم!

جام حدی هم شروع شد اما نمی ار فوتبال بوشهر به جام راه نیافت و بار دیگر بوشهریها از یک صحنه فوتبال داخلی دور ماندند. از هر زاویه ای باین تصمیم خیری نگاه کنیم، سببش به قدرسیون فوتبال تا سر حد امکان میکوشد که از ورود تیم بوشهر به مسابقات مختلف جلوگیری کند و هرگز این فرصت را بمانده که تیمی روانه میدان کنیم. ما بوشهریها حتی اگر دست و پای

شکسته در گل داشته باشیم باز آنقدر نیرو و توان داریم که به تهران و امدیه بایتم و ۱۲ گل نخوریم! و اگر حمل بر خود خواهی و غرور نباشد، شاید این اعتراف جایز است که فوتبال بوشهر نمیتوانست فاتح شهزادهم باشد و سر بلند و پیروز میدان را ترک کند. اما اگر موضوع گل خوردن است، ما هم بلدیم گل بخوریم!

این را دیگر همه میدانند که فوتبال بوشهر از خیلی از تیمهای حاضر در جام حدی بهتر است اما عدم انتخاب این تیم دلایلی دارد که ذکر آنها در اینجا لازم نیست. **بوشهر بدون تیکوکار رایکوف! دل ما را خون مکن!**

مقاله کیهان ورزشی درباره (تاج به کجا میرود) باعث خوشحالی دوستداران فوتبال تاج شد زیرا در چند هفته اخیر با تغییراتی که رایکوف در تیم داد، روح نفوذی و میل به گل زدن در تیم تاج از بین رفت و اگر رایکوف با این روش ادامه دهد بدون تردید تیم بزرگ پایتخت از صدر بیزر خواهد آمد و تیمی معمولی و درجه دو خواهد شد.

شاید مربی تاج به بک گل زدن سپس در لاک دفاعی فرو رفتن اعتقاد داشته باشد ولی خطراتی که این تاکتیک دارد زیاد است و همانطور که در بعضی مسابقات دیدیم تاج همیشه موفق به ارائه این شیوه نیست و یکباره میبینی که تیم حریف با اسلحه تاج به میدان آمد و زودتر گل زد و بعد راه دروازه خود را بست.

بنابراین ما هم با نوشته شما موافقم و معتقدم که تمویض بعضی سهرها و از جمله گم کردن نظری در خط هافبک کار درستی است و رایکوف نباید بیش از این دل ما را خون کند. **سنان - محمد هادی مظلومی**

استعداد هست پیست دو میدانی نیست کیهان ورزشی تا کنون چند بار درباره وضع ورزش دو میدانی مطالبی نوشت و من در اینجا میخواهم توضیح بیشتری بدهم و از این ورزش عقب افتاده در مسجد سلیمان یاد کنم که روزگاری گل رسید ورزش شهر ما بوده و دوندگان با ارزشی به تیم ملی داده است که ذکر نام آنها ضروری نیست. تنها باید این را اضافه کرد که از چندی پیش یک دوره مسابقات دو میدانی برای جوانان ۱۲ تا ۱۵ ساله در مسجد سلیمان شروع شده که جنب و جوش در این ورزش بوجود آورده است.

بعنوان نمونه یک پسر بچه در پرسس طول رکورد ۵/۷/۵ متر را بست آورد که حد نصاب دلگرم کننده ای است و این گویای آنست که ادامه این برنامه و تشویق دوندگان جوان تا چه حد مسجد سلیمان را به اعتبار دیرینه نزدیک میکند. اما فقط این افسوس هنوز است که مسجد سلیمان پیست دو میدانی ندارد و بچه های دوندگانه در باره عرضه همه استعداد خود نیستند.

مسجد سلیمان - ایرج نظری

ورزش اجباری با دبیر انگلیسی

این روزها مرتباً صحبت از ورزش اجباری در مدارس است و خیلی ها روی منبر رفته اند که بچه ها باید در مدرسه ورزش کنند و جسم سالم داشته باشند. این نوع شعارها بقیه من کهنه شده است و وقتی آنها از اسباب افتاد خواهند دید که طرح ورزش اجباری هم فراموش شده است. دلیل بدبینی من کمبود مربی و امکانات دیگر ورزشی در مدارس مملکت ماست که اجازه عملی شدن طرح اجباری را حداقل برای پنج سال آینده نمی دهد و اگر هم این برنامه انجام گیرد نظم و تشکیلات درستی نخواهد داشت یک نمونه اش را ما در مدرسه خود داریم. مربی ورزش ما دبیر انگلیسی مدرسه است که بیش از ۵ سال دارد و ابا در خط و مایه ورزش نیست و هر وقت با او صحبت میکنم می گوید: زنگ ورزش برای من زنگ استراحت است و قرار من با مدیر مدرسه از اول این بود! خدا پدر این بابا را بیامرزد که با شجاعت این را میگوید. حالا باز هم بگویند ورزش مدارس اجباری خواهد شد. تبریز - دانش آموز مدرسه فرهنگ

نتیجه دستور استاندارد چه شد؟

اگر بخاطر داشته باشید بعد از بازی ذوب آهن و شهباز گروه زیادی از تماشاگران فوتبال اصفهان از گرانی بلیت انتقاد کردند و همین دلیل استاندار اصفهان یکی از روزنامه ها اطلاع داد که نرخ بلیت فوتبال افزایش نخواهد یافت و برپنای سابق بلیت های ۵۰ و ۱۰۰ ریالی فروخته خواهد شد ولی این موضوع در عمل چندان جدی نبود و در روز مسابقه سپاهان با تاج قیمت بلیت ها به ۱۰۰ و ۲۰۰ ریال رسید و در پاره ای اوقات نیز در بازار سیاه هر بلیت تا ۵۰۰ ریال خرید و فروش شد.

باین ترتیب باید سؤال کرد که مسئولان ورزشگاه باغ همایون و دوتیم اصفهان جام تخت جمشید چرا به دستور استاندار اصفهان توجه نکردند و چرا بار دیگر بلیط های فوتبال گران شده است. آیا در پشت پرده مسائلی وجود دارد که ما تماشاگران از آن بی خبریم؟ مگر نه این است که باز به با گرانفروشی ادامه دارد؟! اصفهان - محمد رضا بهشتی

تق داوری در بانکوک درآمد

مساله داوری در فوتبال ما هنوز یک مشکل لاینحل است که تلاشی جدی برای حل آن صورت نمی گیرد و فدراسیون فوتبال هم تنها بچند داوری باصطلاح بین المللی چسبیده است که مسابقات مهم را بین خوششان تقسیم کرده اند و اینطور بنظر میرسد که داوران جوان و تازه کار هنوز هم باید منتظر بمانند تا شاید از سرشانس فرصت خود نمائی پیدا کنند.

بانگاهی کوتاها بنام داوران جام تخت جمشید و بویژه بنام داوریانی که مسابقات بزرگ را قضاوت میکنند معلوم میشود که حق با منست و این گروه دران ریش و قیچی را بدست خود گرفته اند و نام تازه داوری جدیدی را به حریم خود راه نداده چندین برنامه غلط و اشتباهی باعث میشود که داوران نورچشمی خارج از خاک وطن با داوریهای آجنانی به اعتبار فوتبال ما لطمه بزنند. نمونه اش محمد صالحی است که دیدار تاج و پرسپولیس گل سردود پرسپولیس را قانونی اعلام کرد و چیک کسی در نیامد اما بعضی اینکه در بانکوک توپ اوت بازیکنان چینی را گل قبول کرد و تیم کویت را حذف نمود آن چنان جنجالی پراه افتاد که آن سرش ناپیدا بود. در حالیکه چنین وضعی قابل پیش بینی بود ولی ما تقی قضیه را در تیاوریم تا آن جناب دسته گل به آب داد. بندر ریگ - داود ولی زاده

مشت زنی در جنگل!

مستزنی از جمله ورزش های مورد علاقه جوانان لرستان است که متأسفانه با فقر امکانات دست بگریبان است و منجمه کمبود یک رینگ قانونی مشت زنی بچشم میخورد که گویا اخیراً برای خرید و نصب آن اقداماتی شده است. اینکه می گویم مشت زنی در بین جوانان لر ریشه گرفته و آن تر آ در بی آن هستند بی دلیل نیست زیرا شاهد بودم که در فصل امتحانات دوتین از مشت زنان ارزنده خرم - آباد بنامهای محمد سردانی و اسکندر کهزادی با بستن یک طناب بدو درخت تنومند بظا هر رینگ طبیعی ساختند و با هم تمرین کردند بنظر شما چنین عملی در زمان رسیدگی به شش و درس و امتحانات نشانه علاقمندی و توجه جوانان به مشت زنی نیست؟ همین کهزادی کسی است که بعدها ناصر علی بابائی و محمد اسیری و مشت زن خوب تهران را ناک اوت کرد و در مسابقات مشت زنی فهرمانی ایران آنقدر درخشش داشت که به اردوی تیم ملی دعوت شد. با این ترتیب چندر بچاست که مشت زنی لرستان تقویت شود و امکانات و وسایل مورد نیاز آن فراهم گردد.

خرم آباد - ارسلان چکنی

گفتار عزت شما

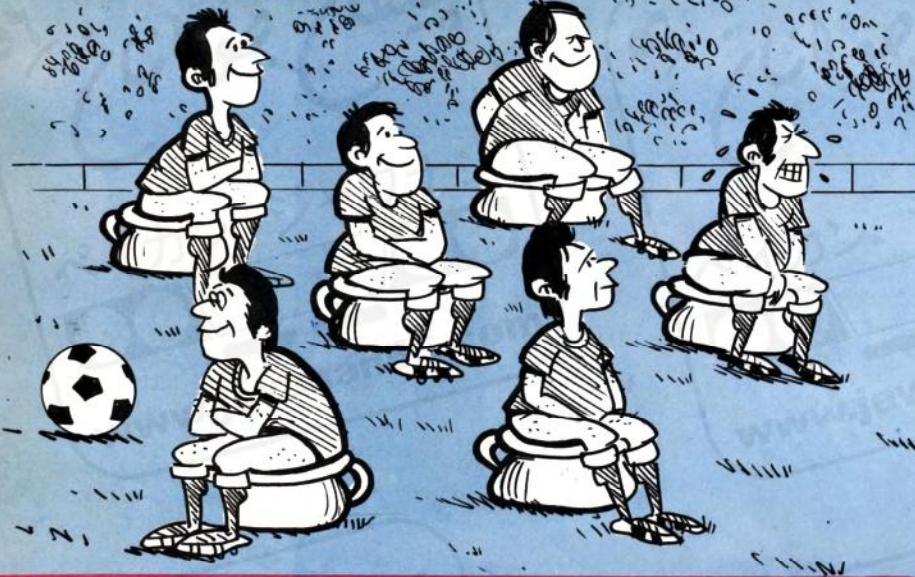
بالاخره فهمیدند!

در چند سال اخیر رقابت دو کشتی گیر خوب ما فرحوشی و خدر در وزن ۵۷ کیلو ادامه داشت و هرگاه این دو باهم روبرو شدند موج هیجان در نزد تماشاگران بالا گرفت. اما از یکسال پیش مکان وزن ۵۷ کیلو بست توانای خدر افتاد و فرحوشی تقریباً از دور رقابت خارج شد ولی پانزدهم فدراسیون و کمیته انتخابی کشتی ایران کمتر با این فکر افتاد که فرحوشی را از خدر جدا کرده و بیک وزن بالاتر بفرستند. این بی توجهی ضربه شدیدی بر کشتی ما بود و از سوی دیگر وزن ۷۴ کیلو ی ما را از داشتن بیک کشتی گیر نیرومند مانند فرحوشی محروم کرد.

اخیراً شنیدیم که فدراسیون باشتبه خود واقف شده و فرحوشی را بیک وزن بالاتر فرستاده تا با نفرات انتخابی این وزن جهت شرکت در المپیک سوئترال دست و پنجه نرم کند. این اقدام خوبی است ولی چندان بموقع نبوده و مطمئن نباید بود که فرحوشی بتواند در این مدت کوتاه بیک کشتی گیر قابل حساب و آرمانی برای ما در وزن ۷۴ کیلو بشود.

تهران - کیرنجفی

«بین دو نیمه»



کشیده میشود اما در باطن و با توجه به آمار بودجه هر فدراسیون و تقویت هر چه بیشتر فوتبال نمیتوان به این نوازشها اعتماد کرد. چرا که میبینیم مرتباً برای فوتبال برنامه و مسابقات بین المللی ترتیب داده میشود و روزنامهها و مجلات ورزشی نیز دو دستی به فوتبال چسبیده اند و بقیه ورزشها را فراموش کرده اند.

راه حل رفع این بن بست آنست که بیک تغییر جهت فوری در ورزش ایران پدید آید و تا دیر نشده طرز فکر مسئولان ورزش مملکت در توجه یکسان بهمهم ورزشها تغییر یابد.

تهران - علی شایسته
— اگر فوتبال هم فعالیتی نکند، مطمئن باشید که سایر رشته های ورزشی تکانی نخواهند خورد. آنها در هر شرایطی به راه خود میروند و کاری به کار دیگران ندارند.

فوتبال، فوتبال و باز هم فوتبال

فوتبال آنقدر در رگ و بی ورزش ما جا گرفته که بجای برای خود نمایی رشته های دیگر ورزش نیست و اگر همینطور تبلیغات و توجه به فوتبال دنبال شود دیری نخواهد گذشت ده ما فقط دارای ورزش فوتبال خواهیم بود و در چنین مرحله ای شعار تعبیر و تفسیر ورزش بی معنی و بیهوده خواهد شد.

این همه بدنبال فوتبال رفتن و تمرکز همه کارها در دایره فوتبال امری غیر قابل قبول است و دستگاه ورزش مملکت ما ندانسته برای میروند که عاقبت آن دردناک است و اگر چه ظاهراً ورزشهای دیگر مطرح هستند و دست نوازشی بر روی آنها

پوستت از ما

بوی المپیک آنها را از خواب بیدار کرد!

دشتمشان - سقراط مولی زاده
خیلی ها سوگند داوری میخورند اما گاهی بعضی عوامل پیش بینی نشده آنها را از اجرای عدالت دور می کند. عدالت یک چیز قراردادی نیست همان طور که سوگند داوری یک تشریفات همیشگی است. قانع شدید؟

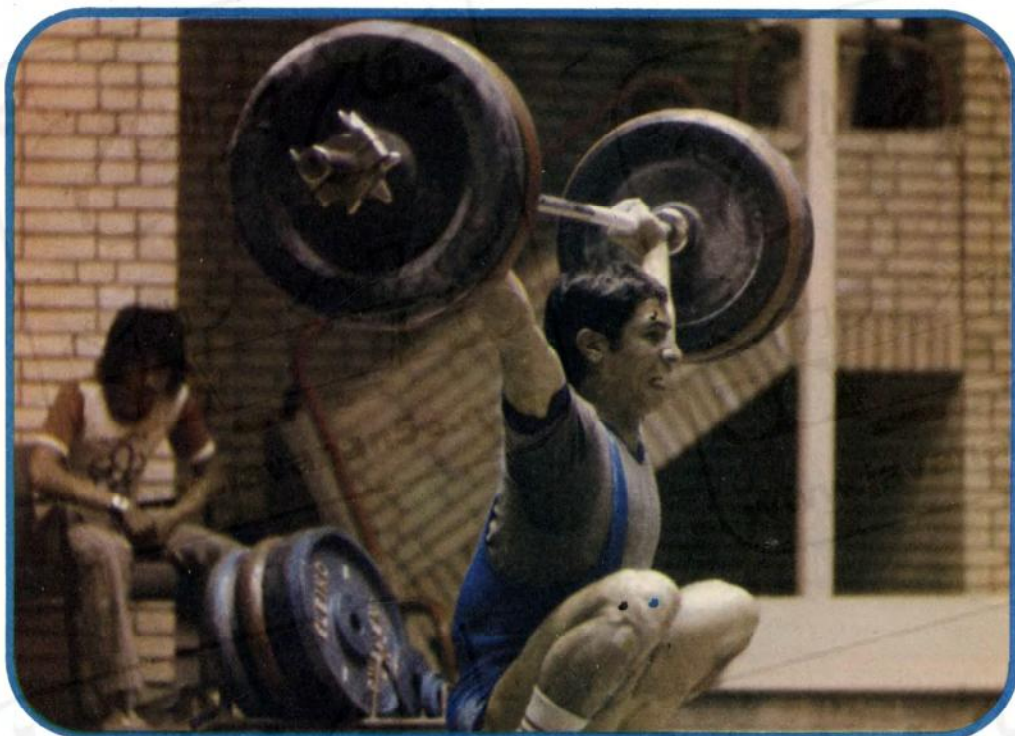
تبلیغات بک در زن آسی در همه کارهای دنیاست و ورزش بدون بیا همو، جنجال و سروصدا ارزشی ندارد و این البته بشرطی است که این برنامه در یک چار-چوب سالم و سازنده پیش برود و قصد تخریب روحیه و دادن شعارهای مضر در کار نباشد. غرض از این یادآوری آنست که ما ایرانیان ورزش خود را بشناسیم و در حد و اندازه آن تبلیغ کنیم تا احتمالاً اگر شکست پیش آمد و تیمها و ورزشکاران ما شکست خوردند، کسی زانوی غم به بغل نگیرد که شکست حق ما نبود و تیم ما با بدشانسی باخت و از این قبیل. در همین فاصله باقی مانده به شروع المپیک سوئترال از این نمونه ها زیاد میبینیم و مشاهده میکنیم که برای اعزام ورزشکاران و تیمها خیلی سی از فدراسیونهای کم کار و نا پیدا سر از لاک خود در آورده و مرتباً اعلام میکنند که اگر تیمهای ما بروند چنین و چنان میکنیم و مطمئناً سدال خواهیم آورد. اگر هم خیلی با انصاف باشند میگویند که در صحنه جهانی با بنای حرفان خواهیم جنگید. بعقیده من تنها باید کسانی به سوئترال بروند که واقعاً ارزش جهانی دارند و میتوانند پرچم مملکت را بالا ببرند.

رضایه - قدری نژاد

قراست در اراضی یا خجی آباد مجتمع ورزشی ساخته شود



زمین خوار: چوخ با خجی دی!!
— زمین های اطراف ورزشگاه با خجی آباد چگونه؟



حکیمیان جنگجوی اصفهانی

حسن حکیمیان رزم جوی اصفهانی، در بدو اردوستاناً بران و مصرر کورد های شخصی خود را فروریخت. حکیمیان عضو سابق تیم ملی جوانان ایران با صعود سه دسته بر زکسالان قدسهای محکمی برای افزودن بر نیروی بدنی و اصلاح ضعفهای فنی خود برداشت و همین امر موجب شد که حدنصابهای ۵۰ کیلو بکضرب و ۱۳۵ کیلو دو ضرب و مجموع خوب ۲۴۰ کیلو را در دسته پروژن (۵۰) کیلو از او ببینیم او هنوز از نظر تمرکز فکری ضعیف است اما جنگندگی و بیکار او با بولاد سرد غیر قابل تردید است.

پاگیره جم هر روز بهتر از روز گذشته میشود



مصطفی پاگیره جم وزنه بردار ۳ ساله تیم ملی جوانان ایران در دسته سبک وزن در پیکار ایران و مصر درخشید و با بلند کردن ۱۱۷/۵۰۰ بکضرب ۱۵۰ کیلو دو ضرب و مجموع ۲۶۷/۵۰۰ کیلو رکورد های شخصی خود را در هم شکست. رکورد های ایران در این وزن ۱۳۵ کیلو بکضرب ۱۶۰ کیلو دو ضرب و ۲۹۰ کیلو در مجموع متعلق به نصرالله دهنوی است. رسیدن باین برزها برای پاگیره جم جوان در دسته جوانان غیر ممکن است. اما بدن جمع و جور و مهارت فنی قابل توجه او نوبدست برای ظهور بک وزنه بردار با استعداد دیگر در دسته سبک وزن. اما بنظر ما آینده او در دسته میان وزن خلاصه میشود.

عبدالله اشرفی شناسنامه نداشت از تیم خط خورد!!

از نیم جوانان یکی دین روی صحنه نم و بیش میدرخشند با غرور و همت خودشان بوده زیرا آشکارا دیده ایم که سربازان و سؤولان وزنه برداری نه فقط آنها را برای فردا حفظ نکرده اند و بلکه از خود را نند و باید خدا سپرده اند.

آیا با این نحوه کار می توانیم بفردای جوانان خود و به آینده تیم ملی امید وار باشیم؟ ترسیم خطوطی که با کارهای انجام شده منطبق نشود چیزی را تغیر نمیدهد. اگر بناسنت کار مثبتی انجام شود میبایستی ضمن آنکه مثبت می اندیشیم اعمال و کردارشان هم با آن مطابقت داشته باشد.

ما از دکستر مسعود پرومند رئیس فدراسیون وزنه برداری، تقاضا داریم که با دخالت مستقیم خود بشدت با تقلب مبارزه کند، ریشه آنرا بخشکاند و عاملین را از فدراسیون براند.

تیم ملی بلغارستان در آمد و در مسکو محل مسابقه های جهانی ۷۵ و ۱ ستاره مسابقه ها شناخته شد و با یوردان میتکوف و بالاکوی بلاکوف اعضای تیم ملی جوانان بلغارستان در وزنه های میان و نیم سنگین چند قدم آنطرف تر لباس تیم ملی پوشیدند و در برین پایه های قهرمانان قدرتمند را لرزاندند و مدال تفره گرفتند. این جهش و این برش چه چیزی را میسراند؟ آیا مربی آنها نیز شناسنامه برادرشان را برای شرکت در دسته جوانان آورده است؟

ناراحتی ما از اینست که پول ملت را خرج می کنیم برای اینکه راه نادرست را با آنها نشان بدهیم! چرا؟ مگر غیر از اینست که هیچکس از افراد تیم ملی جوانان پس از بازگشت از فرانسه پشت سرش را نگاه نکرد و هیچکس هم احوالی از این وزنه برداران نپرسید. مگر غیر از این بود که فیض الله نامری عضو تیم جوانان را به تالار تمرین داود به راه ندادند؟! پس وقتی کمی یینیم

در ذکر نام بعضی از وزنه برداران مثل پاکیزیم، ضو تقیض گویی ما بسیار است یکبار او را با اسم منوچهر بصره فرستادند و وقتی ما به با یگانی خود مراجعه می کنیم می بینیم که در مسابقه های آموزشگاه های سه سال قبل این وزنه بردار با اسم مصطفی شرکت کرده است! و آنگاه که اعتراض می کنیم، او را با اسم مصطفی روانه میدان میکنند!!

حال با توجه باینکه عمر قهرمانی یک وزنه بردار بسیار طولانی است و تا سالگی هم میرسد، فدراسیون بین المللی وزنه برداری میبایستی سن وزنه برداری را که در دسته جوانان شرکت میکنند تا ۲۲ سال بالا بکشد زیرا عادلانه نیست و بیغ وزنه برداری نیست نه دنیای جوانان محدود یکی دو سال کردد اما برای اینکه در لیست دروغ نگوییم و دروغ ننویسیم میبایستی توانین و آئین نامه های فدراسیون بین المللی وزنه برداری را کاملا صحیح انجام بدهیم تا به عواقب آن دچار نشویم. ما میخواهیم سفر تیمهای وزنه برداری ما به خارج برای سرپوش گذاشتن بر کم کارها باشد این پنج شش جوان که به لیست نامبروند اگر با دستهای پر هم به میهن برگردند هیچ چیز تغییر نمیکند زیرا درخشش و نیرومندی جوانان ما مستقیماً مربوط میشود به کار وزنه برداری آنجنس آموزشگاهها و یکی دو باشگاه در تهران و بدینجهت ما میخواهیم تمام کاسه و کوزه کم کاری در دسته جوانان را بر سر فدراسیون وزنه برداری بشکنیم زیرا فقط چند درصد درخشش آنها به فدراسیون و بدارت آنها مربوط میشود اما عدم همکاری فدراسیون با انجمن وزنه برداری آموزشگاهها از همان نیرومندی آنها، ابراجش می بینیم.

سال گذشته برای شرکت در نخستین دوره مسابقه های وزنه برداری قهرمانی جوانان جهان چشم برهم نهادیم و خیلی چیزها را نادیده گرفتیم و این برای آن بود که اولین قدم برداشته شود. اما وقتی که می بینیم بهودجه وزنه برداری برای وزنه برداری خرج میشود نه فردا آنها را نخواهیم دید، صحیح نیست. و البته خریستوف وزنه بردار سنگین - وزن بلغارستان پس از آنکه در بند ماری (فرانسه) از رتبه ترین سکوی قهرمانی جوانان رافع کرد، بی درنگ به خدمت

تقلب مدنی است به وزنه برداری راه یافته بویژه از زمانیکه تصمیم گرفته شد که وزنه برداران زیر ۲۰ سال تمام ما در مسابقه های قهرمانی جوانان جهان شرکت بکنند و با همین تصمیم کارها از این رو به آن روشد.

سالها پیش فدراسیون وزنه برداری مسابقه های باشگاهها را در دو دسته خردسال و بزرگسال برگذار میکرد. سؤولان باشگاهها برای اینکه تیمهای بزرگسالان را هر چه بیشتر تقویت کرده باشند، وزنه برداران زیر ۲۰ سال خود را بدون اینکه شناسنامی کنند در تیمهای بزرگسال شرکت میدادند و همین امر موجب شد که ذیای جوانان ما سوت و کوز شود و چهره های خوب هیچوقت شناخته نشوند. اکنون که برویاتی هست غیر از اینکه خود وزنه بردارها با تقلب در شناسنامه خود و یا با استفاده از شناسنامه برادر کوچکتر خویش به صف جوانان پیوسته اند مقامات مسؤل نیز نه فقط از اینگونه اعمال جلوگیری نمیکند بلکه در بعضی مواقع وزنه برداران چشم و گوش بسته را تشویق باینکار میکند! انگیزه کسانی که میخواهند قوانین وزنه برداری را نادیده بگیرند و وزنه برداران آسوی ۲۰ سال تمام را با تقلب در تیمهای جوانان شرکت بدهند جاه طلبی و خود خواهی است. آنها سعی دارند با شرکت دادن وزنه برداران با تجربه روی کم کاری خود سرپوش بگذارند. در صورتیکه وظیفه سؤولان تیمهای جوان ما تربیت وزنه برداران زیر بیست سال و اعزام هر چه بیشتر آنها بلسته های بالاتر است. این آقایان میخواهند از وزنه برداران که قبلا استعداد آنها کشف شده و شناخته شده هستند سوء استفاده کنند.

آیا با این تقلبها ما میتوانیم به آینده وزنه برداری خوشبین باشیم؟ هفته گذشته خواندیم که نام عبدالله عطار اشرفی برادر کوچکتر مهدی عطار اشرفی عضو تیم ملی ایران از فهرست تیم ملی جوانان ایران برای اعزام به لیست نام خرد خورد و دلیلش هم این بود که این وزنه بردار شناسنامه ندارد! آیا این عجیب بنظر نمی آید که وزنه برداری در مسابقه های قهرمانی جوانان ایران شرکت بکند، ب مقام قهرمانی برسد و بعد سه ماه در اردو بماند، از درس و بشق خود هم بازماند.

در دوپاسه مسابقه انتخابی تیم ملی جوانان ایران شرکت بکند، قهرمان هم بشود بدون اینکه سؤولان مسابقه ها، داوورهای قسم خورده بین المللی و مربیان او را شناسائی کرده و حتی برای یکبار شناسنامه او را دیده باشند؟

آیا این قابل هضم است که وزنه برداری در دسته جوانان شرکت بکند بدون اینکه به سن او توجه شده باشد؟ در اینجا این شک و تردید بوجود میاید که تیم جوانان ما پاک پاک نباشد چون

ترم تابستانی ایتاک در انگلیس

تورالف: ۲۸ روز کلاس تابستانی برای دانش آموزان ۸ الی ۱۴ سال در بهترین مدرسه (سنت اندروز) واقع در ایست برن کنار دریا با بهترین برنامه تدریس زبان با تمام معارج شبانه روزی و رفت و برگشت فقط / ۹۵۰۰۰ ریال

تاریخ حرکت: ۲۸ مرداد الی ۲۵ شهریور

تورب: ۷ هفته برای دانش آموزان ۸ الی ۱۸ سال با مزایای فوق در مدرسه و ودیاتس با تمام معارج شبانه روزی و رفت و برگشت

/ ۹۸۵۰۰ ریال

تاریخ حرکت: ۲ تیر الی ۹ شهریور

و چهار هفته در مدرسه با رتون / ۷۸۵۰۰ ریال

تاریخ حرکت: ۱ تیر الی مرداد

نشانی: خیابان حافظ ساختمان ت.ث. طبقه سوم مهین صدرائی

کنکور فشرده



**از ۱۸ خرداد ماه در سه نوبت
۷ صبح و ۱ بعد از ظهر و ۵ بعد از ظهر
ثبت نام همه روزه از ۸ صبح الی ۹ شب**

مجدد اوله: سعیدی شمالی، کوچه جندی شرکت بیمه تلفن: ۳۹۳۰۸۵



از هر مرفر هنگنمهر
 تیم رنال مادرید ایستاده از راست: کلاماچو-هسیری میگل آنخل-بنی تو-اوربا
 نشسته از راست: نترز - روبرتوما رتییز و لاسکر - ساتی بانا - دل بوسکه - آمانسیو (کاپیتان)

اسپانیا: پایی خوش برای بارسلون

* سویا اولین شکست خانگی فصل را در آخرین روز از سهمانش پذیرفت. دقیقه «چهل» «ززا» اولین گل سالامانکا را بنمر رساند و دقیقه شصت و پنج «بنیا» دومین گل سالامانکا را در دروازه میزبان جای داد. سه دقیقه پایان بازی «دودا» از نقطه پنالتی تنها گل سویا را بسردون دروازه سالامانکا فرستاد.

* بارسلون خوشحال از کسب یک امتیاز در خانه حریف محکوم بسقوط خود بود. در دقیقه پنجاه و نه «کروئیف» ضربه خطا را

شركت در مسابقات جام اروپا را دارد نمابنده اسپانیا باشد. اما رنال در التهاب بیروزی بسرمسیرد تا انتقام شکست دور رفت را از حریف بگیرد و بالاخره رنال با گل دقیقه هفتاد «سانچیس باریوس» انتقام را از همشهری خود گرفت.

* ساراگوزا با دو گل خود تمام امید «گرانادا» را گرفت و حریف را بسته دوم فرستاد. دقیقه هفتاد و نه «کاستالی» «زننده» گل اول ساراگوزا از نقطه پنالتی بود و یک دقیقه پایان بازی «روبیال» با گل خود آرزوی گرانادا را برآورد داد.

«مالاگا» و «وایدولید» مهمانان سال آینده دسته اولند که جانشین «اوونیدو» و «گرانادا» و «خیخون» سه مسافر سقوط آکنده بدسته دوم اند.

* جامادین بار دیگر با انبوه تماشگر خود شاهد نبرد دو کهنه حریف مادریدی بود. رنال و اتلتیکو دو تیم بزرگ در آخرین هفته فصل برگذار کننده دیداری حساس بودند. دیداری که اتلتیکو بدنبال بیروزی یا مساوی میگشت تا همچنان نایب پشاهنگ باقی بماند و بتواند در غیاب رنال که برچسب یکساله محرومیت از

مادرید - سرانجام پس از سی و چهار هفته نبرد، چهل و چهارمین دوره مسابقات قهرمانی فوتبال باشگاههای اسپانیا با قهرمانی زود هنگام رنال پایان یافت.

اتلتیکو مادرید تنها رقیب جدی قهرمان در این دوره از مسابقات باشکستهای غیرمنتظره اواخر فصل، از حریف فاصله گرفت و با شکستی که در آخرین هفته پذیرفت مقام نایب پیش آهنگی را که تا این روز دارا بود از دست داد و بارسلون را در جای خود دید.

«سلنا» «بورگو» و یکی از دو تیم

شوروی، کشورهای اروپای شرقی و اعراب در برابر المپید شطرنج صف آرائی کرده اند

رائول برتولو رئیس فدراسیون شطرنج فرانسه هم بعنوان خود اظهار نظر کرده است که فدراسیون بین المللی این وضع را که موجب نکوهش این فدراسیون است به نحوی برای خود توجیه خواهد کرد. اسرائیل در میهمانی استردام هم باخبرهای بدی و بیرو شدوان طی نامعیت بود که از جانب وزیر ورزش برزیل به نماینده این کشور رسید که در آن تصمیم به عدم شرکت این کشور را به اطلاع رسانده بود و به این ترتیب در این موقعیت تنها نمایندگان مجارستان و اسپانیا هستند که بسیار محتاطانه به برگزاری این المپید امیدوار هستند و نماینده اسپانیا که رئیس اتحادیه بین المللی مفسران شطرنج هم هست - از هم اکنون مذاکراتی را برای برگزاری مسابقه ها در لاس پالماس (اسپانیا) با «میونیکلا زارویچ» استاد

باشکوهی که به مناسبت هفتمین سالگرد «ماکس اووه» رئیس فدراسیون بین المللی شطرنج در یکی از میهمانخانه های استردام ترتیب یافته بود، فدراسیون بین المللی را از موقعیت و تصمیم های اسرائیل مطلع کرد. اما این همه به حضور هیأت های دو کشور رومانی و یوگسلاوی در این المپید امیدوار بود. در حالیکه از طرف دیگر کارشناسان شطرنج دیده اند که استاد بزرگ یوزی اورباج رئیس فدراسیون شطرنج اتحاد جماهیر شوروی شنبه گذشته صبحانه خود را با شخصیت های رسمی یوگسلاوی خورده است و این نشان میدهد که باتمام اختلاف سلیقه بی که شوروی و یوگسلاوی بر سر مسائل بین المللی دارند، در این مورد خاص میتوان گفت که این تماس دوستانه حاکی از عدم شرکت یوگسلاوی در المپید اسرائیل است.

از شرکت در این مسابقه ها و برای اسرائیل این سؤال باقی میماند که پس چه کشورهایی در المپید اسرائیل شرکت خواهند داشت؟

اسرائیل برگزاری این مسابقه ها را برای ماههای اکتبر و نوامبر سال جاری مسیحی (۱۹۷۶) در نظر گرفته بود. اما گزارشی که شنبه گذشته از اورشلیم مخابر شد حاکی از این است که برای فدراسیون شطرنج اسرائیل مسأله ای نیست که از برگزاری المپید شطرنج چشم پوشد. دکتر زابلر نماینده اسرائیل، در جشن

استماع علی شوروی از شرکت در المپید شطرنج زنان و مردان در اسرائیل، به طور ناگهانی برگزاری این مسابقه ها را باخطر موجه ساخت.

تاس خبرگزاری رسمی شوروی، جمعه گذشته این تصمیم شوروی را اعلام کرد و فدراسیون بین المللی شطرنج را با تساهل گوناگونی روبرو ساخت. فرض مسلم اینست که علاوه بر شوروی هیچیک از کشورهای عرب هم در این المپید حاضر نخواهند بود و از طرف دیگر کنار کشیدن شوروی خود محرکی است برای استماع کشورهای اروپای شرقی



« سانچس باربوس » (سفید) از زیر دست — های « رینا » دروازه بان آتلتيكو مادرید زد شهودر راه ورود بدروازه است. « پانادریاس » (پیراهن راه راه) مدافع آتلتيكو با تکرانی نظرمحنه است.

رنال مادرید قهرمان فصل ۶-۷۵ در آخرین دیدارش انتقام شکست رفت خود را از آتلتيكو گرفت. این تصویر تنها گل بازی در دقیقه هفتاد است که شوت

لسبانیول از نقطه پنالتی بود. در دقیقه هشتاد « کواستا » روی ساتر « کاسه لی » دومین گل را بدرون دروازه اوونیدو فرستاد. هفت دقیقه بعد برای سومین بار دروازه اوونیدو گشوده شد و اینبار « کاسه لی » زنده گل بود. در دقیقه نود اوونیدو به جبران سه گل خورده یک گل از نقطه پنالتی توسط « کالان » در درون دروازه اسپانیول جای داد.

بر روی دروازه فرستاد و آسنسی با ضربه ای محکم توپ را در دروازه خیحون جای داد. در دقیقه هشتاد و هشت کینی مهاجم ملی پوش خیحونی از نقطه پنالتی گل مساوی را بثمر رساند. اما همین یک امتیاز کافی بود تا بارسلون بتواند در سال آینده در جام باشگاه های اروپا ریسک کند.

تومان اعتبار داده است. فدراسیون تصمیم دارد با این پول در زوربخ مقر جدیدی برای خود بسازد و بنای قدیمی فعلی را در آینده خراب کند.

دید... / ۱۰ تماشاچی مونتreal گرفته شده است

به علت اشتباه محاسبه ای که در نقشه ورزشگاه بزرگ مونتreal کشف شده به اندازه ۱۰۰٪ نفر از تماشاچیان بازی ها برای تماشا دید کافی نخواهند داشت. این اشتباه را روزه تالیر (مهندس ساختمان) مرتکب شده است. اشتباه ناشی از سرستونی است که ۵ سانتیمتر پیش آمده و در طول خود جلو دیده ده هزار نفر تماشاگر را خواهد گرفت. راجر ترو و رئیس امور ساختمانی المپیک مونتreal تا اشتباه محاسبه را کشف کرد دستور رفع اشکال را صادر نمود و گفت: « در عین بی پولی مجبوریم متجاوز از ۳۰۰/۰۰۰ دلار خرج این دست کاری کنیم! »

مقر جدید برای فیفا

یکی از بانک های معتبر سوئیس به فدراسیون بین المللی فوتبال ۴ میلیون

* والنسیا آخرین مسابقه فصل خود را با پیروزی دلچسبی بیابان رساند و سه بار دروازه درخشان سنتندررا گشود. در این بازی هابیک هلندی والنسیا چهره ای درخشان داشت.

* رئال سوسیداد پس از اینکه نیمه اول را مساوی با هرکولس بیابان رساند، در نیمه دوم با خط آتش خود همماتش را به شکست سنگینی واداشت. سوسیداد سه بار توپ را بدرون دروازه هرکولس فرستاد.

زنده بندی گلزنها

۱ - کینی از خیحون با بیست و یک گل « آقای گل »
۲ - آگریه از سنتندر و « لی وینیا » از آتلتيكو مادرید با ۸ گل.

* الچه تیمی که تا پرتگاه سقوط فقط یک قدم فاصله داشت. در هفته سی و چهارم شاهکار کرد و با پیروزی بزرگ خود بر آتلتيكو در دسته یکم باقی ماند. اولین گل را « کاتو » در اولین دقیقه بازی بدرون دروازه آتلتيكو فرستاد و کارلوس در دقیقه « سی » گل مساوی را بثمر رساند. بالاخره الچه دو بار دیگر در دقائق هفتاد و یک و هشتاد و شش توسط فلیکس و کاتو دروازه همسان خود را گشود.

* لاس پالماس در خانه خود تیم بتیس را درهم کوبید و بقاء خود را در دسته اول جشن گرفت. خوانی، ولف و روبرو در دقائق بیست و هفت، چهل و شش و نود و نوزده گلهای لاس پالماس بودند.

* دو گل از نقطه پنالتی از مجموع چهار گل دیدار اسپانیول اوونیدو بود « اورتیس » در دقیقه پانزده زنده اولین گل برای

مسابقه رئیس جمهوری و کانداو کارل میلدن برگ

ژنرال ایدی امین قهرمان سابق شمش زنی و رئیس جمهوری فعلی کشور آفریقای اوگاندا کارل میلدن برگ قهرمان آلمانی را به شمش زنی دعوت کرده است.

میلدن برگ گفته است: « اگر پول خوبی به من برسد، حاضرم به کامیلا بروم و در این مسابقه نمایشی شرکت کنم ». میلدن برگ قهرمان سابق اروپا که در دوره برو بروی خویش با محمد علی مسابقه داد و تا دوردواز هم نیز دوام آورد، پیشنهاد مسابقه را تلقنی و وسیله سفیر آلمان غربی در کامیلا دریافت کرده است.

بین المللی نیست به نام تمام کشورهای عرب به ششماه ای به تمام فدراسیونهای عضو فدراسیون بین المللی فرستاد و آنها را به شرکت در المپیاد است که از طرف لیبی ترتیب داده شده است دعوت کرد. به هر حال در چنین موقعیتی است که شوروی امتناع خود را از شرکت در المپیاد اسرائیل اعلام کرده است و موسسه چرنیاک استاد بزرگ شطرنج و مقام عالی فدراسیون شطرنج اسرائیل ضمن اظهار تأسفکف به طور کلی فکر برگزاری المپیاد بدون حضور شوروی مسابقه هایی ضعیف را نمایش خواهد داد و در مقابل شوروی که « آنتانولی کاریفه » قهرمان شطرنج جهان را جزو تیم خود دارد اعلام کرده است: « ادامه سیاست تجاوزکارانه اسرائیل در برابر اعراب مارا از شرکت در این المپیاد بازمی دارد. »

برگزار شود با اینکه این مسابقه ها به طور کلی با مسوقتافسخ شود؟

۴ - اگر در اسرائیل این مسابقه ها برگزار شود کشور شما تیمی اعزام خواهد کرد؟ رئیس فدراسیون بین المللی در بازگشت از یک سفر به اسرائیل برای این همه پرسشی نتیجه ای مثبت بدست آورد اما بعد در فوریه همین سال یک گزارش از سرویس خبری لیبی که از تریپولی مغایره شد تصمیم این کشور را به برپاساختن یک المپیاد شطرنج از ۲۴ تا ۲۰ نوامبر سال ۱۹۷۶ خریدار که هدف آن تحریم المپیاد رسمی حیفا (اسرائیل) بود تا بتواند یک بار دیگر دشمنی خود را با صهیونیسم کسی کوشید با استفاده از دوزرافتادگی لیبی او را خرد کند، نشان دهد.

۲۸ مارس ۱۹۷۶ فدراسیون لیبی که جزو کشورهای عضو فدراسیون

اکثريت کشورهای حاضر تقاضا کرد که شوروی هم شامل کشورهای حاضر بود. اما گویا به دلیل مطرح بودن سوئد و ایران برای برگزاری این مسابقات، شوروی در آن موقع از اظهار نظر در مورد اسرائیل خودداری کرده است. اما بعدها سوئد از برگزاری مسابقه ها صرف نظر کرد، همانطور که ایران هم در ماه مه سال پیش تغییر عقیده خود را اطلاع داد و با این ترتیب تنها اسرائیل با کسب نامزدی اولیه خود باقی ماند و رئیس فدراسیون بین المللی مخصوصاً به دلیل نالمنی های نظامی در اسرائیل تصمیم به انجام یک همه پرسی بین کشورهای وابسته به فدراسیون بین المللی گرفت و از کشورهای عضو خواست که به این دوسؤال جواب بگویند:

۱ - مسابقه های المپیاد در اسرائیل

بین المللی یوگسلاوی آغاز کرده که در صورت قبول این پیشنهاد احتمالاً مسابقه ها در ژانویه سال ۱۹۷۷ در لیبیا برگزار خواهد شد.

از طرف دیگر ناظران تأکید میکنند که دفتر فدراسیون بین المللی که جمعه گذشته در آستردام تشکیل جلسه داده است - هنوز موقعیت خود را تعیین و مشخص نکرده و امتناع شوروی را بدون هیچ تفسیری پذیرفته و اعلام کرده است. المپیاد گذشته شطرنج سال ۱۹۷۴

به ملت یک ماهه ریچرندریس فرانسه با شرکت ۷۹ کشور برگزار شده که با وجود مشکلات بسیار با موفقیت همراه بود. اما در پایان آن هیچ کشوری به طور قاطع نامزدی خود را برای برگزاری المپیاد بعدی (۱۹۷۶) اعلام نکرد. تنها فدراسیون اسرائیل تقاضای برگزاری را به شرط قبول

حادثه با زنگشت

بقیه از صفحه ۲۵

شیوه بازی جوونتوس را بازی کند و لکانا ناچورا در برابر آژاکس اجرا نماید و در این آزمایش آژاکس ۸ بر صفر پیروز شد. در مطالعات خود و آن مربی جوان ترکیه و هنگ کروت دانستم که جوونتوس تمام آنچه را که ممکن است در خط حمله انجام دهد از دو حالت بیرون نیست و من برای مقابله با هر دو حالت تمرین کرده بودم. اعتراف میکنم که پیش از این هرگز در برابر حرفان این همه احتیاط نکرده‌ام این همه مطالعه نکرده بودم.

آشوب در بلغراد

همه چیز آماده بود و ما با تمام اعتماد بسوی با پنخت بوسلواوی پرواز کردیم. متأسفانه در اولین قدم که بشهر بلغراد نهادیم با اولین اشتباه بزرگ رهبران آژاکس روبرو شدیم که این یک اشتباه بزرگ در زمینه مدیریت فوتبال بود. آنان برای اقامت ما یک هتل بزرگ را برگزیدند که بسیار شلوغ و پرسر و صدا بود و هر کس و هر جماعتی می‌توانستند در آنسختی بزنند. اشتباه دوم این بود که همسران بازیکنان را به همراه آورده بودند و در یکی از طبقات پائین هتل جای داده بودند. این هتل بوسیله ایتالیایی‌ها محصور میشد و آنها دسته دسته پیرامون هتل میگشتند و آواز میخواندند و بهر صورت موجب تضعیف روحیه بازیکنان من میشدند. از تمام این‌ها بدتر سرسام بود که جاسوس‌های باشگاه‌های اسپانیا با وجود آورده بودند.

دروازه ایتالیا به تازگی بروی بازیکنان خارجی کشوده شده بود و باشگاه‌های بزرگی چون بارسون، رئال و اتلتیکو بازار نقل و انتقال اروپا وارد شده بودند و بلغراد ایتکسکان آسانی داد و ستد شده بود. ارقام سرسام آوری که بر زبان‌ها میرفت همه را مبهوت کرده بود، رقم‌ها جانان اغراق آمیز بود که مجالی برای تفکر و مقاومت باقی نمی‌نهاد و من میدیدم که این‌ها هوشم را بکلی متلاشی میکنند.

چنان شد که به ناچار دست کمک بسوی رئیس باشگاه دراز کردم و او بر عکس عادت خویش — که هرگز مداخله نمیکرد — دو بار بازیکنان را احضار کرد و نصیحت نمود و من خود چندین بار بازیکنان را احضار نمودم و برای آنان حرف زدم. گفتم این ارقام با دروغ است و یا نوبت کشنده فوتبال است مگر می‌توان فوتبال را ادامه داد در حالیکه در یک گوشه آن این همه پول مطرح باشد؟ در برابر این رقم‌هایی که می‌شنوم هر آنچه شما و دیگر بازیکنان تا کنون گرفته‌اند بمنزله پول یک آشامیدنی بوده است. من مطمئنم که این فوتبال واقعی نیست که از آن حرف می‌زنند، بلکه این یکسوج نابود کننده است و شما باید خوددار باشید، کنترل مغز و اعصاب خود را حفظ کنید تا این فینال تمام شود. این رویه اگر هم مادی باشید بسود شمامت زیرا آنها قهرمان تازه اروپا بیشتر پول میدهند.

عبرغم آنهمه مطالعه و تدارک این بدترین سابقه‌ای بود که آژاکس آغاز میکرد. با این وجود سابقه خوب آغاز شد و یک گل زود هنگام برای ما داشت، آژاکس از آن پس برای بدست آوردن چیزی بیشتر به استقبال خطر نمی‌رفت و جوونتوس نیز با حالت متعادل به انتظار فرصت نشسته بود و این چیزی بود که هرگز بدست نیامد.

من از ریاضت حرفه خویش از نتیجه این بازی بسیار راضی‌تر از نتیجه اولین فینال خویش در جام باشگاه‌های اروپا بودم. این درست که در بدترین شرایط انجام شد و آژاکس نتوانست حداکثر قدرت ورزشی خویش را بروز دهد ولی باید هر ساقه را در چهار چوب محیط و شرایط خود ساقه مطالعه کرد و باید قبول کرد که در آن شرایط بسیار بد بلغراد این پیروزی میتوانست چیزی بالاتر از زنا به یک مربی بدد.

بقیه از صفحه ۲۱

حساب دقیقه وقت قانونی و بیست دقیقه اضافی با همان یک گل برای دوطرف به پایان رسید و کار به ضربه‌های پنالتی رسید.

انتظار میرفت عراق با داشتن دروازه‌بان با تجربه و ملی پوشی چون کامش شیب، در این کار زار پیروز شود. اما اشتباه همین دروازه‌بان‌ها حتی ضربه‌های قابل مهار را هم نتوانست بگیرد — یک عامل شکست شد و عامل دیگر عدم دقت دو پنالتی زن عراقی. در هنگام زدن ضربه‌های پنالتی تماشاگران با دست زدن برای کوهی‌ها روحیه آنان را بالا میبردند و با فریاد «هوه» روحیه عراقی‌ها را تضعیف میکردند. در هنگام ضربه سوم پنالتی دروازه‌بان کرد با حرکت قبل از ضربه توپ را مهار کرد و داور دستور به تجدید آن داد. اما کوه با ایجاد چغالی دوباره زمین را برای خطای بعدی فراهم کرد و بعد از ده دقیقه نگاه داشتن سسابقه حاضر به تکرار ضربه پنالتی شد. قبل از این ضربه تکراری هم دروازه‌بان تشکارا حرکت شیب به دو کرد و بازیکن عراقی که تصمیم داشت توپ را به جناح بگریزند، این بار هم تا موفق ماند و ضربه‌اش بسو درگ عمودی خورد و برگشت. بعد از آن جناح دیگر که مهاجم کوه قبل از سوت، ضربه و گل را زده بود شیب در برابر ضربه تکراری هم تسلیم شد و سرانجام بسو هنگام ضربه چهارم بسازکنس عراق

با یک ضربه شان توپ را طوری زد که دروازه‌بان کوه مهار کند و به این ترتیب جمهوری خلق کوه چهار بر دو در ضربه پنالتی پیش افتاد و نیازی به زدن ضربه پنجم برای دو تیم پیش نیامد.

جدال دو کوه در بانکوک

با پیروزی جمهوری خلق کوه بر عراق و جمهوری کوه بر اندونزی (یک بر صفر)، برای اولین بار در طول تاریخ فوتبال آسیا، دو کوه برابر هم صف آرایی کردند. با بگو مگوئی که روز اول بین نمایندگان دو کوه در جلسه مدیران تیم‌ها در بانکوک در گرفت، انتظار میرفت که این مسابقه بسیار چغالی و پر زرد و خورد باشد. همه خود را آماده یک نبرد خونین و به قول معروف بکش بکش کردند. اما صبح روز مسابقه مدیران دو کوه در مهمانسرا کنار هم نشستند و با کمی دوستانه توافق کردند که در میدان فقط فوتبال کنند. با گفته نماند که تصور یک بر خورد تند بیشتر بعد از پیروزی کوه شمالی بر عراق شکل گرفت. کوهی‌ها تا صبح در ستوران هتل محل اقامت جشن آواز و آجو خوری راه انداختند و برای کوه جنوبی خط و نشان‌ها کشیدند. کوهی‌های شمالی هم مدعی بودند که فینال مختص آنان و ایران است. سرانجام لحظه جالب برخورد دو کوه فرا رسید و باز با دو جنجال توأم شد. اما این

جنجال‌ها از برخورد بازیکنان دو تیم نبود. ابتدا کوه شمالی بیست دقیقه بازی را معطل کرد و داشت با حمایت کمیته برگزار کننده بازیکن دوخطاری را به میدان می‌آورد.

سپس این مساله منتهی شد و مسابقه را آغاز کرد. هنگامیکه در آغاز کاپیتان کوه جنوبی دشتش را به سوی کاپیتان شمالی دراز کرد، کاپیتان حریف با لحظه‌ی سکت، دست هموطن سابق را فشرده و در این لحظه بازیکنان دو تیم یکدیگر را در آغوش گرفتند و بوسیدند. شاید برای آنان این دشمنی بی‌معنی و شاید هم سنتی باشد زیرا کمی سن آنان اجازه نمیداد که اختلافات بین دو کوه را بخاطر آورند.

بازی، نیمه اول صفر بر صفر شد و در نیمه دوم دو تیم جنجال مسابقه پدید آمد. این جنجال باز از داوری بود. هنگامیکه دروازه‌بان کوه جنوبی در اثر یک ضربه غیر عمد به شدت مصدوم شد و به زمین افتاد، داور مسابقه را متوقف نکرد و بعد از حدود سه دقیقه دروازه‌بان‌ها بازی را از سر گرفته‌اند. با همین گل کوه شمالی یا به عبارت درست تر جمهوری خلق کوه به دوره نهائی رسید. در این مسابقه هم تماشاگران باور جمهوری خلق کوه بودند. (انتهای)

شارژنیسکی با بلند کردن

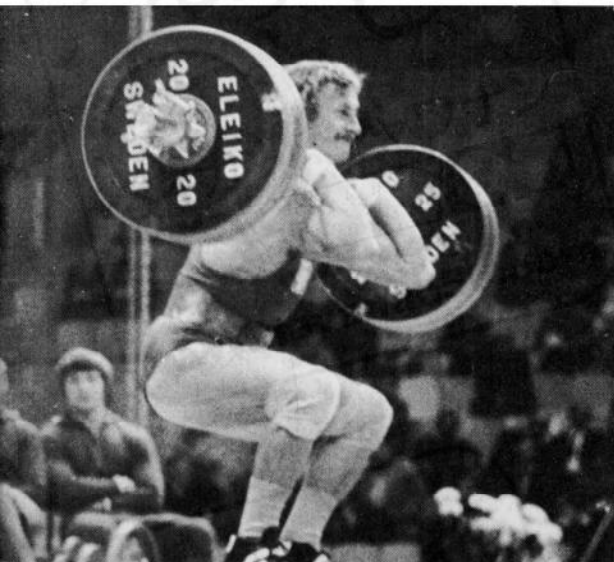
۱۴۰/۵۰۰ کیلو

یکضرب عنوان ۱۵ ساله

لهستانیها را پس گرفت

وشو : کازیمیر شارژنیسکی وزنه بردار سبک وزن لهستان با بلند کردن ۱۴۰/۵۰۰ کیلو در حرکت یکضرب نیم کیلو رکورد جهانی روبرتو اوروتتا کوبائی را شکست. و روبرتو هفته گذشته با بلند کردن ۱۴۰ کیلو برنام کازیمارک وزنه بردار دیگر لهستانی در جدول رکورد های جهان خط کشیده بود. حرکت رکورد یکضرب دسته سبک وزن مدتی سوت و کور بود و رکورد ۱۳۷/۵۰۰ کیلو والمار با ژانفسکی قهرمان المپیک ۱۹۶۶، ۱۹۶۸ مدت زیادی پس از کنار گیری او همچنان دست نخورده باقی مانده با ژانفسکی رکورد جهانی خود را در ۱۹۶۹ در مسابقه های جهانی ووشو به ثبت رسانده بود.

این رکورد را وزنه بردار تازه نفس شوروی « درکایف » با بلند کردن ۱۳۸ کیلو در ۱۹۷۵ شکست. اوروتتا وزنه بردار کوبائی اواخر همان سال با بلند کردن ۱۳۸/۵۰۰ کیلو آنرا جایجا کرد و در مسابقه های قاره اروپا در برلین ۱۹۷۶ این رکورد را نخست لوستر ویکسی به ۱۳۹ کیلو عبیر داد. اما لحظه‌ی بعد هموطنش کازیمارک آنرا به ۱۳۹/۵۰۰ کیلو رساند رکورد جدید شارژنیسکی در حقیقت پس گرفتن عنوان لهستانی‌ها در حرکت یکضرب بود که از ۱۹۶۱ در اختیار داشتند.



کازی میرز شارژنیسکی وزنه بردار ۲۸ ساله لهستان رکورد دار جدید یکضرب دسته سبک وزن جهان متولد وسان ووشوشل او کمک‌کمانکی است. او تا کنون دو بار مقام قهرمانی لهستان رسیده و بهترین رکوردش ۲۹۵ کیلو است. در مصاف‌های بین‌المللی این وزنه بردار همیشه زیر دست نصرانه‌دهنوی از ایران قرار گرفته است. در عکس او را در کشش دوزرب ۱۳۷/۵۰۰ کیلو روی سینه‌ی پهنید.

عروسی
فلمبرداری رنگی
سان‌های مجلل
دیسکوتِه استریو فونیک
۱۴۹ ریال
هنگی مجالی
تلفن ۶۶۲۶۲۵

در حاشیه گول خوردن فوتبالیستهای از دختران و کمربند ایمنی و بقیه قضایا

از غیرالسنی



بعضی از دختران،
فوتبالیستهای زندار را هم
گول میزنند

مواظبت دائمی از
شوهر فوتبالیست !!



دختران مدام در کوچه و خیابان مزاحم فوتبالیستها میشوند

فوتبالیست: چرا مزاحم میشین مگه خودتون خواهر و مادر ندارین !!



مگه باشگاه برای فوتبالیستهای کمربند ایمنی ساخته است

مادر: بیانه کمربندت رو ببند به وقت این دختر آگولت میزنن ها !!

وام
روی سند اتومبیل . تلفن

ملک
۷۵۷۵۳۵
۷۵۷۲۹۴

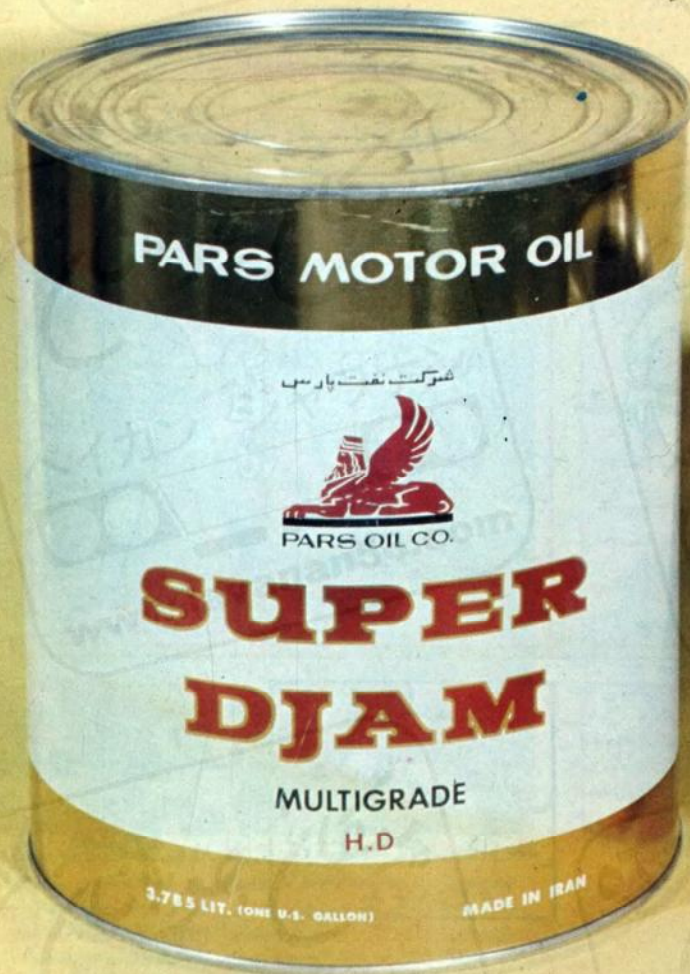
نیازمندیهایک
نتها

انگلیسی
مقدماتی عالی
در منزل یا محل کار تلفن
۶۵۵۷۰۵

دفتر هنرمندان
رابط کلیه هنرمندان جهت جشنها - عروسیها و
ضیافتها خیابان شاه مقابل نیاگارا
تلفن های ۱۳۲۲ ۶۴-۶۴۲۶۳۳

پارس سوپر جهم

روغن موتور اتوماتیک
برای تمام فصول



انواع محصولات نفت پارس
ماشین آلات را جوان نگاه میدارد

خبرهای کوچک از جهان بزرگ ورزش

۲۵ مسابقه بی سابقه

برندآئیم - مشت زن برنی کتبه است که حتی اگر ریدن بر ریچارد دان انگلیسی پیروز شود، با حاضر نخواهد شد که در ۲۵ به آینده روی صحنه مسابقه سونیخ با محمد علی رویرو شود. آگوست گفته: «کسانی که اصرار دارند من به عنوان قهرمان سنگین وزن اروپا با علی دست و پنجه نرم کنم با من دشمنی دارند. من اینک بیست و سه ساله هستم و آینده را از آن خود میدانم. بنا بر این بی جهت خود را به مهلکه نمی اندازم زیرا میدانم که پیروز شدن بر محمد علی محال است. مطمئنم که اگر با علی مسابقه دهم او مرا مضحکه عالم خواهد کرد.»

۱۷۵/۰۰۰ تومان خون بها

سه شنبه گذشته بیه چوک ویسبورن (مشت زن حرفه‌ای و ۲۲ ساله آمریکائی) که ضمن مسابقه بر اثر وارد آمدن ضربه به جمجمه خونریزی مغزی کرد و کشته شد، از شرکت بیمه سیدنی (استرالیا) ۲۵۰۰۰ دلار (۱۷۵۰۰۰ تومان) حق بیمه گرفت. گذشته از این، بیمه تقبل کرده است که هزینه معاش و تحصیل دختر سه ساله قهرمان متوفی را تا سن ۱۶ سالگی بپردازد و از این بابت هفته‌ای ۳/۷ دلار به اختیار سازد و گذارد. باشگاهی که مسابقه بین چوک آمریکائی و هکتور تامپسون استرالیائی را ترتیب داد گفته است: «بیمه ورزشی در استرالیا اجباری است و چون ویسبورن هم در استرالیا مسابقه میداد مشمول مقررات بیمه شد ولی مخارج حمل

جنازه از استرالیا به آمریکا را خود باستانگاه برداخت.»

قهرمان اسکی جهان طعمه حریق

انسویویل خانم ماریل گواچل فرانسوی و برنده دو مدال طلا از المپیک‌های زمستانی ۱۹۶۸ و ۱۹۶۴ در رشته مسابقه اسکی کوهستانی دچار حادثه شد و آتش گرفت.

بر اثر این حادثه ماریل دو بپرسر - که سر نشینان انومبیل بودند - بشدت سوختند و مجروح شدند. بموجب گزارش پلیس ماریل از جنوب فرانسه به خانه اش واقع در وال دیزر میرفت که در شاهراه و نرسیده به اورائز دستخوش سانحه گردید. پلیس مجروحان را با هلیکوپتر به بیمارستان پلیس در لیون منتقل کرد. سوختگی پشت

ماریل ظاهراً شدیدتر است و پزشکان برای نجات او از جنگال برگ تلاش می کنند.

المپیک ۱۹۸۴

پرنس فیصل و پرنس سلطان و ورزش عربستان سعودی اصرار دارد که بازی‌های المپیک ۱۹۸۴ در ریاض پایتخت عربستان سعودی ترتیب داده شود. فیصل در سفر اخیرش به عراق، قطر و مصر درباره تصمیم خود تبلیغ کرد و مذاکرات محرمانه انجام داد.

برای بازی‌های تابستانی ۱۹۸۴ تهران داوطلب شده لیکن عربستان سعودی می‌خواهد بازی‌ها را از تهران به ریاض منتقل کند.

ظاهراً عربستان سعودی بر آن شده است که طی برنامه پنجساله آینده ۲۰ میلیارد تومان صرف طرح‌های ورزشی کند. به موجب این طرح قرار شده که در ریاض یک ورزشگاه سزونیسده ۸۰/۰۰۰ نفری و ورزشگاههای بزرگ دیگری هم در جده، منامه و مکه

ساخته شود.

۲۴ داور رزندان

تشریح ورزشی اسپوربول رومانی در شماره اخیر از یک رسوایی بزرگ و بی نظیر مربوط به داوریه برده برداشته است. بموجب گزارش این مجله ۲۴ تن از داوران مسابقه‌های ورزشی رومانی بجرم اخذ رشوه معادل ۵۰۰۰ تا ۷۵۰۰۰ تومان به حبس ابد محکوم شده‌اند. داور دیگری به عوض پول ۲۰ لیتر شراب و ۶ کیلو سیوه رشوه گرفته است.

ورزشگاه فوتبال سرپوشیده

مسکو در صد است یک ورزشگاه ۳۰۰۰ نفری سرپوشیده برای مسابقه‌های فوتبال بسازد. بنا به گفته سخنگوی سازمان تربیت بدنی شوروی قرار شده مسابقه‌های مشت‌زنی و بسکتبال المپیک ۱۹۸۰ مسکو نیز در این ورزشگاه عظیم برگزار شود.

اطلاعیه سازمان کونگ فوی تاج

بنا بر درخواست عده زیادی دوره نهم کونگ فواز ۱ خرداد آغاز خواهد شد. علاقمندان میتوانند همه روزه از ساعت ۵ بعد از ظهر برای ثبت نام به سازمان کونگ فوی تاج خیابان لوس آنجلس کلوب بانوان مراجعه نمایند.

سازمان کونگ فوی تاج

گروه قره‌سنگی آذر

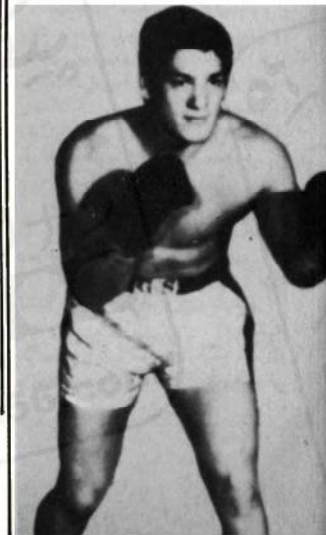
از پنجشنبه ۲۰ خرداد کلاس‌های فشرده ۷۰ ساعتی آمادگی کنگور عمومی را تشکیل میدهد. داوطلبان برای ثبت نام صبح‌ها از ساعت ۸:۳۰ الی ۱۲ و عصرها از ساعت ۴ الی ۸ بعد از ظهر به محل‌های زیر مراجعه نمایند.

- ۱- دبیرستان شماره ۱ آذر - خیابان نادری - چهار راه قوام السلطنه تلفن ۶۶۷۱۷۰ و ۶۴۳۶۴۳
- ۲- دبیرستان شماره ۲ آذر - میدان بهارستان - اول خیابان صفی‌علیشاه تلفن ۳۱۸۴۸۱-۳۰۱۱۰۶
- ۳- دبیرستان شماره ۳ آذر - کریمخان زند - تقاطع بهجت آباد تلفن ۸۹۴۰۱۵ و ۸۹۴۷۱

اسکار بوناونا

به ضرب گلوله کشته شد

زن، نواد - اسکار بوناونا مشت زن مشهور سنگین وزن آرژانتین و یکی از مدعیان مقام قهرمانی جهان، سینه دم روز گذشته به ضرب گلوله کشته شد. انگیزه به قتل رساندن مشت زن ۳۲ ساله در هنگام وقوع روشن نبود. بوناونا در مونتاناگ رانچ پروینسل کشته شد و این ناحیه در نزدیکی نوادا (آمریکا) قرار دارد. ویلیام راس ۳۱ ساله اولین کسی بود که با اتهام قتل مورد بازجویی قرار گرفت.



بقیه از صفحه ۷

سید فاضل خلیلی. رنگ پیراهن آبی. داور: مرتضی رحمانیان با کمک: محمود خوشخوان و حسین دستگرد تماشاگر نزدیک به دوهزار نفر درآمد: ۳۳۵ تومان

پنجشنبه ۶ خرداد، ورزشگاه محمد رضا شاه بندرپهلوی: گبو بندرپهلوی با وجود برخورداری از امتیاز زمین و تماشاگر و همچنین باد موافق در نیمه اول، مغلوب خانم جوانان ساری شد.

تیم سپهان این شکست را با ضربات پنالتی بر تیم گبو تحمیل نمود. چه بازی در وقت قانونی و اضافی بدون گل به تساوی پایان یافت. تیم های گبو و خانم جوانان ساری، هیچگونه برتری نسبت بهمدیگر نداشتند و یا لاف کیفیت فردی افراد دو تیم این را نشان نمی داد. اما کار گروهی تیم خانم جوانان نسبت به تیم گبو تا حدی بهتر بود و این از لحاظ خطرناکی که این تیم روی دروازه گبو ایجاد نمود، آشکار گشت.

نیمه اول مسابقه سردویی روح بود و دو تیم تنها بدفع توپ پرداختند. در نیمه دوم بازی شکل بهتری بخود گرفت و خانه جوانان ساری در دقیقه ۸، ۵ و ۸، دوبرار در یکدستی گل قرار گرفت ولی هربار شادت و تیزهوشی طهماسبی دروازه بان گبو، مهاجمین ساری را نا کام ساخت.

نیست ساعت وقت اضافی را هم دو تیم بدون گل پشتسر گذاردند و مسابقه به پنالتی کشید و تیم گبو تنها یک ضربه پنالتی توسط محمد قدیر بگری بنمر رساند. در حالیکه خانم جوانان ساری چهار ضربه پنالتی را درون دروازه گبو جای داد ولی ضربات حسن سنادی، و عادل محمودوند از گبو را دروازه بان ساری با پشت دم کرد. تیم گبو در پایان مسابقه با تسلیم دوهزار ریال به هیئت فوتبال بندرپهلوی، نسبت به بازی سیروس ملک محمدی در تیم خانه جوانان ساری اعتراض کرده و معتقد بود که بازیکن نامبرده در جوانان ملوان بازی کرده است.

پرویز مظلومی،

برق شیراز را

شکست داد

برق شیراز (۲۰)

دقیقه ۳۶ غلام بیروانی و دقیقه ۶۸ هادی آهنگران

تراکتورسازی (۳)

دقایق ۲۸، ۴۰ و ۴۲ پرویز مظلومی

برق: شیخ ایوبی (بور) (۱) (از دقیقه ۶۰) رضا رضایی (۱) - ابوالقاسم کلانتری (۵)، احمد زرمی کاپیتن (۳)، غلام بیروانی (۴)، حسین مکریمی (۲)، مجید توتونچی (۱۲)، (از دقیقه ۵۷ ایاس عبداللهی،) علیرضا قشقاییان (۸)، حسین حسین زاده (۱۵) - هادی

آهنگران (۷)، علیرضا حیدری (۱۰) (از دقیقه ۷۶ حمید رحمت آمیز (۱۷) و رسول درشوریان ۹.

ذخیرهها: مجید سلیم پور، جمشید رسائی. مربی: عباس رضوی. رنگ پیراهن زرد.

تراکتورسازی: حمید ملک احمدی (۱) (از دقیقه ۸۰ داریوش حاج رشیدی (۲۶) - مجید ناطقی (۵)، خلیل سلیمی (۳)، ناصر میرزائی (۲)، ابراهیم طهماسبی (۱۵) - حسین نورمحمدزاده کاپیتن (۶)، پرویز علمانی (۱۷)، منصور کایانپور (۱۳) - عباس کارگر (۲۳) (از دقیقه ۲۶ تقی اخطاری (۲) پرویز مظلومی (۹) و مهرداد زمانزاده (۷)

ذخیرهها: بهرام گلشنی، مجید سوزنده و رحیم بهمنای اقدم.

مربی: محمد بیاتی رنگ پیراهن قرمز داور: رضا صاحب جمعی با کمک مرتضی زاهدی و خسرو رجبعلیان.

تماشاگر: ۱۰ هزارتن. درآمد: ۱۵ هزار تومان.

اخطار: ابراهیم طهماسبی از تراکتورسازی.

پنجشنبه ۶ خرداد ورزشگاه تاجگذاری شیراز: بازم یک داور در شیراز جنجال آفرید. پس از پایان مسابقه مقامات تربیت بدنی و هیئت فوتبال استان فارس به اضافه نیروهای پلیس و نماینده فدراسیون فوتبال، داور را از چنگ بازیکنان خشمگین برق شیراز نجات دادند.

تراکتورسازی در نیمه نخست با چهره ای کوبنده، برق را درهم شکست. برق درههه این نیمه تنها دوبرار شانس گل داشت که هر دو با شلیک دره - شوربان از کنار دروازه باخارج رفت. نخستین گل تراکتورسازی بدنبال ضربه کرنر زمانزاده در دقیقه ۲۸ با ضربه سر پرویز مظلومی، پس از برخورد با بدن مکریمی (مدافع برق) بدون دروازه رفت.

در دقیقه ۳۰، طهماسبی از کنار خط تا پشت محوطه جریمه برق نفوذ کرد و پاسی عالی به مظلومی داد و ضربه این یکی به درون دروازه رفت.

گل سوم تراکتورسازی درست ۲ دقیقه بعد بدست آمد.

شلیک مهاجم تراکتورسازی با مشت شیخ ایوبی پور به زمین بازگشت و توپ در بازگشت جلوی پای مظلومی افتاد و گل سوم تراکتورسازی بوجود آمد. برق در تمام ابعاد میدان دچار ضعف بود و چنان میدان را به تراکتورسازی سپرده بود که هر لحظه احتمال سقوط دروازه اش می رفت. تراکتورسازی یکبار توپ را به دیرک اقی برق کوبید و گوش چپ این تیم نیز دوبار توپ را روی خط دروازه از دست داد.

نیمه دوم، تراکتورسازان برای حفظ نتیجه در محوطه جریمه خود بدفاع پرداختند و همین باعث شد تا برقی ها با تمام وجود بر دیوار دفاعی تراکتورسازی بکوبند. در دقیقه ۳۶ روی ضربه آزاده غلام بیروانی گل نخست را برای برق

بنمر رساند و متعاقب آن اصرار تراکتور-سازان در وقت کشتی و لسیر شدن در زمین خود، برقی ها را با شتهای فراوان تر بسوی دروازه این تیم روان ساخت.

دقیقه ۸۰ آهنگران روی پاس خوب تشقاییان، گل دوم برق را بنمر رساند. در همان ۲۰ دقیقه آخر تلاش شدیدی برقی ها برای دستیابی به گل تساوی و تراکتورسازان برای حفظ نتیجه باعث شد که داور میدان را از دست بدهد.

ضربه سر عبداللهی متعاقب یکی از حملات شدید برقی ها وارد دروازه شد که

حالا رستاخیز خرمشهر همه امید خوزستانی ها در جام حذفی است



صحنه یزدخواستی با شماره ۸ پشت سر عزیز مراد صادقی به هوا خاسته تا خادم پیر (شماره ۱۰) مهاجم رستاخیز را از کسب توپ محروم کند.

مربی: عباس گیشونی

سپاهان: محمد شاهسوندی (۲۲) (از دقیقه ۳۰ رجنائی (۳۳) - مسعود تابش (۴) منوچهر کبیری (۵)، محسن بابائی (۳)، عزیز مراد صادقی (۴) - احمد مقنسی (۷) (از دقیقه ۵۵ ملافضل (۶)، محسن یزدخواستی (۸)، رسول خورشود (۲۱) - امیر شاهزیدی (۶) (۱) (۲) و رضا صفا پور (۳)

مربی: محمود یآوری.

داور: ارشد برازنده با کمک اشراقی و سراجیان.

تماشاگر: حدود شش هزارتن (رکورد تماشاگر در چند سال اخیر برای خرمشهر)

پنجشنبه ۶ خرداد، ورزشگاه خرمشهر: بازی با حملات سریع خرمشهریها با رهبری محمد زراعتکار با زینک خط سپانی

دو گل رستاخیز در نیمه اول سپاهانی ها را بهم ریخت و در میان باران این تیم تنها یزدخواستی هافبک سپاهان بود که هوشارانه و بر تلاش بازی می کرد و در این

رستاخیز (۲)

منصور حقیقت منشن (۱۰) خادم پیر (۳۰) صادق عویدی (۵)

سپاهان (۱)

محسن یزدخواستی (۳۸)

رستاخیز: محمد رضا یوسف علی (۱) - غلامرضا دانائی (۱۴)، حسین شمس (۵) صادق عویدی (۴)، محمد مرادی (۶) - عزیزطا هری (۹) (از دقیقه ۸۴ رضا ارجمند (۲)

هوشنگ خلیفه (۸)، محمد زراعت کار (۱) - منصور حقیقت منشن (۷) (از دقیقه ۸۳ عبدالله شیرآلی (۱۲) - عبدالرزاق خادم پیر (۱۰) و عبدالعزیز بشکارس (۳)

ذخیرهها: امیر گودرزی (۲۲) - علی شوشتری (۶) و رضا قره کولو (۱)



رستاخیز آغاز شد.

در دقیقه ۵ بشکار با پاسی زیبا که از خادم پیر دریافت کرده بود میتوانست دروازه افغان را باز کند و به دنبال از دست دادن این موقعیت در دقیقه ۱۰ پاس به موقع و دقیق هوشنگ خلیفه بازیکن خوب میانی رستاخیز خرمشهر حقیقت منشر را در موقعیت استثنائی قرار داد و این بازیکن با شوتی خوب از پشت محوطه جریمه دروازه سپاهان را گشود.

خرمشهریها که به دنبال حملات گسترده خود سپاهان را تحت الشعاع بازی همه جانبه خویش قرار داده بودند، به دنبال این گل در دقیقه ۳۰ توانستند بوسیله خادم پیرو با بهره گیری از پاس خوب بشکار دوین گل نیم خود را به ثمر رسانند. سپاهانیها علیرغم تجربه ای که دارند بعد از دو گل خرمشهریها همچنان سردرگم می نمودند و در این میان بردخواستنی هافبک خوب افغان تلاتی چشمگیر داشت و او بود که در دقیقه ۳۸ توانست نخستین و آخرین گل سپاهان را با استفاده از پاس عزیز مراد صادقی مدافع تیم خود به ثمر رساند.

در دقیقه ۵۵ صادق عویدی یک میانی خرمشهر در حالیکه تمام یاران حریف تختی دروازه بان سپاهان را در پیمل کرده بود آخرین گل خرمشهریها را از فاصله نئی نزدیک به ثمر رساند.

به دنبال این گل افغانیها عملاً نشان دادند که شکتست را پذیرفته اند و چیزی برای ارائه در میدان ندارند.

در دقیقه ۹۰ شوت محمد زارع استارک پس از اصابت به دریک دروازه سپاهان به دست یکی از مدافعین سپاهان خورد و داو اعلام پنهانی نمود. صادق عویدی این پنهانی را نتوانست به ثمر رساند و نتیجه همچنان سه بر یک به سود خرمشهریها پایان یافت. در پایان دیدار گشویی (مری تیم رستاخیز) گفت اگر ما بتوانیم از تمام قدرت خود چون امروز بهره برداری کنیم مسلماً بهتر از این خواهیم شد به خصوص که چشم ما در این جام به آن بالاهاست.

ملوان بازهم از آبادان بادست پر آمد

صنعت نفت (۱۰)

بعد از وقت اضافی ۲

بعد از ضربه های پنالتی ۴

حسین بهاریان (۷۵) ، حمدالله گلناریان (۹۵) ، قاسم پور و بهاریان (از روی نقطه پنالتی)

ملوان (۱۰)

بعد از وقت اضافی ۲

بعد از ضربه های پنالتی ۵

صیاد مصلح (۴۷) ، مسعود آذری

(۱۱۷) ، سلطان زادی، دشتی و صیاد مصلح (از روی نقطه پنالتی)

صنعت نفت : خسرو سالکی ۱ - عبدالعلی بیستیاچ ۱ ، جمشید بشکار دی (از دقیقه ۷۶ مسعود دهداری ۱۸) ، علی تلیده گر ۲۱ ، حسن پوریوسف ۲ - ابراهیم قاسمیور ۱۷ ، صفدر بنده ۶ (از دقیقه ۵۰ عبدالواحد بزیمه ۲) ، فریدون لقمان - علی اهوایی ۸ حسین بهاریان ۱۰ (کاپیتن) و حمدالله گلناریان ۱۳

ذخیره ها : علی هندجانی - محمود سراج و کریم سنگرگیر

مری : هاری گیم
ملوان : علی صیاد ۱ - محمود پیشگاه - هادیان ۷ ، نصرت ایراندوست ۶ ، منوچهر ناوران ۳ (کاپیتن) ، رضا ویشگاهی ۳ (از دقیقه ۶۶ مسعود آذری ۸) - قاسم سلطان زادی ۷ ، حسن دشتی ۹ ، ابوالفضل مزداستان ۱۴ (از دقیقه ۷۲ قادر عبدالهی ۱۵) - فرهاد صیاد مصلح ۲ ، غفور جهانی ۱۰ و علی نیاکانی ۶

ذخیره ها : رضوان احمدپور - میخائیل بطروسیان و محمد رضا رافت

مری : بهمن صالح نیا
داور : عباس مقدس زاده با کمک رشید حسن زاده و محمد اطهری

جمعیت : حدود ۱۲۰ هزار تن
درآمد : ۱۶۵۹۵۰ ریال

اختیار : فریدون لقمان از نفت ، سلطان زادی و دشتی از ملوان ورزشگاه رضابهلوی آبادان پنجشنبه

(۳ - ۲۵۳۵) بازی در حالی شروع گردید که دو تیم نیمه اول را با بازیابی یکدیگر و احتیاط منقالب پشت سر گذاشتند ولی باید گفت که در این نیمه تسلط نفتیها بر توپ و میدان مشهود بود خصوصاً فرارهای خوب قاسمیور و همکاران او با گلناریان بارها دروازه ملوان را از جنح چپ بخطر انداخت. در این ۴۵ دقیقه شمالیها کمتر حرکت جالبی داشتند و با اندیشه دفاعی و خشنی کردن راههای نفوذی تیم نفت، بازی را بحالت متعادل درآوردند. در نیمه دوم نفتیها کویندتر ظاهر شدند اما در دقیقه ۶۷ ملوان دریک ضد حمله سریع از توبی که از جناح چپ توسط مزداستان روی دروازه آمده بود گل

هر چند غفور جهانی هیچ بک از گل های ملوان را به ثمر نرساند اما حضور او دست کم از نظر روحی برای ملوانها کار ساز بود. در این صحنه او را در جدال کسب توپ برای بست سلاح می بینیم

صنعت نفت بعد از این گل همچنان در شکل تهاجمی باقی ماند و ملوان که در چنین مواقعی زیرک و با تجربه است در میان موج حملات نفتیها، بار دیگر یک ضد حمله سریع انجام داد و در دقیقه ۱۱۷ بوسیله آذری بار تازه نفس خود گل مساوی را زد این گل هم روی اشتباه مالکی دروازه بان صنعت نفت بست آمد.

پس از پایان وقت اضافی، دو تیم برای زدن پنالتی یاران برگزیده خود را انتخاب کردند.

اما ملوان در این مرحله با سه پنالتی توسط سلطان زادی، دشتی و صیاد مصلح در برابر دو پنالتی بهاریان و قاسمیور به پیروزی رسید.

صنعت نفت - که بک گل عقب افتاده بود - دست به هجومهای دانسته دار زد و آقدر بدنبال گل مساوی دويد تا سرانجام در دقیقه ۷۵ دروازه ملوان را گشود.

این گل روی نفوذ و پاس لقمان به قاسمیور و پاس این یکی به بهاریان زده شد. از این لحظه ببعد نفتیها برای پیروزی خود را بآب و آتش زدند اما ملوان با حفظ توپ اشتباهی آبادان را از بین برد و وقت قانونی با نتیجه ۱ - ۱ به پایان رسید.

درست ۵ دقیقه بعد از وقت قانونی، در دست چپ زمین روی قاسمیور خطا شد. این بازیکن خود توپ را روی دروازه ملوان فرستاد گلناریان بازیکنی و باحرکت سریع توپ را درون دروازه ملوان انداخت.

توپ را درون دروازه ملوان انداخت.

توپ را درون دروازه ملوان انداخت.

توپ را درون دروازه ملوان انداخت.

توپ را درون دروازه ملوان انداخت.

توپ را درون دروازه ملوان انداخت.

دروازه حریف ظاهر میشدیم بی درنگ توپ را از کف داده و در معرض یک حمله متقابل قرار میگرفتیم.

گرچه برزیلیان بخاطر روش بازی خویش اسناد حملات متقابل نیستند ولی این حالت معلوم نیست در برابر اروگوئه و نیجریه (دو حریف ناشناس) چه خطرانی داشته باشد.

ما از اروگوئه یعنی فوتبال معمولی آن دفاع و حملات متقابل را شناخته ایم یعنی چیزی که میتواند با توجه به کمبود سرعت در خط دفاع، موجب آسیب پذیری گردد

یک پیشنهاد

ما برای المپیک زیاد خرج خواهیم کرد آیا بهتر نیست خرجی هم برای شناختن تیم های اروگوئه و نیجریه بنمائیم و یکی از آگاهان خویش را بیدار و مطالعه این دو تیم بفرستیم؟

ضعف های دیگر

ضعف عمومی علاوه بر فقدان قدرت حفظ توپ، کمبود قدرت بدنی و سرعت و جلاکالی است و متأسفانه بازیکنی چالاک نظیر عزیززی نیز بی مقدمه حرکت میکند و معمولاً بی برنامه و بی بینش پایان میدهد. خط دفاعی تا پیش از رسیدن دذوالفقار - نسب دچار ضعف بیشتری بود، گرچه بعد از ورود او نیز ضعف دست از گریبان این خط بر نداشت. ضعف های این خط عدم آمادگی تا نیمه اول و عدم هم آهنگی دو یک میان در نیمه نخست بود در این خط اسکندریان یک بازی موفقیت آمیز داشت و بنظر میرسد که تیم ملی یکی از بکهای کنار خود را در سیمای او شناخته باشد. در نیمه دوم دذوالفقار نسب با سرعت خویش بسیاری از معایب را رفع کرد و اگر کنکور بین او و میرعفراتی قرار میگرفت و این باشد بنظر میرسد که در این پست برنده کنکور شده باشد.

درهم ریختگی خط دفاع در بسیاری جهات مربوط به خط هافبک می باشد. در این خط پروین دریاگریزی و عزیززی در جایگیری ضعیف بودند. عدم یاریگری پروین موجب میشد تا سیستم دفاع آزاد برهم خورد. چه حریف او آزادانه بخط حمله می پیوست و روی روی میرعفراتی قرار میگرفت و حریف میرعفراتی آزاد گشته آزادی عمل قلیچ - خانی را سلب میکرد و بدین روی روش یک آزاد ما نابود میشد. این ضعف گاهی نیز از تأخیر عزیززی سر میزد با این تفاوت که عزیززی حساب حرکات خود را نداشت و بی خبر از حریف خویش حرکت میکرد. باز به ضعف خط هافبک اشتباهات نظری

روی پاس ها کمک میکرد و وضعی را بوجود آورده بود که عملاً نقطه ضعف بزرگ تیم ملی را خط هافبک تشکیل میداد. در خط دفاع و میانی نیز یک ضعف بزرگ دیگر فرو رفته بودند که این می توانست مصیبت بار باشد و اگر بطرف نگردد مسلماً در دیدارهای آینده مصیبت بار خواهد شد این ضعف بزرگ عدم حضور ذهنی و نداشتن پیش گامی در حمله به توپ و زدن توپ های سرگردان است. دیده میشد که بخاطر این ضعف بارها توپ چون در محوطه خط دروازه ها قرار میگرفت آسان از چنگ برزیلیان خارج نمیشد و اگر هم خارج میشد بستم بازیکنان ما نمیرسید و در سرگردانی بسر می برد. در حالی که نخستین درس دفاع بهنگام فشرده گی بازی جلوی دروازه، تصاحب یا دور کردن توپ هرچه زودتر از منطقه خطر است. گل دوم تیم برزیل صرفاً بخاطر این ضعف ما بوجود آمد.

زدن توپ اول و حرکت زودتر از حریف بسوی توپ سرگردان حکم غیر قابل انکار دفاع در حل فشرده گی بازی جلوی دروازه است.

خط حمله علیرغم دوگلی که زد نیارند کار جدی و شاید تغییر و اصلاح است. شاید در حال حاضر بهتر از نورائی نداشتیم و اگر این چنین هم باشد باز نورائی راضی کننده نبود. شاید او فصل متوسطی را پشت سر می نهد در این مدت اردو پیشرفت کند ولی بهرحال غیر قابل جاننشین نمی باشد. خورشیدی بعد از یک آغاز رنگ بریده در سیمای جمعی، روزگار خوبی را در نیمه دوم بوجود آورد و جاننشین او شهیندزی کارمشتی انجام نداد. در تمام خط حمله و در تمام تیم تنها قیافه روشن درخشان بود. او که سازنده و صاحب مردود گل ایران بود گل های دیگری نیز پایه گذاری کسرد که یاران او نتوانستند کاری از پیش ببرند.

یک کلام کلی

فوتبال ما هنوز احساسی است و گوئی هر دو گل ما نیز روی صحنه های احساسی و حرکات کاملاً انفرادی زده شد. این فوتبال احساسی تا بصورت فوتبال منطقی و حساب شده و توجیه شده در آید و ببرد بروز در صحنه های المپیک بخورد راه درازی در پیش دارد راهی که پیش پای مهاجرانی قرار گرفته است. او در نخستین رهبری خویش نشانه ای از خونسردی بروز داد و بنشانه رهبری ترمیمی که در خط دفاع بعمل آورد سخت موثر بود ولی اومی توانست ترمیم های دیگری نیز صورت دهد.

ضعف دفاع ایران عامل پیروزی ترکیه بود. ناشنویان ایران (۰). ناشنویان ترکیه (۱).

دقیقه ۴۰ صفا (۹)

ناشنویان ایران: حمید اسیری (۱) - مرتضی بیروزی (۲)، محمد نیکسهر (۴)، سرویک بغوسیان (۹)، مهدی صمدی پور (۵) (از دقیقه ۷۳ علیرضا شهیرزادی (۱۲) - سعید کشمیری (۸)، مجید رضاخانی کاپیتان (۳)، حمیدرضا رضاپور (۱۱) - محمد حسین چاوشی (۱۴)، اردشیر مجاوریان (۱۰) و عباس آقاخانی (۱۳). ذخیره ها: نادر جیبی، شهرام میرزاقانی، ناصر کیمپانی و حمید نظری، مریم و سرپرست: رسول مدد نومی، رنگ بیراهن: سبز

ناشنویان ترکیه: انور (۱) - کتان (۲) از دقیقه ۸۰، مصطفی (۱۳)، اردینج (۴)، چنگیز (۵)، فرهاد (۳) - هالیت (۸)، محبت (۱۰)، اوکان (۶) - عزت (۷)، صفا (۱۰)، ویلال (۱۱). ذخیره ها اسماعیل (۱)، محمد علی، امین و نهایت، رنگ بیراهن سفید، داور: محمود خوشخوان یا کمک: منصور احمدی و شوقی تماشگر: حدود ۳۵ هزار تن

حجمه ۷ خرداد ۲۵۳۵، ورزشگاه

شهبانو فرح: تیم فوتبال ناشنویان ایران در گذار مسابقات مقدماتی المپیک ناشنویان که در سال آینده در بخارست انجام خواهد شد، با یک گل از تیم ناشنویان ترکیه شکست خورد. طبق قرعه کشی، مسابقه رفت ابتدا در تهران انجام شد و مسابقه برگشت در ترکیه برگزار خواهد شد. صعود ایران برای راهی به المپیک ناشنویان مشکل بنظر میرسد. ترکیه ها در بازی برگشت با یک نتیجه مساوی نیز می توانند به المپیک ناشنویان

کره، مغلوب تیم ملی بلغارستان شد

مسابقه ای با تیم ملی این کشور صفر بر سه مغلوب، بی زبان شد. تیم ملی کره مدت ها است در اردو بهسر میرسد و هیچک از بازیکنان تیم ملی جوانان این کشور را - که اخیراً در بانکوک به همراه ایران تهرمان شد - به همراه ندارد.

باید یکباره کنشان زد، ابروی سملکت را ریخت و این پایگاه هایی را که به خون دل بدست آمد یکباره از دست داد؟

مطلب مربوط به حضور شایسته خیلی طولانیست و در این شماره جای همه آن نیست، فقط ما با اشاره به مقدمه این نوشته از رئیس سازمان تربیت بدنی و از هیئت تدارکاتی کمیته ملی المپیک میخواهیم که فوراً دعوتنامه ها و فرامه ای را که از طرف فدراسیون های بین المللی به نام ایران فرستاده شده بخواهند و به آنها ترتیب اثر دهند و تصمیم بگیرند برای آنکه صاحبان مقامات بین المللی در بعضی نظربازی و غرض ورزی مقامات نوا قرار نگیرند، بعضی آنکه به یک مقام بین المللی دست بافتند و فوراً از هر سمتی که در فدراسیونها دارند کنار گذاشته شوند و مستقیماً به کمیته ملی المپیک ایران وابسته شوند تا از اصطلاحک با منافع فدراسیونها در امان بمانند.

و چه نیکوست در این المپیک که ما چندان بختی برای بست آوردن مقامات خیلی بالا نداریم، لاقال در هر برج بین المللی که از نام پندگمان ما دعوت شده است شرکت کنیم و در آنجا که با بخت و فرصت داده اند که صاحب مقامی شویم، تلاش کنیم که حتماً آنرا بدست آوریم.

شوروی تیم ملی فوتبال ایران را صعود کننده میدانند

لهستان در قدرت جام جهانی نیست

خبرگزاری تاس از سکوگزارش داد که فیفا تایید می‌کند که تیم ملی فوتبال شوروی متقد است که تیم ملی فوتبال این کشور برای اولین بار بعد از بیست سال به مدال طلای قهرمانی فوتبال المپیک دست خواهد یافت. او شوروی، لهستان (قهرمان دوره قبل) و جمهوری دموکراتیک آلمان را مدعیان بزرگ قهرمانی خواند.

سیمونیان - که در المپیک ۱۹۵۶، ملیون عضو تیم ملی شوروی بود و با آن تیم به مقام قهرمانی رسید - و پیش‌بینی کرد که تیم‌های جمهوری دموکراتیک آلمان، اسپانیا، فرانسه، لهستان، ایران و شوروی به احتمال بسیار زیاد به یک چهارم نهایی راه خواهند یافت، اما راجح به دو تیم دیگر آنها را نظری نکرد.

تیم ملی شوروی بعد از یک مسابقه در بوداپست با تیم ملی مجارستان در کیف اردو خواهد زد و سپس برای تدارک بیشتر دو هفته‌ای قبل از المپیک به آمریکا جنوبی می‌رود و سه مسابقه دوستانه انجام می‌دهد.

از سوی دیگر خبری داشتیم از فوتبال لهستان که با ایران هم گروه است.

تیم ملی لهستان در مسابقه‌ی دوستانه و تدارکاتی صفر بر دو مغلوب تیم ملی جمهوری ایرلند شد. جانب اینجا است که این مسابقه در شهر پوزنان لهستان انجام گرفت.

دان گونز، کوش‌چپ تیم کوئینز پارک رنجرز قهرمان این مسابقه بود و هر دو گل تیمش را در دقیقه ۱۰ و ۱۵ به ثمر رساند اما تیم جمهوری ایرلند در برابر تیمی سراسر تهاجمی و کوبنده نشانه‌ی از موسیقی خوب درآینده را داد به ویژه در نیمه دوم که آنها سخت زیر فشار حملات لهستان بودند. اما سسوق شدتند بسیار راحت خود را از زیر بار این فشار و نگرانی از شوقیست بیست هزرتن تماشاگر برهانند.

لهستانی‌ها کند و در پاس‌ها خطا کار بودند به ویژه این که با ریزش باران در بین دو نیمه کار برای آنان مشکل تر شد.

بهترین بخت لهستان در دقیقه ۵ بود. آندرز ژارنباخ شهپور (ساترفوروارد تیم لهستان) گل حتمی را از ه متری دروازه خالی هدر داد و این لحظه‌ی بی بود که لهستان یکبار موفق به شکستن دفاع جمهوری ایرلند شده بود.

این چهارمین شکست لهستان از چهار مسابقه‌ی بی‌دربی بود. اهمیت مسابقه لهستان و ایرلند از آن جهت بود که لهستان

تدارک دفاع از قهرمانی در موتورال را می‌بیند و ایرلند برای مقدماتی جام جهانی راه خود را آغاز کرده است.

ایرلندی‌ها در بازی با توپ سریع و در درگیری‌ها مصمم تر بودند. آن‌ها حملات زهره‌دارتی کردند و گل اول حاصل یک هدیه بود. هینک او روفسکی مدافع وسط و عجول تیم لهستان، پاس ناقصی به پان - توپسازوفسکی دروازه‌بان خود داد و توپ سرگردان را «گوز» به درون گل فرستاد. گل دوم گونز حاصل مهارت شکفت انگیز هایکنگ والش در کنترل توپ بود. والش از این دو مدافع گشت و توپ را به گونز داد و این یکی با ضربیه‌ی محکم از ه متری توپ را به گوشه دروازه کوبید.

توبازوفسکی - که عامل مهم حذف تیم ملی انگلستان در جدال دوسال پیش و میلی بین لهستان و انگلستان بود - (مقدماتی جام جهانی ۱۹۷۴) در مورد هر دو گل مقصر نشان داد و گی ایرلند هم شایسته پیروزی بود.

حملات لهستانی‌ها نمیتوانست گشایند راهی از دفاع یارگیر ایرلند باشد و ایرلند بعد از دو گل زود هنگام همیشه آماده بود تا حمله کند.

در برخورد والش و مدافع لهستان، بازیکن ارزنده ایرلند بعد از ۳۵ دقیقه مجبور به ترک زمین شد و کرچه جانشین او (زی تریسی) خوب بازی کرد اما ایرلند قدرت بداعت و کوبندگی اش را بسیار زود از دست داد.

میشل کترینز دروازه‌بان ایرلند روز بزرگی را گذراند.

لهستان بدون هاینک سازنده اش (کازیمیرزدی) قادر نبود حمله هماهنگ و مؤثری به دروازه ایرلند بی‌ریزی کند. تنها کریگور لاتو قادر بود مدافع مستقیم خود را به زحمت اندازد و هرگاه اراده کند از او بگذرد. اگر کریگور در روزی بزرگ نبود لاتو به طور قطع گل می‌زد.

جمهوری ایرلند که چهار سال پیش در جام جهانی کوچک ۱۹۷۲، استقلال برزیل (دوریک از ایران برد، ابتدا پاکل همین دان گونز گل خورده اول را جبران کرد و بعد با یک گل مشکوک به آساید پیروز شد. اما حالا آنان با امید بسیار به جام جهانی می‌نگرند. مسابقه آنان با فرانسه خواهد بود.

از آنجا که دانستن اسامی بازیکنان تیم لهستان برای فوتبال دوستان ایران بسیار مهم است در زیر به درج نام آنان می‌پردازیم: توپسازوفسکی (مولیک) -

واروفسکی، پانائین نهودا، رودی، کاسیرزاک، بونیک (بنیکر) کارلوفسکی (یا کوپ ژاک)، لاتو، ژارماخ و کسیمیگ.

خط میانی مشکل بزرگ مهاجرانی

بعد از ظهر چهارشنبه گذشته، تیم ملی فوتبال در ورزشگاه شهبا نون فرخ تمرین کرد. حشمت مهاجرانی مربی تیم بهرام کمک- هایش (اصغر شرفی و عزت وطنخواه) بازیکنان را زیر نظر داشتند. چهره‌های ملی پوش برای بازی در مقابل نماینده فوتبال برزیل تا حدود زیادی - در همین تمرین شناخته شدند.

تمرین، با کار کردن روی توپ آغاز شد. هر دو بازیکن با یک توپ در فاصله‌ای کوتاه با ضربه‌های بغل پا و روی پا یکدیگر پاس میدادند. بعد از «دقیقه فایلمه روفتر زیاد شد و هر بازیکن روی توپی که بار مقابلش می‌فرستاد حمله میکرد و توپ میگرفت.

پا به توپ حرکت کردن در عرض زمین و نرمش، تمرین بعدی بود. شجاعی بعلت کشیدگی عضله پا و مظلومی بغاطر درد کمر پا یکدیگر تمرین میکردند.

بازی دستجمعی

مهاجرانی دو تیم قرمز و سبز انتخاب کرد. ابتدا بدون اینکه سبزها پا قرمزها مزاحم یکدیگر شوند با پاسکاریهای منظم به دروازه مقابل پیش رفته و شوت زدند - قرمز و سبزیز روی یکدیگر قرار گرفتند و هر بازیکن فقط حق داشت دوشربه به توپ بزند بعد از ۱۰ دقیقه، بازی بستور مهاجرانی حالت آزاد پیدا کرد و بازی اصلی از اینجا آغاز شد. در نیمه اول در تیم قرمز افشاری، عابدیان، غیاثی، پنجعلی، خبیری، مایلی کهن، بوسی، شهیندزی، خردبین و بشکار بازی کردند.

راغفر، اسکندریان، میر نغزایی، قلیچ خانی، پروین، نظری، عزیز، روشن، نورانی و خورشیدی تیم سبز را تشکیل میدادند. در نیمه دوم ذوالفقارنسب بجای میر نغزایی و تقوی بجای روشن به بازی گرفته شدند.

نیمه اول تمرین که ۲۰ دقیقه طول کشید بدون گل بود و در نیمه دوم روی پاس پروین اسکندریان دروازه قرمزها را

باز کرد.

در وقت استراحت دو نیمه، مهاجرانی برای هر دو گروه سبز و قرمز صحبت کرد. مهاجرانی معتقد بود که خط میانی با دو جناح حمله و دفاع باید در ارتباط دائم باشد. اگر خط میانی عالی کار کند در هر مسابقه پیروزی دور از دسترس نخواهد بود. بازیکنان در طول ۹۰ دقیقه باید در خدمت تیم باشند و کسی به استراحت نپردازد. مهاجمان در وقت حمله و میدانداری و حفظ توپ حریف باید مراقب مدافعان مستقیم خود باشند و مزاحم کار آنها نباشند. جاگیری و شکافت انداختن در دفاع حریف، از نکته هائی بود که مهاجرانی به آن اشاره کرد. مربی تیم ملی اصرار فراوان داشت که در پشت محوطه جریمه بازیکن صاحب توپ حق شوت زدن دارد. بازی سریع و دادن توپ به نزدیکترین یار، هدف مهاجرانی است.

هدف اول قدرت بدنی

بعد از پایان تمرین مربی تیم ملی گفت: «بیشتر بازیکنان در شرایط خوبی بسر میبرند. ترکیب اصلی تیم تا حدود زیادی برای من روشن شده و نفرات اصلی را چند ساعت قبل از مسابقه با برزیل اعلام میکنم. تا آغاز جام ملت های آسیا بیشتر روی قدرت بدنی و کار کردن و تمرین با توپ، تکیه میکنم. بیشتر بازیکنان در شرایط نزدیک به یکدیگر بسر میبرند و این باعث میشود تا در انتخاب تیم بیشتر دقت کنم. بازیکنان خط میانی همه نزدیک بهم هستند و خیال من از این جناح آسوده است ولی اگر همین خط میانی بوقت مسابقه وظیفه اش را انجام ندهد، تیم بزمحت می‌افتد. باز هم چند نفر را به اردو دعوت خواهم کرد...»

شرایط روحی بازیکنان خوب بود. این در تمرین تیم کاملاً مشخص بود. بازیکنان همگی صحبت‌ها و دستورهای مهاجرانی را با دقت گوش میکنند و با کمال میل به آن عمل میکنند. اما یک اردو بی تیم ملی است که همستگی و تلاش برای رسیدن به یک هدف مشترک، از جانب همه دیده میشود.

۱۲ کلاس برای مینی بسکتبال

حداقل ۱۵ سانتیمتر داوطلبان باید هنگام ثبت نام سه قطعه عکس ۳×۳ و یک برگ فتوکپی شناسنامه، رضایت نامه ولی و گواهی پزشک مینی بر سلامت کامل داشته باشند.

شروع کلاسها از اول تیرماه خواهد بود. حداکثر شرکت کنندگان در هر کلاس ۲ نفر می‌باشد. محل تشکیل کلاسها با توجه به آدرس داوطلبین به اطلاع آنان خواهد رسید.

کمیته مینی بسکتبال قدراسیون بسکتبال ایران با همکاری انجمن بسکتبال آموزشگاههای ایران و تربیت بدنی آموزشگاههای تهران اقدام به تشکیل ۱۲ کلاس مینی بسکتبال در مناطق مختلف تهران برای نوجوانان و جوانان کرده است از دانش آموزانیکه دارای شرایط زیر هستند همه روزه از اول تا ۱۵ خرداد از ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر در ورزشگاه محمدنعمیری ثبت نام بعمل می‌آید.

پسران: سن ۱۰ الی ۱۴ سال - قد حداقل ۱۶۰ سانتیمتر.

دختران: سن ۱۱ الی ۱۴ سال - قد

تیم بریج ایران سی و هشتم شد

مونت کارلو - تیم بریج ایران در مسابقات جهانی بریج بعد از پیروزی ۴ برده بر تیم گینه جدید و تساوی ده برده با تیم بلژیک سی امتیاز دیگر بدست آورد و در جمع ۴ کشور شرکت کننده به مقام

دو غربی و دو شرقی برای تصاحب جام پیکار میکنند

شنبه هفته گذشته چهار مسابقه برگشت دوره یک چهارم نهایی جام ملت های اروپا انجام شد و تیم های آلمان غربی (قهرمان جهان) هلند (نایب قهرمان)، یوگسلاوی و چکسلواکی به دور نیمه نهایی راه یافتند. چکسلواکی و یوگسلاوی که در مسابقه رفت دو گل برتری در کیسه داشتند به ترتیب دو بر دو با شوروی و یک بر یک با ویلز مساوی کردند و جای خود را در نیمه نهایی محکم ساختند.

آلمان غربی در مونیخ دو گل در همان نیمه اول زد و با نتیجه مساوی مسابقه رفت در مادرید به نیمه نهایی گام گذاشت. آلمان ها در نیمه نهایی به جنگ شرقی های یوگسلاوی میروند.

یوگسلاوی به «کاردیف» رفت و در آنجا «یوسپ کاتانچسکی» بازیکنی که در فرانسه بازی میکند، اسید ویلز را گرفت. «یان ایوانز» قبل از پایان نیمه اول گل مساوی را زد اما «تری بورات» کاپیتن تیم ملی ویلز در اواخر مسابقه یک پنالتی را هدر پیروزی پنج بر صفر هلند بر بلژیک در مسابقه رفت، دیدار برگشت در بروکسل را

پیکاری تشریفاتی کرد و در این تشریفات هلند دو بر یک پیروز شد. چکسلواکی که در برابر ایتالیا و اسبابه رفت را دو بر صفر از شوروی برده بود، در مجموع چهار بر دو از حریف و رقیب نیرومند پیش افتاد و کاسی دیگر به سوی قهرمانی برداشت. قبل از شوروی، تیم ملی انگلستان به دست چک ها قربانی شد.

تیم ملی شوروی که در مسکو به قصد انتقام آمده بود مسابقه را با هجوم آغاز کرد، اما دفاع چک که سخت و مستحکم شده است، این حملات را بی نتیجه گذاشت و چکسلواکی در دقیقه ۴۴ با ضربه «ژوزف» سوده یک گل هم پاداش گرفت.

سودر با ضربه پنالتی ایونی یوردانکف دروازه بان شوروی را تسلیم کرد. این لندهو بود یک بود که در دقیقه ۵۴ گل مساوی را برای شوروی زد و زمینه رقابت را دوباره ایجاد کرد.

اما یک بار دیگر میهمانان برتری یافتند زیرا «سوده» در دقیقه ۸۲ گل دوم خود و چکسلواکی را به ثمر رساند. شش دقیقه بعد اولنگ بلوخین بزرگ تیم شوروی از حیثیت تیم خود دفاع کرد و

گل مساوی را زد. او با ضربه سر دروازه بان چک را از بازی درآورد.

آلمان غربی با یک پیروزی قاطع بر اسپانیا راه به نیمه نهایی را هموار کرد. بعد از تساوی یک بر یک آلمان ها در مادرید، آنان با پیروزی دو بر صفر نتیجه لیلی را سه بر یک بسود خود کردند و ماه دیگر در بلگراد مسابقه نیمه نهایی رفت را بر ابرایوگسلاوی انجام خواهند داد.

گل های آنان در دقیقه هفدهم توسط «اولی هونس» و در دقیقه چهل و دوم با ضربه کلاوس تاپ مولر بست آمد.

هونس باز کشت خود را به تیم ملی با گلی جشن گرفت که از سوی «بیر» گوش راست آلمان غربی سانتر شده بود. او سر ضرب توپ را به درون دروازه اسپانیا کوبید.

تاپ مولر آغاز بازی در تیم ملی را با شکلی زیباتر از هونس نتوانست بنیان گذارد. او که برای بار اول پیراهن ملی آلمان غربی را پوشیده بود، درست در همان جشن جامی قسرار داشت که میگوئل آتخل دروازه بان تیم ملی اسپانیا شلیک قیصر فرانتس بکن باوئر را بر گردانه بود و او توپ را شش بار بدرون گل کوبید.

با وجود این دو گل، آلمان غربی قانع نبود و در مقابل اسپانیا فرست های گل زنی را بست میآورد. اسپانیا در دقیقه چهارم به یک قفسی گل رسید ولی ضربه سانسی پانا مهاجم همیشه خطرناک اسپانیا به دیرک دروازه خورد.

سانسی پانا و همبازی اش «کوروا» در پیشانی تیم اسپانیا بارها دفاع آلمان غربی را بزمخت انداخته و سپه مه سر دروازه بان ملی آلمان غربی را با کاپوس گل مواجه ساختند. شوارتزن بک دفاع تیم ملی آلمان غربی در این مسابقه باز هم وضع مشکوک خود را نشان داد و باعث ضعف تیم آلمان بود.

به این ترتیب اسپانیا بعد از اینکسه ژنرال مادرید را در نیمه نهایی جام باشگاههای اخیر اروپا متوقف دید، این بار تیم ملیش را نیز نتوانست از سد قهرمان جهان یعنی آلمان غربی بگذراند.

دیدار دیگر نیمه نهایی جام فوتبال ملت های اروپا بین چکسلواکی و هلند خواهد بود. به این ترتیب دو تیم از غرب و دو تیم از شرق اروپا برای یافتن جام قهرمانی روانه شده اند و بی تردید پیکار دو غربی برابر دو شرقی در نیمه نهایی جالب و قابل بحث خواهد بود.

وزنه برداران جوان به کدانسک لهستان میروند

۷۵ کیلو: وارد شیرشمس از اهواز
مربی: پرویز جلابر
داود: نبی زاده
سرپرست تیم: محمد ذهتاب

سال گذشته با شکل گرفتن نخستین دوره مسابقه های وزنه برداری قهرمانی جوانان جهان که در بندر ماریس فرانسه برگزار شد - از ایران یک تیم کامل (۹ تن) و چهار همراه حضور داشتند این تیم در میان ۳۵ ملت شرکت کننده با زدهم شد. بهترین فرد تیم محمد رستگار رضایی وزنه بردار ۶۰ کیلویی تبریز بود که در مجموع چهارم شد و در تک حرکت یکضرب مدال نقره گرفت وزنه برداران بلغارستان قهرمانی جوانان ۵۰ کیلو را فتح کردند و شورویها دوم شدند.

تیم ملی وزنه برداری جوانان ما متشکل از شش وزنه بردار و چهار همراه روز ۱۳ تیر تهران را بقصد لهستان ترک میکنند.

دومین دور مسابقه های وزنه برداری قهرمانی جوانان جهان از ۱۶ تیر بمدت ۹ روز در کدانسک لهستان واقع در مرز شوروی برگزار میشود و سرپرستی تیم با آقای امیرمسعود پرومند رئیس فدراسیون وزنه برداریست.

افراد غیر ارتداز:

۵۲ کیلو: حسن عمیدی از تبریز، پرویز دوانی از تهران
۶۰ کیلو: شهرام بوسنی از تهران
۶۷/۵ کیلو: مصطفی باکیزه جم و تنی گلابگیران از تهران.

دانمارک پنج گل به قبرس زد

لیماستل در مسابقه رفت گروه اول مقدماتی جام جهانی در اروپا تیم ملی دانمارک بعد از خوردن یک گل زود هنگام دروازه تیم ملی قبرس را گل باران کرد و

در جام فوتبال استقلال آمریکا برزیل با یک گل انگلستان را برد

در نیمه دوم برزیل با تعویض مارکو آنتونیو و آوردن فرانسسکو مارینهو ستاره سورجام جهانی ۱۹۷۴، دومین تعویض به موقع و مؤثر خود را انجام داد. ظهور مارینهو الهام بخش برزیلها شد تا حملات خود را از چپ پی ریزی کنند و یک شوت عالی سی متری از سوی او به دیرک دروازه انگلستان خورد.

در همین روز تیم ملی ایتالیا با تیم ستارگان آمریکا در واشینگتن مسابقه داد و چهار بر صفر پیروز شد. گل های تیم ایتالیا را کاپلو (دقیقه ۱۵)، پولیچی (پنالتی دقیقه ۲۲) گرازیانی (دقیقه ۷۴) و روجا (دقیقه ۸۴) به ثمر رساندند. این مسابقه سی و سه هزار و پانصد تن تماشاگر داشت و در تیم آمریکا ستارگان مشهور فوتبال مانند پهل، بابی مور، دیوکلنتس، و کینتالیا بازی میکردند.

مسابقات فوتبال جشن دویستین سال استقلال ایالات متحده آمریکا با شرکت تیم های ملی برزیل، انگلستان و ایتالیا و مجموعه ستارگان فوتبال ایالات متحده آمریکا از هفته پیش آغاز شد. در اولین روز تیم های ملی برزیل و انگلستان در لوس آنجلس با یکدیگر نبرد کردند و تیم ملی برزیل با گل آخرین دقیقه اش بر تیم ملی انگلستان یک بر صفر پیروز شد. روبرتو با زینکن تیم ملی برزیل - که در نیمه دوم به زمین آمده بود - توی را که با ضربه کرنر به سوی دروازه آمده و چیل آن را به دهانه گل فرستاده بود از نزدیک وارد دروازه ری کلنسن دروازه بان تیم ملی انگلستان کرد.

انگلستان با اینکه حاکم بر میدان بود نتوانست از بخت های گل خود سود جوید.

... و ستاره ای که هنوز میزد رخشد

ایرهای تیره بارد یگر کنار رفت و ستاره درخشان نشتی ایران ابرمرد دلاوری که بارها پرچم سه رنگ ایران را در اقصی نقاط ملل جهان با هتزاز درآورد.

دوست عزیز شمس الدین سیدعباسی چهره نامدار کشتی ایران موفقیت و پیروزی روزافزون را در راه خدمت پشاهنشاه آریامهر و کشور سرد پرو ایران پیش از پیش از خداوند متعال مسئلت داریم. بندر عباس - سیدرحمان و علی سجادی

اطلاعیه

دعوت از خوانندگان روز جهت جشن عروسی.

زییافت برادران رسولی

(کم دین های معروف) تلفن ۶۴۵۴۲۶

تسلیت

جناب آقای هوشنگ دهبان

با اندوه فراوان فوت مادر گرامیتان را به آنجناب و خانواده ارجمند تسلیت میگویم.
بافر زلفشان

جناب آقای هوشنگ دهبان مصیبت وارده را از صمیم قلب تسلیت عرض مینمایم.

هروس باغبویان، محمد اطهری، رشید حسن زاد، محسن دشتگرد.

جناب آقای هوشنگ دهبان

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمان تسلیت گفته و بقی عمر شما و خانواده را از خداوند متعال خواستاریم

آقایان هوشنگ و هما یون دهبان

فوت مادر گرامیتان را از صمیم قلب تسلیت عرض مینمایم حسین فرزای

جناب آقای هوشنگ دهبان

از دست دادن گوهر نایب مادر گرامیتان را تسلیت گفته و برای شما و خانواده ارجمندتان صبرشکبانی آرزومندیم

سازمان کونگفوی تاج

جناب آقای هوشنگ دهبان

دیر فدراسیون فوتبال ایران
بانهات تأثر درگذشت مادر گرامیتان را از طرف خود و بریان افراد تیمهای فوتبال بانک ملی ایران تسلیت گفته سلامتی شما و خانواده محترمان را از خداوند متعال مسئلت مینماید.
باشگاه با تکمیلی ایران - محمد چوپینه

جناب آقای هوشنگ دهبان دیر فدراسیون فوتبال ایران

با کمال تأسف فوت والده مکرسه را از سوی جامعه ورزشکاران بندر پهلوی صمیمانه بان جناب تسلیت عرض نموده با آرزوی سلامتی برای شما و خانواده محترمان از خداوند صبر و شکبانی برایتان آرزو دارم.

از طرف جامعه ورزشکاران بندر پهلوی - ناظم جاهدی

جناب آقای هوشنگ دهبان دیر فدراسیون فوتبال ایران

درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده بقاء عمر با زماندگان را از خداوند متعال خواهانم.

اصفهان - خیرگزار ورزشی را دو تنویزیون و مطبوعات - هدایت بهیانی

جناب آقای هوشنگ دهبان

خبر تأسف آور و اندوهبار درگذشت مادر عزیز گرامیتان مرا بشدت متالم و متأثر نمود. ضمن عرض تسلیت به حضور آن دوست بزرگوار و خانواده محترم مرا نیز در غم بزرگان شریک و سهمیه بدانید.

حمید بالالی اسکونی.

جناب آقای هوشنگ دهبان دیر فدراسیون فوتبال ایران

درگذشت مادر عزیز و گرامیتان را تسلیت عرض نموده و بقی عمر با زماندگان را از خداوند متعال خواهانم.

کمیته فوتبال بیمه حافظ، مهربان شاهرخی - محمد ترابی

جناب آقای دهبان دیر فدراسیون فوتبال ایران

با نهایت تأسف مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده از خدای بزرگ صبر و شکبانی برای آن جناب و خانواده محترم آرزو مند است.

هیأت فوتبال آذربایجان شرقی

جناب آقای هوشنگ دهبان دیر فدراسیون فوتبال ایران

با نهایت تأسف و تأثر فوت والده گرامیتان را صمیمانه به آن جناب تسلیت عرض نموده بقی عمر شما و خانواده محترمان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

از طرف هیأت فوتبال شهرستان بندر پهلوی - کبر صادقی

جناب آقای هوشنگ دهبان

دیر فدراسیون فوتبال ایران
با نهایت تأثر و تأسف درگذشت مادر عزیزتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده بقی عمر آن جناب و با زماندگان را از خداوند متعال مسئلت مینمایم.

از طرف ورزشکاران و کارکنان باشگاه تراکتورسازی - حسین اردبیلی

آقای هوشنگ دهبان

مصیبت مرگ مادر گرامیتان ما را هم عزا دار نمود

آقای هوشنگ دهبان

مصیبت مرگ مادر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض مینمایم

هیأت فوتبال کرمانشاه

جناب آقای هوشنگ دهبان

دیر فدراسیون فوتبال ایران

درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده از خداوند متعال برای جنابعالی صبر و شکبانی آرزو مینمایم

جناب آقای دهبان دیر فدراسیون فوتبال ایران

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت مادر مهربانیت را از صمیم قلب تسلیت عرض نموده از خداوند متعال بقاء عمر آن جناب و خانواده محترم را خواستاریم.

با زیکنان تیم فوتبال ماشین سازی تبریز

جناب آقای هوشنگ دهبان

دیر فدراسیون فوتبال ایران

فوت مادر گرامیتان را تسلیت می گوینم.
اعضای هیأت فوتبال استان فارس و کمیته برگزاری جام تخت جمشید - دکتر کلانی - عباسی - دکتر صادقی - دکتر قاسمی - مهندس سدید - دهراد طبران

جناب آقای هوشنگ دهبان دیر فدراسیون فوتبال ایران

با اندوه فراوان درگذشت مادر عزیزتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده بقاء عمر آن جناب و با زماندگان آن مرحوم را از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم.

گازیک مهربان، مربی فوتبال ماشین سازی تبریز

جناب آقای هوشنگ دهبان دیر فدراسیون فوتبال ایران

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت والده گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم صمیمانه تسلیت عرض مینمایم.

از طرف سازمان فوتبال ماشین سازی تبریز - علی کاظمی

جناب آقای هوشنگ دهبان

در نهایت تأثر درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت گفته خود را در این مصیبت بزرگ شریک میدانم.

از طرف فوتبال بازان شهرستان دزفول - غلامعلی کبابی

جناب آقای دهبان

مصیبت وارده را از صمیم قلب تسلیت گفته بقی عمر شما و با زماندگان را از خدای متعال محمد خوشبین

جناب آقای دهبان

مصیبت وارده را از صمیم قلب تسلیت گفته بقی عمر شما و با زماندگان را از خدای متعال خواستارم.

رشید پور

جناب آقای هوشنگ دهبان

با کمال تأثر و تأسف درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده بقی عمر و سلامتی با زماندگان را از پروردگار بزرگ مسئلت دارم

هیأت فوتبال دزفول - دکتر بهمن سهرابی

جناب آقای هوشنگ دهبان

سرپرستان و روسای کمیته های داوری استانها و فرمانداریهای کل و همچنین اعضاء کمیته داوران و داوران رده های مختلف فوتبال سراسر کشور درگذشت ناگهانی مادر عزیزتان را تسلیت گفته و خود را در غم شما شریک میدانم.

کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران

جناب آقای هوشنگ دهبان

دیر فدراسیون فوتبال ایران

اعضای باشگاه برق شیراز درگذشت مادر عزیزتان را تسلیت می گویند و آرزوی صبر و شکبانی برایتان دارند.

باشگاه برق شیراز

جناب آقای دهبان دیر فدراسیون فوتبال ایران

با زیکنان تیم فوتبال برق شیراز در غم جنابعالی شریکند

مربی تیم - عباس رضوی

جناب آقای هوشنگ دهبان

درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض مینمایم.

مصطفی سبزی

جناب آقای دهبان

بانهات تأسف درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض مینمایم.

از طرف کارکنان تربیت بدنی استان کرمانشاه - سعودی - تقی زاده

جناب آقای هوشنگ دهبان

با کمال تأسف مصیبت وارده را بشما تسلیت میگویم.

از طرف ورزشکاران و هیئت مدیره باشگاه ورزشی تهران جوان پرویز زافره

محمدعلی چتر باز انگلیسی را بزیر کشید

مونخ - محمدعلی یکبار دیگر ثابت کرد که در جهان مشت‌زنی بهترین و بزرگترین است.

محمدعلی در سن ۴۳ سالگی قدرت برتر خود را بر ریچارد دون، ۳۳ ساله از بریتانیا نشان داد و حریف را در «المیاهال» مونخ در دور پنجم از پای درآورد. مشت‌زن بزرگ جهان بعد از پیروزی انتقاد آمیزش بر جیمی یانگ این بار دون را یوآنی را به طرز ناشکوهی شکست داد و نمایشگر قدرت و اوج آمادگی گذشته‌اش شد. این بار حریفی مغلوب شد که بسیار شجاع و جسور بود.

بریتانیایی با تجربه و کار دیده بعد از دو دقیقه و پنج ثانیه از دور پنجم از کار افتاد و داور مسابقه را قطع کرد در حالیکه تا آن لحظه هیچگاه زهره‌تاجی دست نکشید. او ده از بهترین مشت‌زنان سال قبل بوده به راستی استحقاق مبارزه در حد قهرمانی را داشت و محمدعلی را در یکی از روزهای اوجش به زحمت انداخت.

محمدعلی که مسابقه را با دقت و سرعت آغاز کرده بود در دور چهارم سه بار دون را به کف محنت انداخت و سه بار دیگر در دور پنجم این برتری را نشان داد. محمدعلی برای این مسابقه یک میلیون و شصت و پنج هزار دلار (بیش از یک میلیون تومان) دریافت کرد. دون فقط ۱۲۵ هزار دلار یعنی حدود یک میلیون تومان گرفت.

محمدعلی قبل از مسابقه مطابق معمول برحرفی کرد، جنگ اعصاب راه انداخت و سعی در ستیز زدن ساختن روحیه حریف نمود. او گفت:

« ریچارد دان فرانکیشن خونخوار مشت‌زنی است، او زشت و وحشتناک است و با مشت‌هایی که من به او خواهم زد، بدقیافه تر خواهد شد! محمدعلی قبل از وزن کشتی روز یکشنبه، با حادثه‌ای روبرو شد که برای چند دقیقه سوختن نگرانی او دستیارانش را فراهم ساخت.

قضیه از این قرار بود که درست موقعی که محمدعلی از ترازو پایین آمد و میخواست لباس بپوشد، تخته زیر پایش شکست و چندین نفر از جمله محمدعلی سقوط کردند.

مادر محمد علی که در محل بود از صدای خرد شدن تخته‌ها که مثل صدای انفجار یک بمب در سان پیچید شو که شد. وقتی محمدعلی را از لای تخته‌ها بیرون کشیدند فریاد کشید خدا مرا اجازت داد. او رو به مردمی که ناظر صحنه بودند کرد و گفت شما هم بروید مسلمان شوید تا همیشه خدا پشت و پناشما باشد.

محمد علی هنگام وزن کشتی یکمید کیلویی تمام بود اما قول داد که بهنگام مسابقه با دان به وزن آرمانی ۵/۶ کیلو برسد و رسید.

حریف محمد علی (ریچارد دان) ۳۳ ساله در این مسابقه قبل از اینکه مغلوب محمد علی شود، چند بار او را تهدید کرده بود که این بار حتماً مغلوب خواهی شد ولی ضربه‌های چپ و راست و مستقیم محمدعلی و

رگبار های او در دور پنجم و دویار زمین خوردن دان نشان داد که رجز خوانی های قهرمان اروپایی ما به بوده در قهرمان جهان تأثیری نکرده است.

محمد علی در این مسابقه برای شانزدهمین بار از عنوان قهرمانی جهان دفاع کرد. او از ۵ مسابقه‌ای که تا کنون داده ۵۲ مسابقه را برده که ۳۶ تای آن با ضربه ننی بوده است.

محمدعلی دو هفته دیگر در ژاپن یک دیدار نمایشی - که امید است از مشت‌زنی و کشتی ژاپنی خواهد بود - برگزار خواهد کرد که پیروزی یا شکست در آن نمیتواند در عنوان جهانی او تأثیری بگذارد.

ضرر کردیم!

برگذار کنندگان مسابقه محمدعلی و ریچارد دان پس از پایان مسابقه اعلام کردند که متحمل ضرر هنگفتی شده‌اند زیرا تعداد زیادی از کارت‌های مسابقه نافرورش مانده است.

آلمانی‌ها میگویند اگر طرف مقابل محمدعلی یک آلمانی بود، حاضر بودیم تا نیمه‌های شب بیدار بمانیم و بابت تماشای مسابقه پول بدهیم ولی وقتی یک انگلیسی با محمدعلی مسابقه میدهد آنهم در ساعت ۳ بعد از نیمه شب هیچ دلیلی ندارد که هم پول بدهیم و هم بیخوابی بکشیم!

برگذار کنندگان مسابقه، چند ساعت قبل از شروع مسابقه تعداد زیادی از کارت‌های هزار ماریکی را صدمارک فروختند و از مجموع ۱۳ هزار کارت چاپ شده فقط ۶ هزار تای آنرا به قیمت اصلی عرضه کردند.

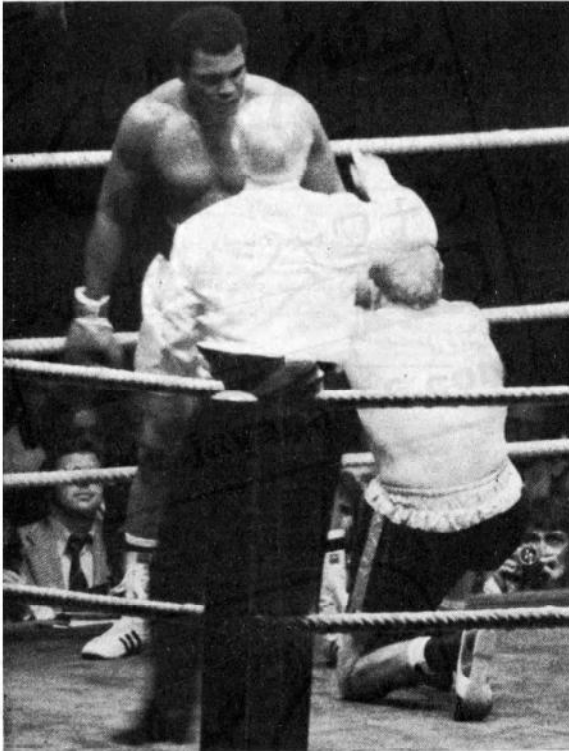
محمدعلی خود هزار کارت گران قیمت خرید و بین عده‌ای از دوستداران خود و بخصوص سربازان امریکایی مقیم مونخ تقسیم کرد تا مسابقه او و ریچارد دان را مجاناً تماشا کنند و البته برای قهرمان جهان هورا بکشند!

دیدار اختصاصی محمدعلی

ساعت ۱۱/۳ روزیکشنبه دوم خرداد در جلوی مهمانخانه «پاریش هوف» مجلل‌ترین هتل مونخ، یک مراسم بنز ... و شکی رنگی توقیفی کنه. محمدعلی و چند تن از همراهانش از آن بیاده میشوند و سرعت وارد مهمانخانه میشوند.

صداها خیرنگار و عکاس و دوستداران محمدعلی که برای گرفتن امضاء آمده‌اند، جلو هتل منتظر او ایستاده‌اند. همه میخواهند پشت سر او وارد هتل شوند ولی مأموران انتظامی از ورود خیرنگاران و بقیه مردم جلوگیری می‌کنند.

من به هر شکلی که شده از لابی آنهمه مسؤورد میشود و وارد هتل میگردم. می‌پرسم محمدعلی در کدام اتاق است؟ میگویند در اتاق ۳۰۲ ولی شما نمیتوانید به آنجا بروید. او میخواهد تا نهار بخورد و بعد استراحت کند.



صحنه‌ای است از دور چهارم مسابقه محمدعلی - ریچارد دان که حریف انگلیسی برانو درآمد و چنان می‌نماید که زانو زده و به محمدعلی التماس می‌کند که دیگر نزند!

من علاقه بیشتری پیدا کرده‌اند.

مجله‌های کیهان ورزشی را می‌گیرد و یک یک آنها را بدقت نگاه میکند و رو به بردارش رحمن کرده و شادمانه میگوید: «بین، اینها چقدر به من علاقه دارند؟»

بعد محمدعلی از من خواش می‌کند که پس از خروج از اتاق، مجله‌ها را حتماً به پدرش که در رستوران هتل نشسته به نشان بدهم. او میگوید میخواهم با ابتکار هم عده‌کثیری هستند که محمدعلی مسلمان را دوست دارند.»

قهرمان جهان، سینه‌ای صاف می‌کند و می‌گوید: «خوب برادر، حالا میخواهی با من صاحبه کنی؟»

گفتم: «اگر لشکالی نداشته باشم.» با اظهار تأسف گفت: «از ساعت ۵ صبح تا حالا نزدیک به ۲ کیلومتر دویده‌ام و بسیار خسته هستم. الان می‌خواهم ناهاری بخورم و استراحت کنم.»

تسکین می‌دهد و می‌گوید: «من به ایران دعوت شده‌ام و در آتبه نزدیک به یک کشور شما می‌آیم و پنج روز میهمان شما هستم. آنجا تحت اختیار شما و مجله شما هستم و هرچه خواستید برایتان حرف می‌زنم. آنقدر که خودتان بگویند پس است.»

دیدم پرونی و مساجت جایز نیست. چند عکس از او گرفتم و اتاقش را ترک کردم. تا دم در اتاق مرا بدرقه کرد و گفت:

«به امید دیدار نزدیک در ایران. از آمدن شما خوشحال شدم.»

به حرف اینها اهمیتی ندمیدم و خود را به طبقه سوم برسانم. جلو اتاق ۳۰۲ هم چند تا مأموران و محافظان محمدعلی ایستاده‌اند و جلوی مرا می‌گیرند.

چند خیرنگار دیگر هم خود را به آنجا رسانده‌اند و یکی از آنها خیرنگار روزنامه معروف امریکائی «واشنگتن پست» است. اما مأموران به هیچکس اجازه ورود ندمیدند.

من، کارت خیرنگاری خود را بدست یکی از مأموران میدهم و از او خواهش می‌کنم که پیش محمدعلی برود و بگوید یک خیرنگار ایرانی میخواهد چند دقیقه‌ای او را ببیند. مأمور خواهش مرا می‌پذیرد و وارد اتاق محمدعلی میشود.

چند لحظه بعد، محمدعلی خودش در اتاق را باز می‌کند و با چهره‌ای شناس می‌گوید: «کجاست برادر ایرانی من؟!»

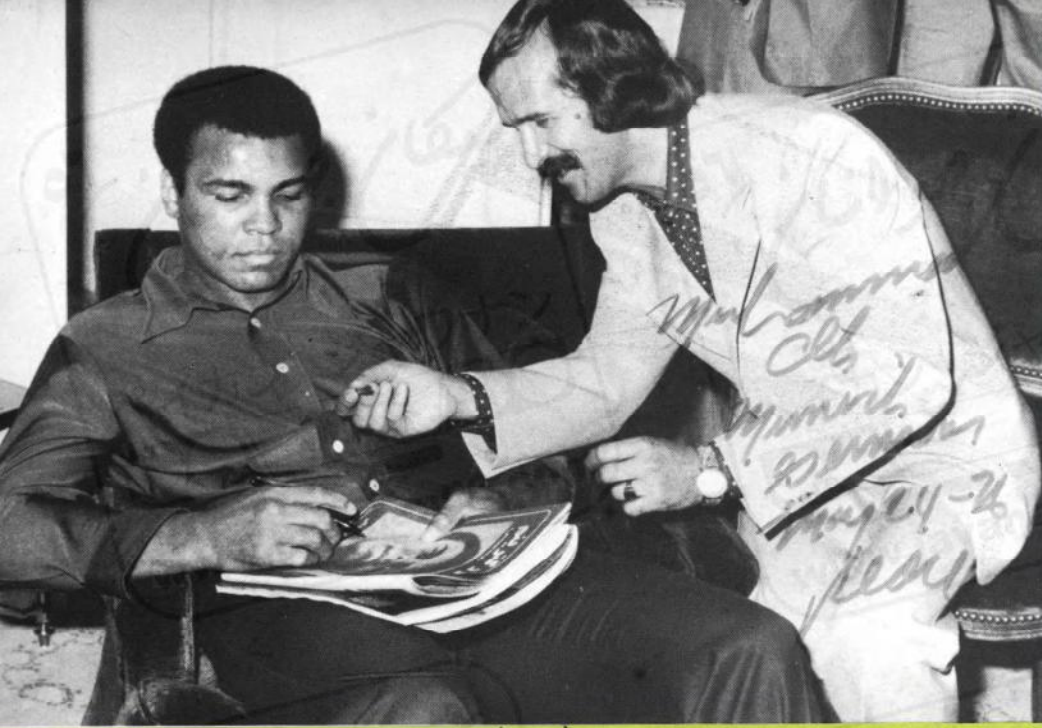
جلو بروم و خود را معرفی میکنم - دستش با بطرف من دراز می‌کند و مثل خودمان میگوید: «سلام علیکم» و در همین حال مرا داخل اتاقش میبرد.

برادرش رحمن علی از جا بلند میشود، جلومی‌آید و پس از سلام کردن صورت مرا میبوسد و با مهربانی و ادب روی صندلی کنار محمدعلی می‌نشیند.

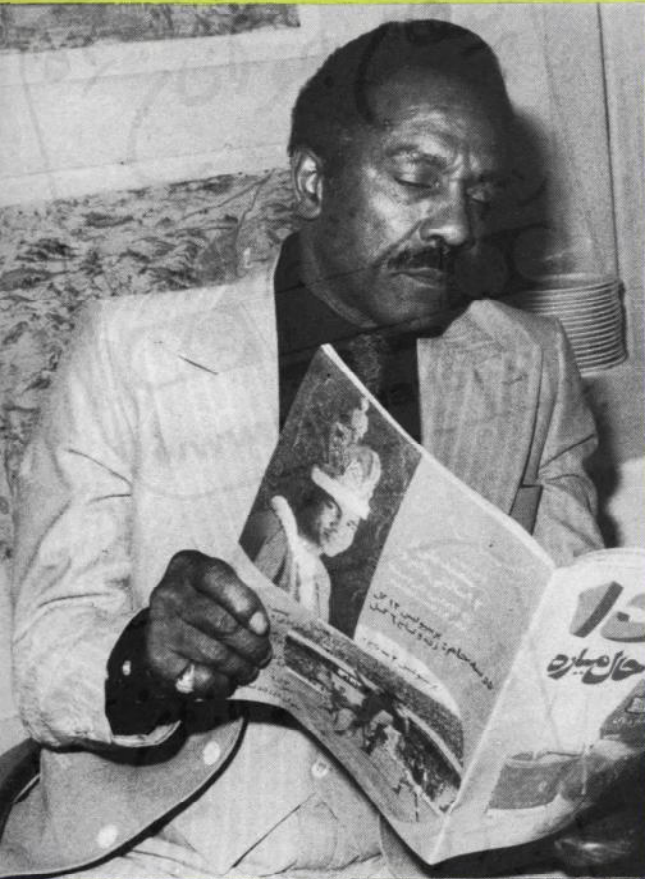
رو به محمدعلی میکنم و میگویم: «آمده‌ام چند دقیقه‌ای با شما صحبت کنم.» چند تا از ششراه‌های کیهان ورزشی را که با خود برده بودم، به او نشان میدهم و میگویم این مجله‌هاست که هر هفته مطالبی درباره شما چاپ می‌کند چون مردم ایران به شما علاقه فراوانی دارند.»

محمدعلی می‌خندد و میگوید: «میدانم، از وقتی مسلمان شده‌ام، هم من همه مسلمانان جهان را دوست دارم و هم آنها به

محمدعلی و خوانندگان ما

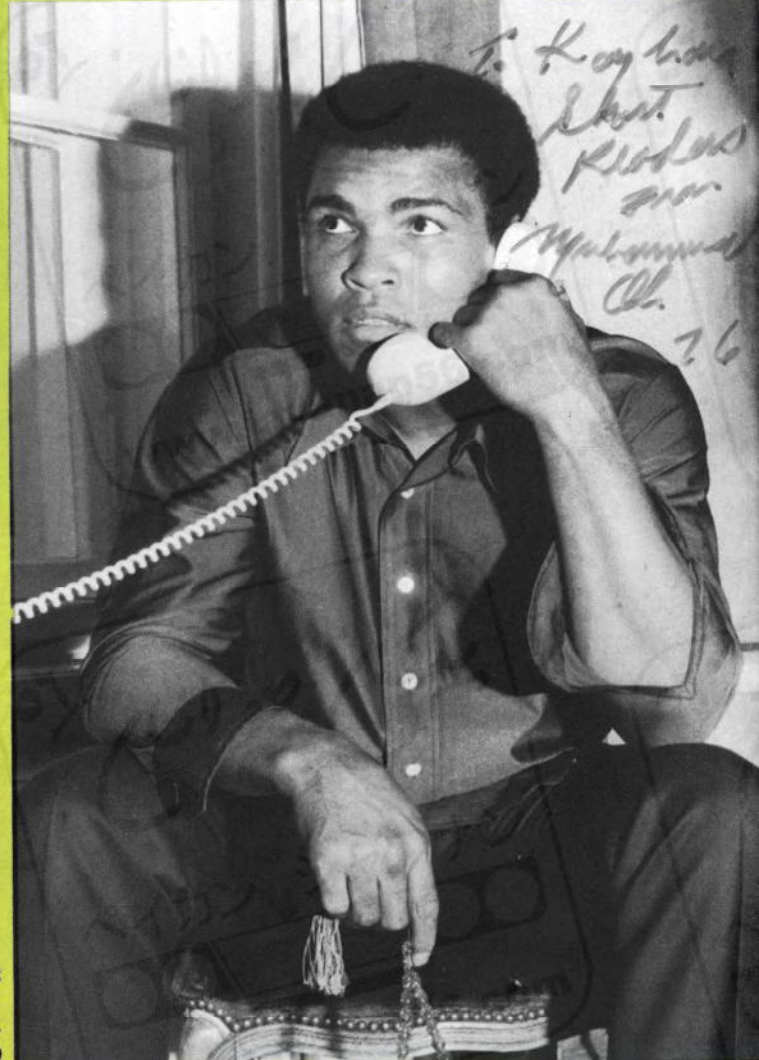


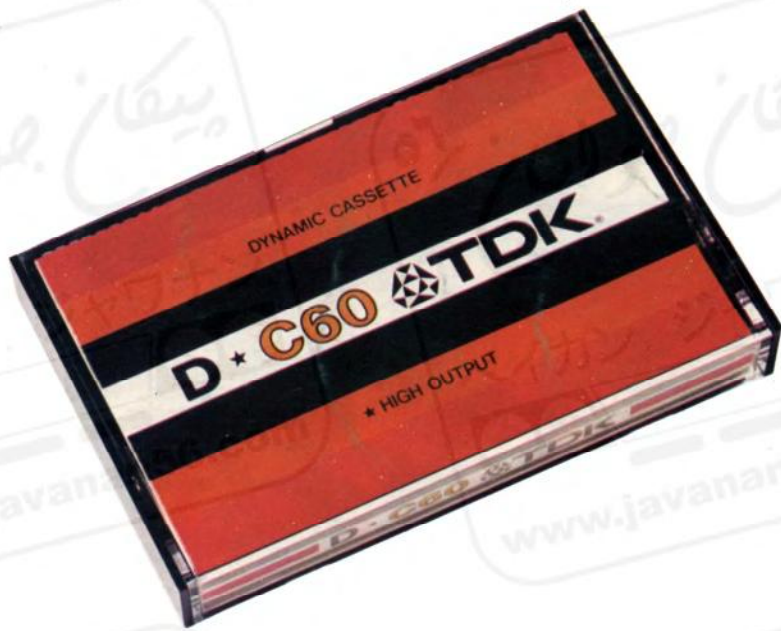
نورالله صرافیان به محمدعلی:
«قهرمان، لطفاً این عکس را برای
علاقتمندان فراوان خود در ایران امضاء
کنید.»
و محمدعلی نوشت: محمدعلی،
مونیخ، آلمان، ۱۹۷۴-۱۹۷۵



پدر محمدعلی مشغول تماشای
عکسها نیست که از محمدعلی و
خانواده اش در شمازه ۱۱ کیهان ورزشی
چاپ شده است. او و همسرش بدنبال
پسرشان به مونیخ رفته بودند.

محمدعلی بخط خود
نوشته است:
تقدیم محمدعلی به
خوانندگان کیهان
ورزشی





شهرت بین المللی تی دی کی

واقعیتی است که بهترین کالاها موفق ترین آنها هم هستند. بدین سبب است که کالای ما بکرات مورد تقلید قرار میگیرد. چون تقلید کاست تی، دی، کی، امکان پذیر نیست. تقلیدکننده ما میکوشد از طرح ما کپی کند. بدین خاطر است کاست تی، دی، کی. اینک چهره تازه ای پیدا کرده است.

چهره ای بین المللی و ما میتوانیم مطمئن باشیم که این بسته بندی بزودی مورد تقلید قرار خواهد گرفت. بطوریکه در موارد قبلی اینطور شد. اما دقت کاست تی، دی، کی قابل کپی و تقلید نیست. همچنانکه نوع جنس نوارهای تی، دی، کی و صدای آن قابل کپی کردن نیست. این کاست تی، دی، کی شما چهره تازه ای خواهد داشت بطوریکه شافرق و تأثیر را کاملاً تشخیص خواهید داد

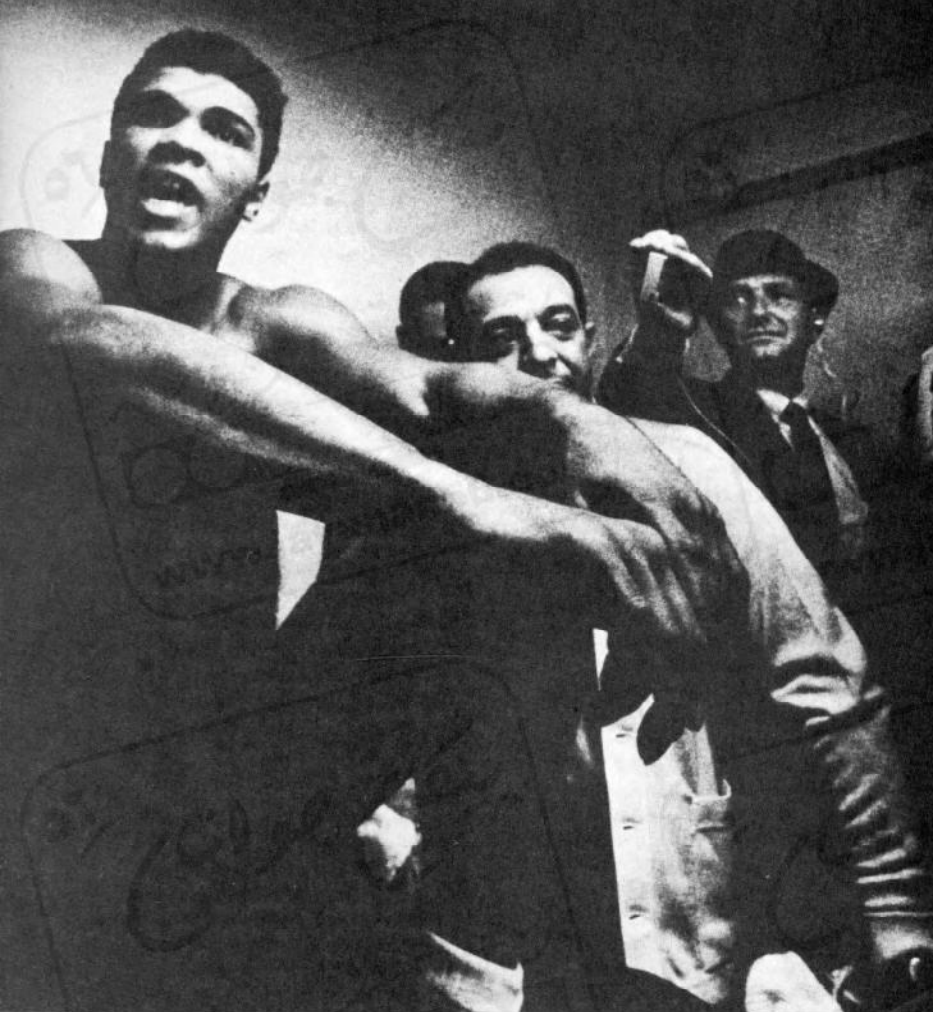
 **TDK**

بطور پشتگیری بهتر است

New York London Dusseldorf
TDK ELECTRONICS CO., LTD.
14-6, 2-chome, Uchikanda,
Chiyoda-ku, Tokyo 101, Japan

ضیائے

<http://www.javanan56.com>



دنیای ورزش تا کنون فهرمانی نه به قدرت محمدعلی دهبه و نه به هشجاری و سوغ شلسلی او و دلیل بزرگ موفقیت مطلقاً بی نظیر محمدعلی در همین دو علت نهفته است. او هر کاری که میکند و هر کلمه‌ای که میگوید و همه این رجزها که میخواند، کلاً حساب شده است و منظور جلب نظر میلیون‌ها تن بسوی خود او و سابقه‌ای است که در پیش دارد. او از نخستین روزهایی که وارد دنیای حرفه‌ای‌ها شد از استادان بزرگ تبلیغات در آمریکا، درسهای لازم را خوب فرا گرفت.

اینکه اجازه دهد من و او مسابقه‌ای انجام شود. او گفته بود «حالا زمانی است نه این فرصت‌ها باید به آمریکاییان خوب داده شود. اگر کلی می‌خواهد مبارزه کند بهتر است باویت کنگها بجنگد. من دوسانی دارم که پسران آنها به ویتنام رفته‌اند و جان خود را در آنجا باختند. تا وقتی که کلی در ارتش خدمت نکرده یا عاف نشده باشد من میل ندارم فریزر در صحنه با او درگیر شود. جولونی و جن تونی در ارتش خدمت کردند. حالا کلی با دست‌آویز «پیشوای روحانی مسلمانان» می‌خواهد از این وظیفه سبهنی شانه خالی کند. فریزر مظهر آمریکاییان خوب است و من نمی‌خواهم با این کارت تصویر خوب او بخطر بیایم.»

صبح روز بعد فکر بگری بخاطرم رسید. انسان دلبستم جو در خانه بانک دورهام برپا شد. باین علت شماره تلفن خانه بانک را گرفتم. خود او گوشی را برداشت. گفتم:

«بانک. رلشتو بگو. آیا تو وجو از مسابقه با من فرار میکنی؟ رلشتوبین بگو!» «دیوونه شدی؟» «اگه اینطوره چرا تو وجو دربار مسابقه با من حرف تمیزین و سروصدا راه نمیندازین؟»

«چراشو خوب میدونی احمق جون! اونا بتو اجازه نمیدن. همین روز است که بندازت تو هلقوونی و کمان نمیکنم با حالا کسی شنیده باشد که در زندان مسابقه‌ای بر سر عنوان جهان‌مندی

و تنبیه شدن «گزاره گوی» ، دهن کشاد و نامیهن برست» باشند.

و حاضرند پول کلانی با من منظور ببرد از من. در آنصورت احتمال اینکه یک مسابقه‌ساز بتواند مقاومت‌ها را درهم بشکند وجود بیاید.

فرصت من داشت تمام میشد و چند روز بعد محکومیت اعلام میشد و کلایم عقیده داشتند که احتمال زندانی شدن من خیلی زیاد است و گرچه همه جا میگفتم که دیگر علاقه‌ای به مسابقه‌های مشت‌زنی ندارم ولی حقیقت این بود که با تمام وجودم می‌خواستم مشت‌زنی کنم. ضمن استوار کردن مدعیان تاج نهرمانی‌ام، ثابت ازارد چارلز، جک دیسی و همه مشت‌زنان بزرگ دیگر، نتوانستند انجام دهند، من میتوانم انجام دهم و پس از مدتها دوری از صحنه‌های مشت‌زنی بهترین مشت‌زنانی را که به مصافم می‌آیند شکست دهم.

مردم دو گروه بودند. آنها که می‌خواستند پیروزی مرا به بینند و کسانی که شکست مرا آرزو میکردند. همه آنها یک چیز می‌خواستند: تماشای مسابقه من با یک رقیب نیرومند و قویترین مشت‌زن آن زمان جو فریزر قهرمان جهان بود.

در میان دار و دسته جو فریزر، آرتو کاوفین که یکی از اربابان نیرومند او بود اعلام کرده بود ترجیح میداد شریک پرستاده‌ای مانند فریزر را ترک کند تا

نه سال قبل از آن گونی گونی از این نامه‌ها بمن میرسید با این تفاوت که نویسندگان آن نامه‌ها از امضاء کردن نامه‌اشان وحشت نداشتند. نامه‌های محبت آمیزی که بمن میرسید بسیار زیاد بود از جمله نامه‌هایی که رؤسای کشورها می‌نوشتند و پیروزی مرا تبریک میگفتند. پرزیدنت قوام تگرومه از غنا، احمدین بلا از الجزیره، شارل دوگل از فرانسه، دعوت جمال عبدالناصر رئیس جمهوری مصر، شادباش از پرزیدنت فرانسوا دووالیه از هائیتی، ملک فیصل عبدالعزیز از عربستان سعودی، ذوالفقار علی بوتو از پاکستان جکلیج نخست‌وزیر ایرلند.

ولی هرگز نامه‌ای برای تبریک یا دعوت از کاخ سفید آمریکا دریافت نداشته بودم. این بویزه از آن جهت که تمام قهرمانان سنگین وزن پلشتنای جک جانسون - به کاخ سفید دعوت شده بودند چندان بی‌معنی نبود. تنها نامه‌ای که از یک رئیس‌جمهوری آمریکا بمن رسیده بود نامه اول آوریل ۱۹۶۷ در مورد خدمت سربازی من بود. در آن نامه از من خواسته شد بود عروزی ۲۸ آوریل خود را به حوزة سربازگیری هوستون معرفی کنم.

اگر آنطور که نویسنده نشریه شیکاگو تریبون نوشته بود، من «یک غول سنگین وزن تبعیدی نامحسوب و بی شکست» بودم تنها راه رهایی از این وضع برخورد رود رو با جو فریزر، «غول محبوب و بی شکست مشت‌زنی» بود.

حدود چهار تابستان از زمانی که عنوان سرباز گرفته بودم می‌گذشت. با مسابقه‌سازانی که سعی می‌کردند محرومیت مرا خنثی کنند، ملاقات کرده بودم. وقتی که تابستان سال ۱۹۷۰ سر رسید مطمئن بودم که هیچ مسابقه‌ساز آمریکایی نمی‌توانست یک مسابقه قانونی برای من ترتیب دهد. و کلایم از دادگاه عالی درخواست می‌کردند که تا روشن شدن قطعی وضع من، اجازه دهند برای شرکت در مسابقه از آمریکا خارج شوم.

عده زیادی از مردم عادی و معروف و سازمانهای مختلف سیاه‌پوستان از دادگاه عالی می‌خواستند تا تصمیم نهائی اجازه دهند به کارم ادامه دهم.

میکائیل ملتسر استاد حقوق دانشگاه کلیما که می‌کوشید برای من اجازه کار در نیویورک بگیرد به یک قاضی دادگاه فدرال گفت: «هر سبم که به قدسناست آزادی می‌شود حق دارد در مدتی مسابقه انتظار شروع بجنگش را داشته باشد. به نار و زندگی‌اش ادامه دهد.»

ولی این تلاش‌ها و تلاش‌های بسیار دیگر ثمری نداشت نظرم می‌رسید بهترین و محکمترین وسیله برای شکستن این سد بوجود آوردن احتمال یک مسابقه بین من و فریزر بود. زیرا این مسابقه می‌توانست پردرآمدترین مسابقه مشت‌زنی باشد.

این فکر سوغتی به ذهنم رسید که تقریباً همه ایده‌هایم را از دست داده بودم و اندک مسابقه‌سازانی هم که می‌کوشیدند برای من جواز کار بگیرند، ناامید شده بودند.

لژون آمریکایی‌ها و کهنه‌سربازان جنگهای خارجی و سفیدپوستان نژاد پرست اظهار کرده بودند که مسئولان هر ورزشگاه که من اجازه مسابقه در ورزشگاه خود را بدهند با تحریم آنها روبرو خواهند شد و حتی سعی خواهند کرد در ورزشگاه را تخته کنند.

بیشترین درآمد من در آن روزها از راه سخنرانی در کالج‌های نیویورک بستم می‌آمد. من با همه‌جور افراد ملاقات می‌کردم و بدون توجه به نوشته‌های روزنامه‌ها، احساس می‌کردم که این مردم از من حمایت می‌کنند. موقمی این را باور می‌کردم که آنها می‌گفتند حق من برای مسابقه دادن دفاع می‌کند و با بزدلان انداختن من - که احتمال آن در آن روزها بسیار بود - مخالفت می‌کردند.

برای اینکه مسابقه‌سازان را وادار کنم همچنان بخاطر ترتیب مسابقه‌ای برای من تلاش کنند می‌بایست به آنها ثابت کنم که مردم می‌خواهند شاهد شکست و

انجام شده باشد دلشس اینها! «
ولی آکه مردم بخوان مسابقه ما دوتا را به بین ،
آکه ماها به اونا نشون بدیم . که مردم چطور برای این
مسابقه بی تاین ، اونوقت چی؟
«چدفکری تو کلته ، کاسیوس؟»
«جو کجاست؟ گوش رو بهش بدم»
«جو ، بیا اینجا ، کاسیوس میخواد باها ت حرف
بزنه»

«جو ، امروز چه ساعتی تمرین میکنی؟»
«ساعت چهار ، برای چی می پرسی؟»
«کجا»
«در ورزشگاه خودم . چرا می پرسی؟»
«برای اینکه قراوه من و تو ساعت چهار امروز با هم
گردگیری کنیم»
«جو چند لحظه ساکت شد و بعد که منظورم را فهمید
گفت:

«یعنی منظورت اینه که — به نمایش کوچولو
راه بیانندازیم؟» و توجه مردمو جلب کنیم . بعدش هم
آدمهای تو ، تورو بگیرن و آدمهای من هم سئو . ما هم
جوری رفتار کنیم که انگار میخوایم کله همدیگه رو
بکنیم؟»
«اره . حالا گوش کن به بین چی میگم . من حالا به
همه روزنامه های ، رادیوها و تلویزیونها تلفن میکنم .
به اونا میگم که توگفتی من دلشو ندارم که به محل
تمرین تو با دارم . منظور سومی همی؟»
«حرفتویزن»

«بهبشون میگم توگفتی که آکه جرئت کنم و پا به
محل تمرینت بذارم دخلمو بیازی . بهبشون میگم که
ساعت چهار امروز به محل تمرین جو میرم و حسابمو
باهاش تصفیه میکنم . میخوام همه مردم بیان و ببینن
آکه قراز باشه روزی یک مسابقه درست و حسابی بین
من و جو انجام بگیره چطوری تیکه پاره ش میکنم . منظور سو
میفهمی جو؟»

«هیچ آدم عاقلی این حرفارو باور نمیکند . من یکی
که باورم نمیشه»
«اون مهم نیست جو . اونا خیال میکنن ما دو تا
سیاه احق و دیوانه اوفنداز هم نفرت داریم که دست
بهر کاری بزنیم . همه مردم دنیا میخوان مسابقه ما رو
تماشا کنن . جو ، این چیزیه که مردم میخوان و کسی هم
نمیتونه جلوی خواست اونا رو بگیره . مردم سراسر دنیا
با نامه از من میپرسن بین من و تو کدوم یکی بهتر و قویتره .»
«از این نامه ها بین هم می نویسن .»

«پس اونا چطوری میتونن با خواست مردم دنیا
مخالفت کنن ؟»
«با انداختن توی خریه زنون!»
«بهر حال این حرفه که من به همه اونا میگم . و
میگم که خیال دارم قبل از رفتن به زنون امروز بعد از ظهر
بیام سر وقت تو . و میخوام قبل از رفتن به زنون حسابی
ادب ت کنم .»

«جو که کم کم موافقت خود را نشان میداد و براه
میآمد ، گفت:
«خوب ، باشه ، منم بهبشون میگم : گور پدر دمیلیون
دلار ، گور پدر ، مسابقه قرن» این شهرهای دوسیه مثل ما
باندازه کافی جا نداره . یکی از ما دوتا باید از اینجا بره و
اونی که میره کاسیوس کلیه ! یکی از ما دوتا باید
همین امشب از این شهر بره!»

«درسته جو . بهبشون میگم تصمیم گرفتیم همین
امشب حسابمونو پاك کنیم . و هیچ هم اهمیت نمیدیم
که این گردگیری در کجا انجام میشه .»
«جو که دیگر حسابی با طرح من موافق بود ، گفت :
« بهبشون بگو بمن تلفن بکن و من حرفهای تورو
تأیید میکنم . بهبشون میگم که کلی حق نداره باشو
به فیلا دلفیا بذاره . این کا کاسیومی بایست تولوئیژیونل
هنونجا که بدنیا اومده بمونه و باشو هم از اونجا بیرون
نداره . ما به دستکش وسیله دیگه ای هم احتیاج نداریم .
دندان در برابر دندان ، خون در برابر خون و استخوان
برای استخوان ! خدا محافظ احق جون !»

به تمام آنها که مورد نظرم بودند تلفن کردم و خود
آنها هم دیگران را خبر کردند . بطوریکه چند دقیقه بعد
از بسیاری از ایالات امریکا و حتی از پاریس و لندن بمن
تلفن میشد . آنها میخواستند واقعبت را بدانند و من چنان
از گردگیری با جو حرف میزدم که کسی کوچکترین
تردیدی پیدا نمیکرد .

ساعت سه و نیم بعد از ظهر بود . بعضی از دوستانم که
بشدت هیجان زده شده بودند به خانه من آمدند و با تفاق
از خانه خارج شدیم . رادیوها بسرعت این خبر را پخش
کرده بودند . باین دلیل عده زیادی عکاس خبرنگار و
بیش از پنجاه اتومبیل بیرون خانه من متوقف شده بود .
همسایگان بمحض دیدن من سوار اتومبیلهایشان شدند
تا همراه من بیایند . دارو فروش سرگزر که داروخانه اش
را بسته بود چند قرص بمن داد و گفت « اینها بتوبقدریک
دینامیت قدرت میدهد !»

رادیو اتومبیل را روشن کردم ، گوینده میگفت :
« دیدار محمد علی و جوفریزر یک دیدار بزرگ در خانه
جو در ساعت چهار ! جو میگوید در چهار دور محمد علی را
به جهنم میفرستد . مردم بشناید ! این بزرگترین مسابقه
فیلا دلفیا است . مجانی ! همه چیز مجانی است . تنها
شرطش این است که زودتر خودتان را برسانید !»

کاروان موتور سواران پلیس و مرسی که برای
دیدن دعوی ما برآمده بودند از هر طرف به سوی محل
تمرین جو در حرکت بودند .
ساعت زیادی تا خانه جو باقی داشتیم ولی دیگر
نمیشد سواره رفت . مأموران پلیس گفتند پیاده شویم .
انبوه جمعیت باور نکردنی بود .

اگر از آغاز ندی کی نگران احتمال عدم همکاری و
همراهی فریزر بودم حالا دیگر آسوده خاطر شده بودم .
مسلماً جو همان حرفهای را که با هم توافق کرده
بودیم به روزنامه نگاران و خبرنگاران رادیو و تلویزیون
گفته بود .

هر چه بخانه جو نزدیکتر میشدم
به انبوه جمعیت افزوده میشد . قبل از آن هرگز
حتی در دو دیدار بزرگم با لیستون و مسابقه هایم با ترو
پاترسون سردم اینهمه علاقه نشان نداده بودند .

وقتی به ساختمان نزدیک شدیم فریاد زدیم :
«جوفریزر کجاست ؟! اونو میخوام!» و با مشت
محکم به در کوبیدم . «درواز کن جو ! میدونم اونو تو
قایم شدی ! دروازا کن و بشل و بشل بیا جلو ! تو قهرمان
نیستی ! قهرمان واقعی منم ! باز کن جو ، مردم هم به
دنبال من بکشد ام گرفتند :

«درواز کن جو ! باز کن !»
کسی که دروازا باز کرد ، گمان میکنم بانک دورهام
بود انبوه جمعیت مانند سبلی سرکش بداخل ساختمان
ریخت و سرام هم با خود برد .

جو نزدیک صحنه روی چهار پایه نشسته بود و
داشت دستکش دستچپش را آماده میکرد . بطوری که
گویی میخواد با آن بجان من بیافتد . احساس رضایت
و شادمانی سرسرو وجودم را گرفت . فهمیدم که جو
همیشه صمیمانه دوستش خواهم داشت . او احتیاجی
به این کار نداشت . جو در اوج بود و من در حقیض .
وقهرمان شناسخته شد و رسمی جهان بود و من مطرود .
شاید غرور فراوان او بود که به انجام این کار
وادارش میکرد . جو هر چه بود یک انسان بود و سرآسمان
بسیار آید . او هرگز راضی نمیشد به عنوانی که مسؤولان
مشتزنی به او داده بودند افتخار کنند

شروع به در آوردن بلوزو پیراهنم کردم و با صدای
بلند آنطور که دیگران بخوبی بشنوند گفتم : «از اینکه
مدام میشنوم که مردم جوفریزر را قهرمان جهان میدانند
دیگر حالم بهم خورده است . دوتا قهرمان که نمیشه .
یامن با اون . حالا بکید بدو نم قهرمان واقعی کیه ؟»
بعضی ها فریاد زدند : «تو ! تو !» و بعضی دیگر
گفتند «جوفریزر ! قهرمان واقعی اونه !»
جو از جایش بلند شد و بطرف من آسود گفتم : «خیال
دارم بکارو برای همیشه دهان گشاد تو بندیم . تو اینجا

به فیلا دلفیا اومدی و توشهر من گردوخاک راه انداختی !
حالا اومدی که محل تمرین منو بگیری و اینجا را به این
روز انداختی ! آکه همین جا روتو کم نکنم حتماً فردا
مدعی مالکیت زنم هم میشی ! همین حالا باید جلوتو
بگیرم . من به دستکش هم احتیاج ندارم ! بیاجلویه بینم !»
دستکش را به گوشه ای انداخت .

بانک بشدت گرفته و عصبانی بود . سرش را چنان
تکان میداد که گویی کلکی از این کار بشیمان شده است .
فریاد زد « من هم حاضر !»
چنان حرکتی کردم که همه خیال کردند نمیخواهم
به سر و کول جو بیرم . ولی دوستانم به راحتی جلوی مرا
گرفتند . اطرافیان جو هم جلوی او را گرفتند .
در همین وقت که فشار جمعیت به حد اعلا رسیده
بود و خطر خرابی ساختمان هر آن بیشتر میشد یکی از
فوتیسترین پلیس ها خودش را بسمن رساند و گفت

«محمد علی ، شما توقیف هستید .
جو نه این جمله را شنیده بود با قاصه گفت :
« برای چی دارید توقیفش میکنید ؟»
« اگر او همین حالا اینجا را ترک نکند ناچاریم او را
به زندان بیانندازیم .»

پرسیدم « اتهام من چیست ؟»
فریزر در روی پلیس قرار گرفت و در نهایت
جو انبردگی گفت :

« من او را دعوت کردم . مهمان من است تا وقتی که
حسابی ادبش کنم !»
مأمور پلیس با نهایت ادبی که میتوانست در
آن شرایط داشته باشد گفت « او راه تمام ایمن دورو

اطراف را بند آورده است . باین دلیل رئیس دستور داده
او را از اینجا ببریم .»
مردم که بعضی از حرفهای ما را شنیده بودند
فریاد میزدند :

« ولش کنید ! ولش کنید ! شما نمیتوانید محمد علی
را توقیف کنید !»

آثار وحشت را در چشمان مأمور پلیس خواندم .
عرق پیشانی اش را پاک کرد و گفت « ما نمیخواهیم
درد سردست کنیم . ولی تمام خیابانهای اطراف بند
آمده است و هر لحظه هم وضع بدتر میشود . اگر شما
مسابقه میخواهید این کار جای خاص و شرایط خاصی
دارد .»

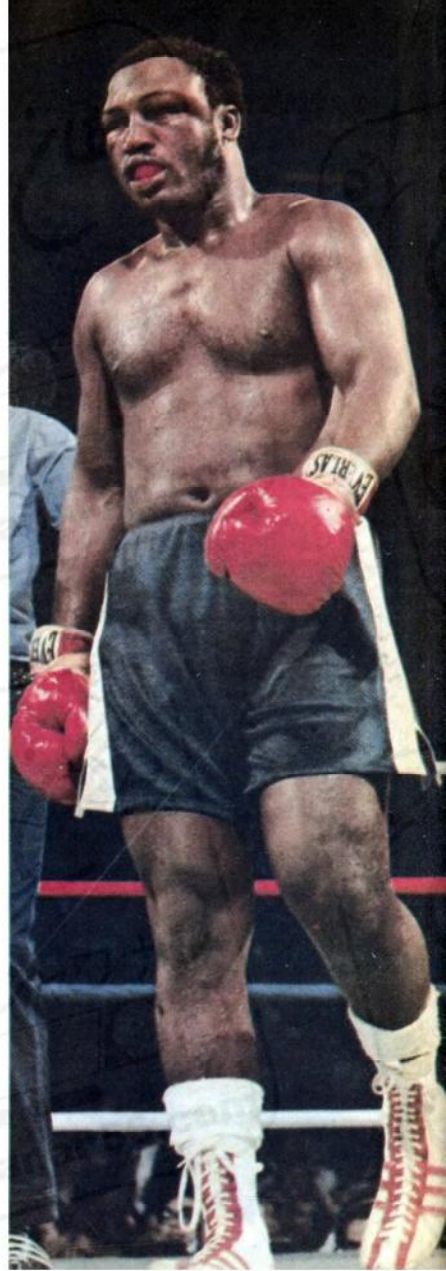
این همان چیزی بود که ما بویژه من میخواستیم .
چشمکی به جو زدیم و گفتم :

« پس بهتره بریم بارک دعوا کنیم . نظر توجیه ؟»
« من اینجا رو ترجیح میدم ولی در هر جای دیگه هم که
باشه راحت از پس تو بریسم .» مأمور پلیس آرام شد
و سعی کرد راه خروج ما را باز کند . در عین حال من و
جو بهم پر خاش میگردیم و خط و نشان میکشیدیم
و ظاهراً دوستانمان با تلاش زیاد ما را از هم دور میکردند .
بکار که به جو نزدیک شدیم به او گفتم :

« جو ، مطمئن باش که آکه مسابقه ای بین ما انجام
شد پول خوبی گیرون میآد . ما سفیدوار و ادار میکنیم
که حسابی پول خرج کنن . خوب خرشون کردیم .
اونا فکر میکنن ما همدیگه رو میکنیم .»
جو که حسابی راه افتاده بود فریاد زد :

« من تا پارک هم نمیتونم منتظر بمونم . من میخوام
همین الان و همین جا کلک انبوکنم !»
سعی کرد دستکشهایش را بردارد و بمن حمله
کند . وضع لحظه به لحظه بهتر میشد . سه تا از شرکای
سفید پوست اداره کنتنده مسابقه های فریزر خودشان
را رسانده بودند . یکی از آنها خودش را بین من و فریزر
قرار داد و با التماس به جو گفت :

« جو ، تورو بخدا گوش کن . اون دازه برای خودش
تبلیغ میکند . تو اینو نمیفهمی ؟ اون برای اینکه از
زنون در بره دازه از تو استفاده میکند . تورو آلت دست
قرار داده جو . تورا بکده هاش مبارزه کن !»
جو اوار کنار زد و گفت :
« من به حرفات اهمیت نمیدم . تا وقتی که روی اونو



« ما براش میگفتم! ما میتونیم اینکارو بکنیم. »
غیر از این چه چیز دیگری میخواستم؟ با ایحال
برای حفظ هربا زهم فریاد زد:
« جو، اونا نمیخوان بذارن ما مبارزه کنیم. جو تمام
مردم میخوان ما با هم مسابقه بدیم. اونوقت تو به حرف
این سه تا سفیدپوست گوش میدی. هر کارت بکنن باز
همون عمو ساسی! »
جوفریا دزد:

« من عمو ساسی نیستم! من عمو ساس نیستم! »
سرانجام به ترتیبی که بود از آنجا خارج شدیم.
مدارس هم تعطیل شده بود و بچه های کتاب بست نیز
به مردم دیگر افزوده شده بودند. خیابان ها غلغله بود.
همه میخواستند شاهد مسابقه ما باشند. نتیجه این کار من
عالی بود. همان شب از جورجیا بمن تلفن شد.
لروی جانسون سناتور جورجیا بود میگفت:

« مردم این ایالت حاضرند هر کاری بکنند تا شاهد
مسابقه شما دو تا باشند. من سعی میکنم برای تودراتلانتا
اجازه کار بگیرم. با هربرت محمد هم گفتگو کرده ام.
باز هم با تو تماس بگیرم. »

گرچه اولین مسابقه من پس از محرومیت با کواری
و پس از آن با اسکار بوناونا بود ولی همه انتظار مسابقه
بزرگ را میکشیدند تا وقتی که اجازه کار بمن داده میشد
با پدر ما آنها انتظار میکشیدیم. ولی تنها اجازه کار نبود که
مشکل مرا حل میکرد. چهار سال دوزی از صحنه های
مشت زنی کم نبود. یک شب که با دکتر باجه کو
حرف میزدم گفت که از نظر جسمی وضع خوبی دارم ولی
اگر یک سال دیگر هم از مسابقه ها دور باشم بهتر است
فکر کار دیگری باشم. این حرف او سرا به وحشت انداخت
شده بودم آنجولو داندی مربی من و باندینی براون
مشت زنی تازه ای را که چهار سال کوچکتر از من بود
زیر پروبال خود گرفته اند. آنها به این جوان که
جف میریت نام داشت تمساح نیمه گرسنه میکشیدند و عقیده
داشتند که بزودی به چنان حدی خواهد رسید که تمام
شیرها، پلنگها و قهرمانان سنگین وزن را خواهد بلعد!
میخواستم خودم را آزمایش کنم. این کاری بود
که حتماً باید انجامش میدادم. از این جهت به محل تمرین
آنها رفتم جف جوان نیرومندی بسود کسه
از لحاظ طول قد بر من برتری داشت. یک چک دو هزار
دلاری در جیبم داشتم که بابت سخنرانی در دانشگاه
بیل گرفته بودم.

باندینی در معرفی جف میریت گفت: این تمساح نیمه
گرسنه در خوردن شیرها، ببرها، فیل ها و بویزه قهرمانان
چاق و چله سابق جهان تخصص دارد.»
بسرعت به اتاق رختکن رفتم کفش و لباسهای
مشت زنی پوشیدم و به صحنه آمدم و به باندینی گفتم می-
خواهم بعنوان بار تمرینی چند دور با جف بازی کنم تا او
آماده شود.

باندینی که دستپاچه شده بود بطرف من آمد و گفت:
« به بین قهرمان، من و تودوست هستیم. تو هر کاری
بگوئی من میکنم ولی جف در بهترین شرایط است درحالی
که تو اصلا تمرین نداری. یک تمساح نیمه گرسنه نی-
تواند ضربه های آسان و بی اثر بزند او یک راست تورا سی-
بلعد.»

ولی گوشم باین حرفها به دکار نبود. داشتم خودم را
گرم میکردم و باندینی میدانست که چیزی نمیتواند مرا
از تصمیمی که گرفته بودم بازدارد.

باندینی گفت:
« ممکنه جف نخواهد اینکارو بکنه. اون برات احترام
قائله.»

« مطمئنم. ولی بهش بگو که بتونه محمدهلی رو
تکون بده یک هزار دلار دست خوش بگیره.»
آنجولو خودش را داخل معرکه کرد و گفت:

« این دیوونگیه. اصلا معنی نداره. تو گفتون از دست
دادی. هه منطور که حرف میزد خودم را گرم می کردم.
ادامه داد:

« ببین تو اول باید تمرین بکنی و آماده بشوی. تو
په ساله که اصلا تمرین نکردی. مشت زنی کاری نیست

که بکنی بگم تبه از تو خویابون باشه و بیاد این تو و
مشت زن بشه.»

بعد ساکت شد و گفت « تو به من گوش نمیدی. »
من داشتم به حرفی که در دروم می جوشید گوش
میدادم. چند سال بود که به طور جدی تمرین
نکرده بودم و بیش از ۵۰ کیلو اضافه وزن داشتم. ولی
سی باید خودم را امتحان می کردم. حتی اگر به سختی
شکست می خوردم.

آنوقت وارد صحنه شدیم و طی دو دور حساب میریت
را رسیدیم. دهان جف خویبن شده بود و وقتی به آغوش
آنجولو پناه برد یک دور دیگر با مشت زن دیگری تمرین
کردم و پس از آن لبسهایم را پوشیدم و از آنجا بیرون
آمدم و آنچه را که میخواستم بدانه فهمیده بودم.

سرانجام به هر ترتیبی بود به من اجازه کار داده
شد. « جسی هیل » کسی بود که این اجازه کتبی را
به دست داد. او طی یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن اعلام
این خبر به روزنامه نگاران شماره تلفن یانک دورهام
را گرفت و از او پرسید که آیا حاضر است مشت زن خود را
در برابر من قرار دهد یا نه؟ دورهام باور نمیکرد که به
من اجازه کار داده باشند. هیل به او گفت:

« جواز کار محمدهلی اینجا در دست من است. »
آنگاه پس از مدتی گفتگوی با ما گفت که جوفریز
حاضر است در اتلانتا با من مسابقه بدهد.

برای من مثل این بود که انتظار عبدال سال نورا
میکشیدم. همه چیز از شروع میشد. ولی آنطور که
مردم میخواستند اولین مسابقه من با فریزر نبود بلکه
با کواری بود. آنوقت که من اجازه کار داشتم دارو
دسته فریزر میگفتند حاضرند در هرجا و هر وقت باشن
مسابقه بدهند ولی وقتی اجازه کار بستم رسید بهانه های
متعددی میتراشیدند.

اما آنها که اجازه کار را گرفته بودند بدین بهانه
گیربهای آنها چستجوی رقیب دیگری رفتند. این
شخص همانطور که گفتم جری کواری بود که هم یک
سفید پوست بود و هم در رده بندی شش زنان مقام
والائی داشت و برای مردم ایالتی مانند جورجیا خیلی با
ارزش بود.

یادم هست از یکی از روزنامه نگاران در باره او کنش
« مادوکس » فرماندار جورجیا که روزگاری از مخالفان
سرسخت من بود پرسیدم.

خبرنگار گفت:
« چند لحظه دیگر سروقت او میروم و توتا دوساعت
دیگر میتوانی وا کنش او را از تلویزیون ببینی. »
آخرین باری که مادوکس را از تلویزیون دیده بودم
وقتی بود که در جواب خواهش مسابقه سازان گفته بود:
« من به « کلی » اجازه کار خواهم داد البته پس از
طی دوران خدمتش در ارتش یا دوره محکومیتش در
زندان. آنوقت ممکن است در باره مسابقه او در جورجیا
فکری بکنم. »

تلویزیون را روشن کردم و منتظر ماندم. سرانجام
چهره ما دو کس ظاهر شد. خون سرد آرام بود و به آرامی
در جواب خبرنگار گفت:

« جنجالهای زیادی در اطراف این کلی ایجاد شده.
وقتی که احضار ارتش را نادیده گرفت مطمئنم که لطمه
زیادی خورد. هنوز هم ضرر این کارش را میدهد. خوب،
همه ما چوب اشتباهانمان را میخوریم. من اینطور فکر
میکنم. و حالاً مانعی در دادن اجازه کار به او نمی بینم.
گرچه مدتها بود که در قبول و باور کردن خبرها
بسیار احتیاط میکردم ولی از شنیدن سخنان فرماندار
شدت هیجان زده شدم. من خودم حرفهای او را شنیده و
آن را باور کرده بودم. شاید بدلیل احتیاجی که به دست
بودن آن داشتم و شاید بخاطر اطمینان به قدرت و وحشت
افراد سیاه و سفید پوستی بود که از من حمایت میکردند و
سرا میخواستند.

حالا یک سؤال تمام فکر را ایناسته بود. سؤالی که
خیلی ها در آن روزها داشتند:

« آیا مشت زنی که ساها از مشت زنی دور بوده در
من بزرگتر نیم (نوشته محمدهلی)

محمدهلی میزه اولین شکست را در بدترین موقع
چشید موقلی که بعد از سه سال محرومیت و جنگ
اعصاب به روی صحنه آمده بود تا مقام قهرمانی جهان را از
غاصب آن، جوفریز بگیرد. بر سر این مسابقه چنان
سرو صدائی در دنیا بلند شد که در تاریخ مشت زنی
نظیر ندارد.

اما محمدهلی بعد از ۵۰ دور مبارزه از این صحنه
سرافکننده خارج شد و همان دم تصمیم گرفت انتقام این
شکست را بسختی بکشد و روز ۳ ژانویه ۱۹۶۳ بعد از
دور وازدم فریزر کوو پیکر را با این قیافه خورد و خمیر
از صحنه بیرون فرستاد و پس از آن بود که توانست در
« کین شازا » بدیدار جرج لورین برود.

که نکم برده متو به قهرمانی قبول تدارن. تو نمیخواود
بمن چیزی یاد بدی! »

دیگری به او گفت:
« که تو بیخوای با محمد مسابقه بدی، ما در بهترین
جا و با پول حسابی تیبشو میدیم. »

جوجواب داد:
« ولی اون اجازه کار نداره. »

عرض شش هفته میتواند خود را آماده کند؟ آیا این مدت کافی است؟ آیا اصلاً میتواند باز هم به شرایط دلخواه برسد؟

قرار سابقه با جری کواری گذشته شد و دو بیست هزار دلار بحساب بانکی من ریخته شد. گرچه جواز کار در دستم بود ولی وحشت و اضطراب هنوز مرا راحت نمیگذاشت. میترسیدم باز هم سدی در مقابلم بوجود آید و نتوانم در مسابقه شرکت کنم.

هنوز هم پیر زنان سفید پوستی را میدیدم که نفرت و خشم بسیار خود را بر من خالی میکردند.

صبح روزی که قرار بود بازگشتم را اعلام کنم، در هتل هیلتون نیویورک خوابیده بودم که صدای درو پس از آن صدای فریاد «باندینی» را شنیدم:

«باشو، قهرمان»
«صداتو بر، مگه چه خبر شده؟»
«بلند شو. اونا منو فرستادن که تو رو سر وقت برسونم.»

«سروقت به کجا؟»

«مگر حالا ساعتی ساعت ده شروع میشه»

«مگر حالا ساعت چند؟»

«ده»

پس ساعت یازده میریم. بذار منتظر بمونم! وقتی برای مصاحبه وارد سرسرای هتل شدم، منشی بمن خبر داد که «جکی رابینسون» بمن تلفن کرده است از اولین باری که در مدیسون اسکویپارکاردن مسابقه میدادم و او برای خوش آمد گوئی در رختکن بسراغم آمد با هم دوست شدیم. از طرز حرف زدن رک و بی پرده او خوشم میآمد.

از آنجا که جکی سالها بعنوان «نزدیک ترین فرد سیاهپوست به راکفلر فرماندار نیویورک» شهرت داشت، اسکریچ و کیل من، از او خواسته بود تا فرماندار در باره کمک به من در مورد کسب مجوز اجازه کار در نیویورک صحبت کند.

گوئی را که بدست گرفتم صدای محکم جکی را شنیدم: «قهرمان، تو هنوز بزرگترینی، البته بعد از من!»

هر دو خندیدیم.
«من بارها با فرماندار صحبت کرده ام. نه یک بار نه دو بار بلکه در تمام طول سال!»

با توجه به سرخستی جکی در پی گیری کاری که انجام آن مورد نظرش بود، میتوانستم او را در اتاق فرماندار و رودرویی او مجسم کنم که بر سر کار من دارد با او کلنجار میروم.

جکی ادامه داد:

«دیروز به فرماندار گفتم وقتی در جنوب، در جورجیا یعنی در جانی که خاطر برتری سفید پوستان جنگیبند، جانی که افراد را بخاطر احترام نگذاشتن به پرچم بدون محاکمه اعدام میکردند، به محمد علی حق کار داده باشند، مردم نیویورک هم باید این کار را بکنند.»

با کنجکاوای از او پرسیدم:
«خوب، فرماندار در جواب توجه گفت؟»

«فرماندار گفته خیلی هادر باره تو با او حرف زده اند. ولی او میترسید که مبادا مخالف نظر کاخ سفید کاری

نمیکسون از جسارت او منتفر است.» جکی، تو میدونی که من به راکفلر گفتم که اگر به علی اجازه کار در

نیویورک بدهد میتواند آرای زیادی بدست بیاورد. ولی راکفلر اقامتی نمیکند. او کاری نمیکند که نیکسون را

آزوده خاطر سازد»
«فکر میکردم مردی با آنهمه قدرت و پول باید مستقل باشد.»

جکی گفت: «بعضی از آدمهای دارو دسته اوبیگوند اگر تو چیزهایی بنفع فرماندار بگوئی و در مبارزات انتخاباتی شرکت کنی ممکن است کاری برایت بکند.»

«من نمیتوانم این کارها را بکنم.»
«من هم چنین چیزی از تو نمیخواهم. یک نوکر برای راکفلر کافی است. من نمیخواهم ترا به دردرس

بنا دارم. خود من همین روزها خلاص میشوم.»

جکی آخر سر گفت:

«تو ممکن است درد اذگاه برنده شوی، ولی هر وضعی پیش نیاید مطمئن باش که سابقه تو در آتلانتا بر هم خواهد خورد. وقتی تو ثابت را به صحنه بگذاری من آسوده خواهم شد. به اسکویچ بگو که من هر کاری میتوانم کردم.» از او تشکر کردم.

ماها بعد یکی از یاران فرماندار با وکیلیم تماس گرفت تا بپرسد که آیا

من حاضر هستم به خاطر اینکه سرانجام نیویورک نیز به من اجازه کار داده است در یک نامه رسمی از فرماندار تشکر کنم. فرماندار خیال داشت از این نوشته در مبارزات انتخاباتی استفاده کند.

اسکریچ در جواب آن شخص گفته بود:

«ما چگونه میتوانیم از او تشکر کنیم از او که حتی از باز کردن دهانش هم دریغ کرد؟»

همکاران فرماندار نمیدانستند که ما بوسیله جکی از طرز فکر فرماندار مطلع شده بودیم.

تنها نامه های تشکر آمیزی که می بایست و میتوانستم امضاء کنم نامه هائی خطاب به مدیرم، وکیلیم، استادان حقوق دانشگاه کلمبیا و «آن واکر» یک قاضی بنیاد و کلاسی مدافع بود که یک سال وقتش را صرف گردآوری مدارکی کرده بود تا ثابت کند که کمسیون ورزشی نیویورک تا کسی که نبود به نود شش زن محکوم به قاچاق، سوء استفاده، زنا و جنایت اجازه کار داده و اجتناب کمسیون از دادن اجازه کار به من در اثنائی که پرونده من تحت بررسی بود یک کار بیرحمانه و مجازات غیر عادی بود.

از وقتی که در مدیسون اسکویپارکاردن و پیش از وریور و شلن با «زورافولی» در یک مصاحبه مطبوعاتی حضور یافتیم. این اولین مصاحبه مطبوعاتی من پیش از یک مسابقه بود. و بلافاصله پس از آن مصاحبه بود که زمزمه اعزاز من به خدمت ارتش و به ویتنام سر زبانه افتاد. و حتی قبل از اینکه نظرم را به حوزه نظام وظیفه اعلام کنم، بعضی از روزنامه ها نوشتند: «کلی زندان را به ارتش ترجیح میدهد. کلی به عوسام توهین می کند.» از روزی که سلمان شدم را آشکار کردم روزنامه ها نوشتند که من شایستگی پوشیدن شل افتخار قهرمانی جهان را ندارم و مشتاقانه در آرزوی روزی بودن که یک «آمریکائی واقعی» عنوان جهانی را از چنگ «این دهن گشاد نمک نشناس و وظیفه نشناس» در بیاورد.

با این حال وقتی برای مصاحبه با همین روزنامه نویسها به سوی تالاری رفتم احساس آرامش میکردم و رنجشی به دل نداشتم. در حقیقت در اینجا و آنجا نسبت به بعضی ها که نوشته های آنها به خصوص مرا آزردند. خاطر ساخته بود احساس دوستی نیز میکردم. از آن پس بسیاری از آنها از مجازات من به خاطر سرپیچی از فرمان ارتش یا تکوشتی من به خاطر مذهب خودداری کردند. گرچه هرگز با من آن رفتاری را نکردند که اگر کاتولیک شده بودم، میکردند. اما افکار عمومی نسبت به جنگ تغییر کرد و اکثریت مردم حتی شدیدتر از من به مخالفت با جنگ برخاستند.

آن روز به هر شکلی بود مصاحبه مطبوعاتی پایان گرفت ولی آنچه که بیش از همه مرا تحت تأثیر قرار داد درخواست آرام و مؤدبانه جری کوآری بود.

همه چیز تمام شده بود و دانشتیم از تالار خارج میشدیم که جری کوآری مؤدبانه به من گفت:

«قهرمان، پیش از اینکه بروی. همسرم میل دارد با تو آشنا شود.»

در میان جمعیت به دنبال او رفتم تا وقتی که به یک زن زیبای خوش پوش - که لبلسی از جیر قهوه ای پوشیده بود - برخورد کردم که دستش را جلسو آورد و گفت:

«فکر کردم جری فراموش کرده خواهش را بگوید. من مدت ها بود که میخواستم با شما ملاقات کنم.»

گفتم:

«من نمیدانم با داشتن همسری به زیبایی شما جری چطور فرصت تمرین کردن بدست بیاورد.»

با این سخن من خون در چهره اش دیدم.

جر کوآری گفت:

«و این هم بسمن است، جری لین.»

پسر بیشتر شبیه مادرش بود تا پدرش. جری لین دستش را در دستم گذاشت و من دست دینگرم را دورشانه اش گرفتم. گرچه کسان و خیزنگاران یک

لحظه راحت نمیکذاشتند، تمام فکرم به این بچه معطوف شده بود. چنان نگاه میکردم که گویی من و پدرش

دوستان صمیمی یکدیگر بودیم که خود را برای یک

تعرین ساده حاضر میکردیم. محکم دستهایم را گرفته بود

و من احساس پریشانی عجیبی داشتم که برای خودم هم غیر قابل وصف بود. آنوقت متوجه شدم که مدت ها از مست زنی بدور بوده ام.

جری اولین پدری نبود که در برابر دیدگان افراد خانواده اش از من شکست میخورد. قبل از او پسران

کلیولند ویلیامز، جورج جو او، و برابان لندن، زورافولی، و چند تای دیگر؟ شاهد این صحنه شده بودم.

حرفی که روزی فلوید با ترسون بمن گفته بود بیادم آمد:

«خشونت و نفرت جزئی از دنیای مست زنان حرفه ای است. ما می جنگیم ولی واقعا نفرت شدیدی نداریم. گر

چه وقتی در وحشت باخت می لرزم میجوشیم و نامود کنیم که از رقیب نفرت داریم.....»

من همیشه سعی میکردم تا در برابر شخصیت رقیبم مصونیت پیدا کنم و تحت تأثیر او قرار نگیرم. تا وقتی که او را شکست بدهم. برایش یک شخصیت بخصوص می

سازم و اگر مجبور باشم انگیزه هائی برای کار و حملاتم درست میکنم. باین ترتیب بهتر می جنگم و حتی از کارم لذت میبرم.

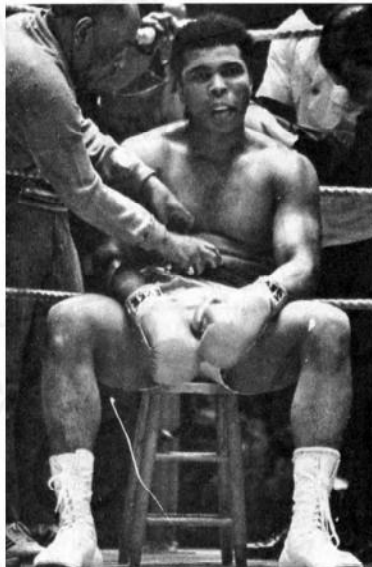
ولی آیا میتوانم وانمود کنم از پدری که پسر کوچکش دستم را در دستهایش گرفته، پنجه ای را که

سکن است صورت پدرش را له کند یا آینده و اعتبار بدر

رانا بود سازد با آن صمیمیت در دست گرفته، نفرت دارم؟

ظلمت خیال میکردم سابقه مست زنی حرفه ای فقط یک بازی دوستانه است!

کارنامه محمد علی



سی و هفتمین مبارزه محمد علی در دست زنی حرفه ای با جرج جووالو کانادائی بود که روز اول مه ۱۹۷۲ در «انگور» (کاناد) صورت گرفت و محمد علی پس از ۱۲ دور سابقه با استیبا زرنه شد.